Ādāb-i-Ǻbbāsī
(ethics)

آداب عباسی از علامه محمد الدین شیرازی
معروف به صدرا که بنام شاه عباس صفوی تالیف کرده

آداب عباسی

علامه صدرا

نسخه کمیاب

کتبه

آغاز این حدیث [illegible] افلاطون

آنکه در آن جابر [illegible]

[illegible] این نسخه

الهی یا خالق [illegible]

[illegible]

Lucknow
12.11.26.
4.1.

89

بسم الله الرحمن الرحيم

تقدیس بی پایان. و تسبیح قادر بر اکر خلص عبادتش

بمفاتح فلاح قد افلح المؤمنون الذين هم في صلاتهم

خاشعون اقفال خزاین عبودیت بند گشاینده

و معترفان قدس معبود و تشریف شاهد اسرار الجلی الملل

بذکر يذكرون الله قياما وقعودا وعلى جنوبهم

ويتفكرون في خلق السموات والارض ارزانید

بار یافتگان قدس قربش است ويطوف عليهم

ولدان مخلدون باكواب واباريق وكاس

من معين رحيق مختوم وسقيهم ربهم شرابا

طهورا آشامنده و حمد و حمد ریش ...

2

وَاِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ وَاِلٰی رَبِّکَ فَارْغَبْ ارشد

والتحیات

درست عزته و عزت قدرته و صلوات متقدمات

مدار اقدس مقدسین و مقتدای و اشرف محبوبین

سحین شارب رحیق و انهار من خمر لذة للشاربین — ربین

مدار ملک دنی فتدلی فکان قاب قوسین

او ادنی سید اهل مسیدان و لسوف یعطیک

ربک فترضی محمود بارگاه و لا یشفعون الا

لمن ارتضی صاحب منبر یا ایها المدثر قم فانذر

و ربک فکبر و ثیابک فطهر و بر آل اطهار و اولاد

اطهرین اخیار [illegible] انما یرید الله لیذهب

عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا صلوات

و تسلیمات دائمه بدوام عز ربوبیت و قدم الوهیت

تعز و تقدس و تعالی و بعد حبیبی گوید ذره خاکسار

بقصد برآشفته شهر و روزگار   ز اطوار نفس از خدا شرمسار

نظر بسته بر رحمت کردگار   که در وقت اقبال شاه جهان

جهانگیر شاهی و رتبه شان   شه پادشاهان روی زمین

ابوالنصر عباس نصرت قرین   از او رونق دین پاک نبی

باو تازه آثار آل علی   جبین شهان از درش سجده گاه

شود تابنده و نصرت اله   کجا که دهد نقش روی شهان

چو بر زر دهی نقش روی بتان   شه پرور ای باقبال اکبر

گشوده جهان را ز شه بخت   نگردد بکس صورت جز خدا

همی از خدا خسته رای بدال   خدا کرد نقش در کارزار

مددکار او احمد و هشت و چار   به تیغش بر انداخته باد خبر

خدا بر گزیدش بفتح و ظفر   بصحت تنش باد و گوش خدا

خدایا در وجه فیلیه تا حشرش   فلک بر مراد دلش شادمان

بزرگیش تمام جهان   سخندان دین محمد زمان

با محمد سنجر علامان ، کتابی در آداب طاعت نوشت
در اوراد به هر وقت و ساعت نوشت ، بلفظ عرب بود
ان رهبان ، نبد فرس را نفع شد از آن برای
غلامان خاقان دین ، نوشتش بیان کرد این کمترین
چو بر نام شاه جهان شد تمام ، شد آداب طاعات شین نیز
نام امید انکه مقبول یزدان شود ، تو انتش شاه
جهانبان شود ، ببخشد خدا عمر سلطان باد ، بود شمع ایمان
فروزان باد ، برونق ازو باد شرع نبی ، وزو شاد
خدمتش علی ولی ، ومن الله التوفیق وعلیه التکلان
این رساله را که مشتمل بر [illegible] باب اول در بیان
آنچه از طلوع صبح صادق تا طلوع آفتاب بجا باید آورد
باب دوم در بیان آنچه از طلوع آفتاب تا وقت ظهر
بجا باید آورد [illegible] از وقت ظهر

تا فرو رفتن آفتاب بجای باید آورد باب چهارم آنچه

از فرو رفتن آفتاب تا وقت خواب سیدن بجا باید آورد

باب پنجم در بیان آنچه از وقت خوابیدن تا نصف شب

بجا باید آورد باب ششم در بیان آنچه از نصف شب

تا طلوع صبح بجا باید آورد باب اول در بیان آنچه

از طلوع صبح صادق تا طلوع آفتاب بجا باید آورد و در آن

مقدمه است و چند فصل مقدمه بدانکه از اصحاب عصمت

سلام الله علیهم اجمعین حدیث بسیار در فضیلت این

وقت نقل شده و این وقت را ساعت غفلت

میگویند از فرو رفتن آفتاب تا برطرف شدن شفق را

هم ساعت غفلت می نامند و سنت است که آدمی در این

وقت بیدار باشد زیرا که خواب درین دو وقت مشهور است

و محمد بن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه نقل کرده که حضرت

که حضرت شیخ جمال الدین حلی قدس سره در کتاب منتهی المطلب
فرموده بدانکه روشنی روز از آفتابست و هرچه
روشن است بشعاع آفتاب او را در جانب دیگر
سایه می افتد و هوای عالم منور شده بسایه گردیدن
آفتاب را گرد زمین او چون جرم آفتاب بزرگتر است
از زمین سایه زمین بشکل مخروط باشد و آن را
مخروط ظل گویند و بیرون مخروط ظل پاره روشن است
بشعاع آفتاب و از مخروط ظل هم پاره روشن است
بسبب نزدیکی شعاع آفتاب و این روشنی بمیان
مخروط نرسد که هرچند بمیان مخروط نزدیکتر
میشود این روشنی کمتر میشود و نهایت تاریکی در میان
مخروط ظل باشد پس چون آفتاب بغرب رسد سر
مخروط ظل در مشرق باشد و هرچند آفتاب پایین تر

رود سر مخروط ظل بالاتر آید و چون آفتاب بزیر

رسد سر مخروط ظل بالای سر آید و چون از آنجا بجانب

مشرق رود سر مخروط ظل از بالای سر بجانب مغرب

میل کند و چون آفتاب در آخر شب بمشرق نزدیک شود

آنکه از مخروط ظل روشن است در بالای مشرق پیدا

شود باریک و دراز چون ستون آنرا صبح کاذب

و فجر اول میگویند اما در نیوقت مشرق تاریک باشد

و چون آفتاب اندکی دیگر در زیر افق بمشرق نزدیک

شود آن روشنی بیشتر شود و مشرق روشن شود روشنی

در مشرق پهن گردد و این صبح صادق است و اول وقت

نماز صبح این است و از این شکل تصور آنکه گفتیم آسان شود

بدانکه متعلق نیست بصبح کاذب مگر اندکی از عبادت

مثل اجل شدن وقت فضیلت نماز وتر بکسیرا که افضل

اهلست

وفات وتر از طلوع صبح کاذب است تا طلوع صبح صادق

روایت کرده شیخ طوسی قدس سره در کتاب تهذیب

بسند صحیح که اسمعیل بن سعد اشعری گفت پرسیدم از

حضرت امام رضا علیه السلم از افضل ساعات وتر

پس آنحضرت فرمود که دوستترین ساعتهای وتر نزد

من فجر اول است و در حدیث دیگر شخصی در اول شب پرسید

از حضرت امیر المؤمنین علیه السلم از وقت وتر آنحضرت

جواب نگفت تا وقتی که میان صبح کاذب و صبح صادق

شد حضرت امیر المؤمنین علیه السلم بیرون آمد بمسجد و سه بار

گفت که کجاست آنکه سوال کرد از وقت وتر نیکو ساعتیست

نماز وتر این ساعت بعد از آن برخواست آنحضرت

و نماز وتر بجا آورد و سنت است که چون صبح صادق طلوع

کند این دعا بخواند یا فَالِقَهُ مِن حَيْثُ لَا اَرَى

ومُخرِجه من تحت ارضی صلّ علی محمد وآل

واجعل اوّل یومی هذا صلاحاً واوسطه

فلاحاً واخره نجاحاً روایت کرده ابن بابویه

قدس سره در کتاب فقیه بسند صحیح که حضرت امام جعفر

صادق علیه السلام فرمود که نوح علیه السلام هر گاه صباح و شام

کردی در هر یک ده بار گفتی. اللهمّ انّی اشهد

انّه ما اصبح بی من نعمة وعافية في دين

او دنيا فمنك وحدك لا شريك لك لك

الحمد ولك الشكر بها علیّ حتی ترضی

وبعد الرضا پس بدين سبب عبد شکور (نام او) شد روایت

کرده کلینی در کتاب کافی بسند حسن از حضرت امام جعفر صادق

علیه السلام که چون صبح می شد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می گفت

سبحان الملك القدّوس سه بار اللهمّ انّی

اعوذ بك

عوذ بك من زوال نعمتك ومن تحويل عافيتك

ومن فجاءة نقمتك ومن درك الشقاء

ومن شر ما سبق في الليل والنهار اللهم إني

أسألك بعزة ملكك وشدة قوتك

وبعظيم سلطانك وبقدرتك على خلقك

أن تفعل بي كذا وكذا مطلب خود را ذكر بايد كرد

كليني در كتاب كافي بسند صحيح از حضرت

امام محمد باقر عليه السلام كه حضرت پيغمبر صلى الله عليه وآله گذشت

بشخصي كه درخت مي نشاند در زمين خود ايستاد پس پيغمبر گفت

آيا دلالت كنم ترا بر نشاندن درختي كه اصل

آن ثابت تر و زودتر رسيده ميوه آن بهتر و باقي تر است

آن شخص گفت بلي پس مرا دلالت كن يا رسول الله پس آن

حضرت فرمود كه چون صباح و شام كني بگو كه سبحان الله

ولكنت

و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر بی
بدرستی که ترا است بهر تسبیحی ده درخت در بهشت از
انواع میوه‌ها و این تسبیحات اند باقیات صالحات
پس امام محمد باقر علیه السلم فرمود که آنشخص گفت بدرستی که
ترا که ما میگیریم یا رسول الله که محفوظ من صدقات
مقبوضه بر فقراء مسلمین که مستحق صدقه باشند پس
ساخت خدای تعالی آیه چند از قرآن فاما من اعطی
و اتقی و صدق بالحسنی فسنیسره للیسری
یعنی اما آن کسی عطا کند و پرهیزد و تصدیق کند
بنیکوئی پس زود باشد که ما میسر سازیم او را
آسانی روایت کرد سید حسین جمال العارفین رضی الله
عنه از ابن طاوس قدس الله روحه که حضرت امام محمد باقر
فرمود که کسی که صباح کند و در دست او باشد انگشتری

او عقیق باشد و پیش از آنکه کسی را ببیند نگین او را بگرداند
بکف دست و انا انزلناه بخواند تا آخر و بعد از آنکه
بگوید آمَنْتُ بِاللهِ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَ كَفَرْتُ
بِالْجِبْتِ الطَّاغُوتِ وَ آمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ
وَ عَلانِيَتِهِمْ وَ ظَاهِرِهِمْ وَ بَاطِنِهِمْ وَ أَوَّلِهِمْ
وَ آخِرِهِمْ نگاه دارد خدای تعالی او را در آن روز
از هر آنچه از آسمان پایین آید و آنچه به آسمان بالا رود
و آنچه از زمین بیرون آید و در حرز خدای تعالی باشد سپر
کند روایت از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که نزد
[illegible] هر که بگوید گفت أَسْتَوْدِعُ اللهَ الْعَلِيَّ
الْأَعْلَى الْجَلِيلَ الْعَظِيمَ دِينِي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي
وَ وُلْدِي وَ إِخْوَانِيَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ
وَ جَمِيعَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَ جَمِيعَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ

أَسْتَوْدِعُ اللهَ الْمَخُوفَ الْمَرْهُوبَ الْمُتَضَعْضِعَ
لِعَظَمَتِهِ كُلُّ شَيْءٍ دِينِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي
وَوُلْدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ وَجَمِيعَ مَا رَزَقَنِي
رَبِّي وَجَمِيعَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُمْ فصل چرا که
در محل طلوع صبح صادق تا اذان صبح را یاد داشت
کوشی و فاتحه و وضوی کامل را بیان کنیم پس چون خواهی
که وضو سازی اول مسواک کن و باید که
یعنی بپهنای مسواک کنی نه بطول یعنی نه بدرازی انها
و کافی است انگشت از چوب مسواک روایت کرده در کتاب
تهذیب که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که مسواک با ابهام و مسبحه
یعنی در وقت وضو مسواک هست و غرض آن است که کلمه
انگشت شهادت و انگشت بزرگ بر دندانها در وقت

وضو ثواب مسواک کردن هموار دو [illegible] و بقبله بودن
در حال وضو و اکثر علما این ذکر نکرده اند و بعضی ذکر کرده
و مستحسن شمرده بانچه منقول است از ائمه علیهم السلم که بهترین
مجالس آن است که رو بقبله باشد [illegible] اگر وضو از
ظرفی سازی که ممکن باشد دست در آن فرو بردن آنرا
بر جانب راست بگذارد اگر از نهری یا حوضی وضو سازی
[illegible] بنشین که آن بر جانب راست تو واقع شود
و هر چند [illegible] رو بقبله نشستن و گذاشتن
آب وضو بر جانب راست پس ظاهر ترجیح استقبال است
و در نظر آب کنی بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی جَعَلَ
الْمَاءَ طَهُورًا وَلَمْ یَجْعَلْهُ نَجِسًا پس بشو دستها را
تا بند دست پیش از آنکه بآب فرو بری یکبار اگر از حدث
بول یا خواب وضو سازی و از حدث باد و دو بار از حدث

غایط و شستن دستها پیش از وضو از غیر این سه حدث
سنت نیست و اگر وضو از خوابیدن یا از بول سازی پس مذهب
اکثر علما آن است که شستن دستها در این حال سنت است
و بعضی دیگر سنت نمیدانند و این مذهب نیست بعد از آن
دست در آب کن و بگو آنکه روایت کرده در تهذیب بسند
صحیح که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده که چون دست در
آب کند اراده بگو بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی
مِنَ التَّوَّابِینَ وَ اجْعَلْنِی مِنَ الْمُتَطَهِّرِینَ پس سه بار
مضمضه یعنی آب در دهن کن پس سه بار هم آب
در بینی کن و بگو عقب هر یک دعائی را که در فصل آینده
ذکر خواهیم کرد پس به دست راست کفی آب بردار
و نیت کن که وضوی واجب می‌سازم برای استباحه بودن
نماز جهت امتثال امر الله تعالی و مقارن سازد به نیت شستن

بالای سر و رو او حکم نیت را دایم دارد تا فارغ شدن

بگوید بسم الله چنانکه روایت کرده در فقه از امام محمد باقر

علیه السلام و ظاهر آن است که بسم الله اول کار نیت

انجا هم بسم الله باید گفت زیرا که آن برای شروع در سنت بود

و این برای شروع در واجب است و بگویند کرده اند علما

ساختن نیت را بشستن سرهای دست اگر شرایطش یافته شود

اند مصنف و استاذنا هم بدلیل آنکه این همه از

افعال وضو کامل اند و ابن طاوس قدس سره توقف کرده

در جایز بودن مقارنه نیت به شستن رو و احتیاط

نیست و چون آب بر رو ریزی ابتدا بر آن کن چنانکه

از اصحاب عصمت سلام الله علیهم منقول است نزد حکایت

وضوی پیغمبر صلی الله علیه و آله و علما در خلاف کسی که

دست کشیدن را واجب میدانند و واجب نیست که هر جای

از اجزاء رو که بالا زاست تنیوی حیس از جزوی که پایین
آن جزو است ملکه چون استیعاب البشتین اعلا روی
کاف است و حد رو در طول و عرض آن است که دور
بر ابهام و وسطی یعنی انگشت بزرگ و انگشت میانه بر آن
نگردد چنانکه ظاهر است بآن صحیحه زراره از حضرت ابا
جعفر علیه السلم بیان آن در شرح حدیث چهارم کتاب
جمل حدیث است و واجب تخلیل یعنی رسانیدن آب
موی که پوست رو از زیر آن دیده شود [illegible] احتیاط
یعنی رو برو بودن چنانکه شستن در آن صادق آید
در وقتی که دو کس رو برو باشند که پوست رو در
تخاطب دیده نشود تخلیل آن واجب نیست بلکه واجب شستن
ظاهر آن موست وحینهما یکی در حال وضو رو اشتی
در قصه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که باید حینهما

10

نزد وضو ساختن چشمها را بسته است چنین را اکثر علما

ما ذکر این در سنتها کرده اند و بعضی از فضلا شیعه

وجه اجمال آن یافته که شیخ طوسی قدس سره نقل کرده

اجماع را بر آنکه سنت نیست رسانیدن آب وضو بدرون

چشمها و شیخ شهید قدس سره در کتاب ذکری فرموده

که منافاتی نیست میان این دو زیرا که میتواند بود

چشمها باز کردن سنت باشد و بدرون چشم رسانیدن

سنت نه پس چون فارغ شوی از شستن روی کفی

آب بردار بدست چپ چنانکه حضرت امام محمد باقر علیه السلام

نزد خود دید وضو حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و شستن

دست راست را از مرفق تا سر انگشتان و دست چپ را

بگشته بر آن تا سر انگشتان و اینجا احتیاط بسیار

زیر موی که خواه بسیار باشد و خواه اندک اگر چه دیده نشود

و ابتدا کن بشستن ظاهر دست راست ابتدا کن به بالای دست

بعد از آن بدست راست کفی آب بردار و با آن دست چپ را

بشو چنانکه راست را شستی و باید که هر یکی از دو دستها را

یکبار بشویی نه زیاده چنانکه مذهب کلینی است و ابن بابویه

پس بتری دست راست مسح کن به سه انگشت پهلوی هم نهاده

پوست پیش سر را یا موی را که بر آنجا رسته و نکشیده باشد

بیرون نرود از حد سر و به باقی ماندهٔ آن تری مسح کن

پشت پای راست را از سر انگشتان تا کعب یعنی بلندی پا

آنجا که از ساق جدا میشود یا از قدم که میانه پشت پا است

پائین تر از کعب آنچنانکه در مشرق الشمسین حبل المتین مذکور است

پس مسح کن پشت پای چپ را بتری دست چپ و باید که مسح

وقت قدمها یک دستها نه تر نیست و دستها که اگر ضرور نیست

و باید که دست کشیده شود بر سر قدمها و ... گذاشتن

دست بکشید [انگشتان] و باید که قدمها را مسح کنی تمام کف چنانکه
در تهذیب روایت کرده بسند صحیح از احمد بن محمد بزنطی
که گفت سوال کردم از حضرت امام رضا علیه السلم از مسح
بر قدمها که چگونه است پس آنحضرت گذاشت کف دست
خود را بر [انگشتان] پا پس مسح کرد آنها را تا کعبها پس گفتم
اگر کسی بدو انگشت از انگشتان خود مسح کند اینقدر
[illegible] آنحضرت فرمود که لا الا بکفه کلها یعنی مسح تمام
نشیبها تا کعب و تمام کف و باید که افعال وضو را الی
در پی یکدیگر آرد یعنی تاخیر [میان] آنها با رعایت ترتیب
مذکور رخصی در مسح قدمها چنانکه مجمع علیه است از شیعه
علما و کلینی در کافی روایت کرده بسند حسن حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم فرموده که مسح کن بر قدمها و ابتدا
کن بجانب راست و باید که کوانه نزد هر فعل از افعال وضو

دعایی که مقرر است برای آن فعل چنانکه در فصل آینده
مذکور میشود **و چون** از وضو فارغ شوی بگو الحمد لله
رب العالمین چنانکه شیخ طوسی قدس سره در تهذیب
روایت کرده بسند صحیح **و بعد از آن بگو** اللهم اجعلنی
من التوابین واجعلنی من المتطهرین اللهم
انی اسئلك تمام الوضوء وتمام الصلوة
وتمام رضوانك والجنة **بدانکه** مستحبات
وضو دعاست و افعالی که واجب است
نیت با استدامت حکم وشستن رو و دستها و مسح سر
و قدمها متصل [illegible] از سر قدمها تا کعب و ترتیب و
یعنی پی در پی بودن افعال و مباشرت یعنی خود وضو
ساختن مگر برای ضرورت **و سنت** ترک تمندل یعنی
بعد از وضو بمندیل خشک کردن تری وضو از اعضا

در حدیثی که حضرت امام جعفر صادق علیه السلم فرموده که کسی
وضو کند و تمندل کند باشد مر او را یک حسنه و اگر
تمندل نکند تا آنکه خشک شود آب وضوی او باشد او را
سی حسنه و ظاهر آن است که عمداً خشک کردن آب وضو
به آفتاب یا به آتش مثل تمندل باشد و باشا[illegible] وضو
تا خشکی در مسجد از غیر حدث بول و غایط [illegible]
دیگر مکروه است چنانکه روایت کرده در کتاب کافی بسند
صحیح فصل روایت کرده در کافی ثقة الاسلام
و رئیس المحدثین در فقیه و شیخ الطایفه در تهذیب از عبد الرحمن
بن کثیر الهاشمی که امام جعفر صادق علیه السلم فرموده که
روزی حضرت امیر المؤمنین علیه السلم نشسته بود با پسر حنفیه رض
گفت او را ای محمد بیار ظرفی از آب وضو سازم برای نماز
پس آورد برای آنحضرت محمد آب پس آنحضرت کفی آب [illegible]

ریخت بر دست چپ پس گفت بسم الله والحمد

لله الذی جعل الماء طهورا ولم یجعله

نجسا حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود حضرت

امیر المؤمنین علیه السلام بعد از آن استنجا کرد و گفت

اللهم حصّن فرجی واعفّه واستر عورتی

وحرّمنی علی النار فرمود که بعد از آن مضمضه

کرد یعنی آب در دهن مبارکش کرد پس گفت اللهم

لقّنی حجّتی یوم ألقاک وأطلق لسانی

بذکرک پس استنشاق کرد و گفت اللهم لا

تحرّم علیّ ریح الجنّة واجعلنی ممن یشمّ

ریحها وروحها وطیبها فرمود که پس رو را

شست و گفت اللهم بیّض وجهی یوم تبیضّ

فیه الوجوه ولا تسوّد وجهی یوم تبیضّ

تسود

نیز

13

پس روی شست و بعد دست راستش را بشست و گفت
اللهم اعطني كتابي بيميني والخلد في
الجنان بيساري وحاسبني حسابا يسيرا
بعد از آن شست دست چپش را و گفت اللهم لا
تعطني كتابي بشمالي ولا تجعلها مغلولة
الى عنقي واعوذ بك من مقطعات النيران
پس مسح کرد سر مبارکش را و گفت اللهم غشني بر
خمتك
وبركاتك پس مسح کرد پاها را و گفت
اللهم ثبتني على قدمي على الصراط يوم
تزل فيه الاقدام واجعل سعيي فيما يرضيك
عني بعد از آن بالا کرد سر مبارکش را و نظر کرد
محمد و گفت ای محمد کسی که وضو سازد مثل وضوی من
و بگوید این گفتن را خلق کند خدای تعالی از هر قطره

نوشته که تقدیس و تسبیح خدا گوید و تسبیح خدای تعالی

برای او ثواب آن را تا روز قیامت بدارد میان

نسخه‌های کتاب کافی و فقیه و تهذیب اند که اختلافات

در بعضی الفاظ این دعاها واقع و آنچه اینجا مذکور است ما

[illegible] است که شیخ طوسی قدس سره [illegible] بسیار [illegible]

و نسخه که منش عالیحضرت استاد است ادام الله ظله بخط

مبارکش قدس سره است که همین نسخه را پیش شیخ

زین الدین نور الله مرقده خوانده و [illegible] جلد ی

اجازه نوشته بخط مبارکش برای [illegible]

وضو فارغ شوی مستحب است [illegible] باب [illegible] کرده

در فقیه که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود کسی که

شود دستمال نگذارد یا به هیچ تری و نه به هیچ خشکی

مگر که تسبیح کند برای او زمین تا زمانی [illegible]

بسمه بود، وقت بیرون رفتن از خانه بگو بسم الله الذی

خلقنی فهو یهدین و الذی هو یطعمنی

و یسقین و اذا مرضت فهو یشفین

و الذی یمیتنی ثم یحیین و الذی اطمع

ان یغفر لی خطیئتی یوم الدین رب

هب لی حکما و الحقنی بالصالحین و اجعل

لی لسان صدق فی الآخرین و اجعلنی

من ورثة جنة النعیم و اغفر لابی

ثقة الاسلام کلینی در کتاب عدة الداعی

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود کسی که وضو سازد و

بیرون رود بجانب مسجد و در محل بیرون رفتن از خانه

بگوید بسم الله الذی خلقنی فهو یهدین

هدایت کند خدای تعالی او را بصواب و ایمان و چون

بگوید وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ کو ربه

خدای تعالی از طعامهای بهشت و بیاشامانه اورا از آب

بهشت و چون بگوید وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ

بکرداند خدای تعالی این کفش را کفاره بیبلن آن

و چون بگوید وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ بمیراند

خدای تعالی اورا مردن سعادت یافتگان و چون بگوید

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ

بیامرزد خدای تعالی جمیع خطاهای د [illegible] اگرچه زیاده

[illegible] تر از کف دریا و چون بگوید رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا

وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ببخشد خدای تعالی اورا

حکمت و علم و برساند اورا بصالحان که بهشت

و صالحان باقی مانده کان و چون بگوید واجعل لی

لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ شود خدای تعالی

151

ی او در ورقی سفید که فلان بن فلان از رحمت
یان است و چون بگوید و اجعلنی من ورثة
جنة النعیم عطا کند خدای تعالی باو منزلها در
بهشت نعیم و چون بگوید اغفر لابی بیامرزد خدای تعالی
رو مادر او را و چون خواهی که بسجد در حیل نمیش
عیش او را کم قایم شام کنش است ملاحظه کن که بجا شر
داشته باشد و مقدم دار پای راست را و بگو
بسم الله و بالله و من الله و الی الله و
... الاسماء کلها لله توکلت علی الله لا
حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم
صل علی محمد و آل محمد و افتح لی ابواب
رحمتك و توبتك و اغلق عنی ابواب
معصیتك و اجعلنی من زوارك و عمار

مساجدك وممن يناجيك في الليل والنهار
ومن الذين هم في صلاتهم خاشعون و
وادحر عني الشيطان الرجيم وجنود ابليس
اجمعين وجوب خواهی که کفش یا غیر اینها را از پای بیرون
کنی چپ ایش از راست بیرون کن و در پوشیدن
عکس و اگر در پای نعل عربی باشد و نماز کردن با آن ممکن
باشد پس با آن نماز کن و آن را بیرون مکن زیرا که نماز
در نعل عربی سنت است روایت کرده شیخ در تهذیب به سند
صحیح از ابن عمار که گفت دیدم بارها امام جعفر صادق علیه السلام
که نماز میکرد در نعل عربی لیکن و هرگز ندیدم که از
وقت نماز کشیده باشد و روایت کرده از عبد الرحمن
ابن ابی عبد الله که او گفت حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام فرمود که هرگاه نماز میکنی پس نماز کن

16

اگر پاک باشد زیرا که گفته خواهد که این از سنت

ظاهر آن است که حضرت اراده کرده که هر گاه تو در تعقیب

نماز کنی تسبیح میدانند که نماز در این سنت است زیرا که

راوی از اعیان اصحاب امام است و اعتماد تمام بر قول

وی مقبول است بعد از آن اذان بگو زیرا که اذان جمع

از سنتهای مؤکده است حتی آنکه سید مرتضی رضی الله عنه واجب

دانسته در بردار و ابن جنید و ابن ابی عقیل با وموافقت کرده

و زیادتی کرده و گفته که نماز صبح باطل است بترک آن

عمدا صورت اذان این است الله اکبر چهار بار

اشهد ان لا اله الا الله دو بار اشهد ان محمدا

رسول الله دو بار اشهد ان علیا ولی الله دو بار

حی علی الصلوة دو بار حی علی الفلاح دو بار

حی علی خیر العمل دو بار الله اکبر دو بار لا اله الا الله دو بار

و سنت است که در حال اذان ایستاده باشی رو بقبله انگشتهای
شهادت را در گوشها کرده و به آواز بلند بنالی
بر هر فصلی از این هجده فصل مذکوره وقف کنی و بجانب
راست و چپ نگردی و در اثنای حرف نزنی و نزد ذکر
پیغمبر صلی الله علیه و آله صلوات بر آن حضرت فرستی بدلیل
رئیس المحدثین در فقیه بسند صحیح که امام محمد باقر علیه السلام
فرموده که صلوات فرست بر پیغمبر هرگاه ذکر آنحضرت کنی
یا ذکر آنحضرت کند پیش تو ذکر کننده در اذان و غیر
اذان و این حدیث که ظاهرا دلالت میکند بر وجوب
بودن صلوات بر پیغمبر هر که ذکر آنحضرت کند و هر که ذکر آن
حضرت را شنود در هر باب [illegible] و اکثر حنفیه و بعضی
شافعیان را مذهب آنست که واجب است صلوات
بر پیغمبر در مدت عمر یکبار و بعضی ایشان را آنکه واجب است

در هر مجلس یکبار و بعضی ایشان را آنکه واجب است هر گاه
نام آنحضرت مذکور شود و این موافق مذهب ابن بابویه است
و در رساله و صاحب کنز العرفان موافق است در وجوب
بودن صلوات هر گاه اسم آنحضرت مذکور شود و اصح
این است دلیل این مسئله آنست قول حق تعالی
وَلَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ
بَعْضًا یعنی مگردانید نام بردن و طلب کردن پیغمبر را
علیه السلم میان خودتان نام بردن و طلب کردن بعضی
از شما بعضی را آنکه پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود که هر
کس نزد او مذکور شوم و صلوات نفرستد بر من و داخل
آتش شود پس دور گرداند او را خدای تعالی و آنچه مروی است
که از آنحضرت سوال کردند از قول خدای تعالی اِنَّ اللّٰهَ
وَمَلٰئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ

امنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما پس گفته
شود که این از علم مکنون است و اگر نه انکه شما سوال
کردید از این خبر نمیدادم شما را بدرستی که خدای تعالی
موکل ساخت برای من دو فرشته پس نام من برده نشود
نزد ~~مسلمی~~ ... صلوات فرستد بر من مگر آنکه برای او آن دو فرشته
گویند غفر الله لک و بگوید خدای تعالی هم فرشتگان آمین
و من نه ذکور نشوم نزد مسلمی ~~صلوات~~ ... فرستد بر من مگر آنکه آن
دو فرشته گویند غفر الله لک و بگوید خدای تعالی و ملائکه
آمین ~~مخفی نماند~~ که قول امام محمد باقر علیه السلم در حدیث اول
ذکر کنی تو آنحضرت را یا ذکر کنند پیش تو ذکر کننده
تقاضا می کند واجب بودن صلوات را ... آنحضرت
مذکور شود باسم یا بلقب یا بکنایه و ممکن است که ذکر آن
حضرت بضمیر هم چنین باشد و در کلام علما چیزی در این

بابه

نیافتیم و احتیاط مقتضی عموم است بدانکه اظهر آنست
که صلوات واجب بجا می آید بگفتن اللهم صل علی
محمد و آل محمد و اما آنچه روایت شده که چون این
آیه نازل شد اصحاب گفتند یا رسول الله سلام بر تو
دانستیم صلوات بر تو چون است پس آنحضرت گفت
بگوئید اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ
عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ
حَمِيدٌ مَجِيدٌ پس ظاهر آنست که حضرت بیان
افضل کیفیات صلوات فرموده اند بدانکه پیغمبر ما صلی الله علیه و آله
و سلم افضل است از حضرت ابراهیم علیه السلم و در علم بلاغت
مقرر است که مشبه به اقوی باید از مشبه پس تشبیه
صلوات پیغمبر ما بصلوات ابراهیم خلاف مقرر بلاغت باشد

همیت

جواب آن است که چون پیغمبر صلی الله علیه و آله از آل ابراهیم

پس با این کیفیت دو صلوات جهت آنحضرت طلب شده

یکی صلوات که خدای تعالی بر وی با آل ابراهیم فرستاده

در ضمن آل ابراهیم و یکی دیگر صلوات که خدای تعالی بر

ابراهیم فرستاده و شک نیست در آنکه صلوات که شامل

هر دو باشد افضل است از آنکه مخصوص یکی باشد

و بعضی از علما چنین توجیه کرده اند که صلوات بر

ابراهیم از آن جهت که بیشتر واقع شده اقوی است

و اینقدر در تشبیه کافی است شبیه است

که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که کنت نبیا

و آدم بین الماءِ و الطینِ یعنی من پیغمبر بودم

در آنوقت که طینت آدم گل بود و بعضی دیگر چنین

گفته اند که مشتبه بصلوات بر آل محمد است و معنی چنین است

که هذا یا صلوة لیزست بر آل محمد چنانکه صلوات فرستادی
بر ابراهیم و آل ابراهیم و اینهم ضعیف است زیرا
که سوال اصحاب از کیفیت صلوات بر آنحضرت بود
نه از صلوات بر آل آنحضرت و این را وجه دیگر هست
در کتاب حبل المتین **فصل** چون از اذان صبح
فارغ شدی سجده کن یا آنکه زمانی بنشین و بگو
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ قَلْبِی بَارًّا وَعَیْشِی قَارًّا وَرِزْقِی
دَارًّا وَاجْعَلْ لِی عِنْدَ قَبْرِ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ
عَلَیْهِ وَآلِهِ مُسْتَقَرًّا وَقَرَارًا و بعد از آن هر دعا
که خواهی بخوان و هر حاجتی که داری از خدای تعالی طلب
روایتست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که دعا میان اذان
و اقامت رد نمیشود **بعد از آن** برخیز و اقامت بگو **فصل**
اقامت مثل فصول اذان است اما همه را دو بار دو بار است

مگر لا اله الا الله که در آخر اقامت که یکبار است و بعد از
حی علی خیر العمل دو بار بگو قد قامت الصلوة و آداب
که در اذان مذکور شد در اقامت بجا آورد مگر حکایت
و گذاشتن انگشتها در گوشها و بلند کردن آواز
که اینها در اقامت سنت نیست و در طهارت و ایستادن
انجا تاکید بیشتر است حتی آنکه سید مرتضی رضی الله عنه ایستادن
و طهارت را در اقامت واجب دانسته و چون از اقامت
نماز صبح فارغ شدی رو بقبله بگو اَللّٰهُمَّ اِلَیْكَ
تَوَجَّهْتُ وَ مَرْضَاتَكَ طَلَبْتُ وَ ثَوَابَكَ
ابْتَغَیْتُ وَ بِكَ اٰمَنْتُ وَ عَلَیْكَ تَوَكَّلْتُ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ افْتَحْ قَلْبِی
لِذِكْرِكَ وَ ثَبِّتْنِی عَلٰی دِینِكَ وَ لَا تُزِغْ قَلْبِی
بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنِی وَ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً

إنّك أنت الوهّاب ثمّ و باید در نماز بوقار و خشوع

ایستاده باشی دستها را گذاشته بر رانها برابر زانوها　　　برابر ۵

پاها را از هم کشاده بقدر سه انگشت از هم کشاده

تا بیک شبر نگاه بموضع سجود کنی نه آنکه چشم بر آسمان

کنی و باید بخاطر آری که وداع نماز میکنی

را بجای آری که گویا نماز آخر تست و بعد از نیت کن

که نماز واجب صبح ادا میکنم برای امتثال امر خدا

و مقارن سازی نیت با یکی از هفت تکبیر افتتاح هر

کدام خواهی اما بهتر آن را قصد تکبیرة الافتتاح

کنی و به هر تکبیری که دستها را بر داری تا برابر گوشها

بسته تکبیر ابتدا بر داشتن دست باشد و انتهای

سجده دستها برابر گوشها و دستها از برابر گو

کنی زرد و کف دستها قبله باشد و همه انگشتها پهلوی هم باشد

غیر انگشت بزرگ بدانکه بعضی از متأخرین فقهای ما در نیت
تطویل کرده چنانکه باعث دشوار نیت شده در اکثر
مردم و باعث وسواس ایشان شده و در احادیث
ائمه ما سلام الله علیهم چیزی از آنها بلکه مستفاد از
تتبع اخبار ائمه هدی علیهم السلام آسانی نیت است
و از آنچه متقدمین علمای ما کتب از آن نکرده اند جز
آنکه بعضی از علما فرموده که اگر خدای تعالی مارا تکلیف
می ساخت بکاری بی نیت هر آینه تکلیف ما لا یطاق
می بود و بخاطر که رسید مقصود ازو جهت تمیز باید از
غیرش بقصد امتثال امر خدای تعالی در نهایت آسانیست
و کسی که مشکل داند خدای تعالی بر و آسان سازد
سنت است هفت تکبیر در اول نماز گفتن یکی تکبیرة الاحرام
و واجب است و شش دیگر سنت است و با جماع علمای ما

هر کدام که خواهی مقارن نیت توان ساخت وآن را قصد
تکبیرة الاحرام باید کرد واولی آن است که چون
نیت کنی تکبیر اول بقصد تکبیرة الاحرام کنی و شش تکبیر
سنت را بعد از آن چنانکه از ظاهر حدیث زراره
مستفاد میشود و سنت است که درمیان هفت تکبیر سه دعا
روایت کرده کلینی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
بعد از تکبیر سیوم اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ لا
اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحانَكَ اِنّی ظَلَمْتُ نَفْسی فَاغْفِرْ لی
ذَنْبی اِنَّهُ لا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ و بعد از تکبیر
پنجم لَبَّیْكَ وَ سَعْدَیْكَ وَالْخَیْرُ فی یَدَیْكَ
وَالشَّرُّ لَیْسَ اِلَیْكَ وَالْمَهْدِیُّ مَنْ هَدَیْتَ
لا مَلْجَاَ مِنْكَ اِلَّا اِلَیْكَ سُبْحانَكَ وَحَنانَیْكَ
تَبارَكْتَ وَتَعالَیْتَ سُبْحانَكَ رَبَّ الْبَیْتِ

الله اکبر بگفتم خواه تکبیرة الاحرام باید وجهت
وجهی للذی فطر السموات والارض عالم
الغیب والشهادة حنیفا مسلما وما انا
من المشرکین ان صلوتی ونسکی ومحیای
ومماتی لله رب العالمین لا شریک له وبذلک
امرت وانا من المسلمین ودر روایت دیگر
چنین است وجهت وجهی للذی فطر السموات
والارض علی ملة ابرهیم ودین محمد
علی حنیفا مسلما وما انا من المشرکین
تا آخر با اضافه عالم الغیب والشهادة بعد از این
دعا بگو اعوذ بالله من الشیطان الرجیم یا اعوذ
بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم وکیفیت
استعاذه نزد علما مخصوص است برکعت اول

بآهسته باید گفت و بعد از الحمد گوی آن بلند بیا ت
یعنی نه تندی و ترتیل کن یعنی چنانکه همه الفاظش
را توان شمرد با حضور دل بخاطر گذرانید معنیهاش و وقف
کن بر هر وقفی و بعد از الحمد ساکت شو بقدر یک نفس و بعد از آن
سوره بگو آن بهمین طریق و سنت است که سوره عم یا سوره
یا سوره لا اقسم بیوم القیمه یا سوره دهر یا سوره دیگر
که بقدر اینها باشد چنانکه شیخ طوسی قدس سره روایت
کرده در تهذیب بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم و بعد از سوره ساکت شو بقدر یک نفس بعد از آن
الله اکبر بگو دستها را برداشته برابر گوشها چنانکه
گفته شد و بعد از آن رکوع کن و در حال دست راست بر زانوی
راست بگذار پیش از گذاشتن دست چپ بر زانوی چپ
و انگشتهای دستها را پر کن از زانوها و انگشتها فرو گیر

چنانکه گویا تخته است و زانوها را بجانب عقب کن و پشت را
هموار کن و گردن را دراز کن و چشمها نگاه میان
قدمها کن و بگو آنچه ثقة الاسلام روایت کرده در کافی
بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام اللّهم
لَكَ رَكَعتُ وَلَكَ اَسلَمتُ وَبِكَ اٰمَنتُ وَ
عَلَیكَ تَوَكَّلتُ وَاَنتَ رَبّی خَشَعَ لَكَ سَمعی
وَبَصَری وَشَعری وَبَشَری وَلَحمی وَدَمی وَمُخّی
وَعِظامی وَما اَقَلَّتهُ قَدَمایَ غَیرَ مُستَنكِفٍ
وَلا مُستَكبِرٍ وَلا مُستَحسِرٍ پس بگو سُبحانَ رَبِّیَ
العَظیمِ وَبِحَمدِهِ هفت بار یا پنج بار یا سه بار بعد از
این راست شو و بایست پس بگو سَمِعَ اللهُ لِمَن حَمِدَه
بعد از این الله اکبر بگو ایستاده پس بسجود رو و بخضوع
و خشوع و بر زمین گذار کفهای دست را پیش از

21

دستها را در سجود از بدن دور کن چنانکه مرغ
بال گشاد. وکفهای دست را و انگشتها را بهم گذاشته
زمین گذار برابر سرهای گوش در رو و چنان
کن که هیچ عضوی از بدن تو بر عضوی دیگر
نباشد و پیشانی را بر زمین گذار و متمکن ساز
افضل تربت حضرت امام حسین علیه السلام است و بینی
بر خاک گذار و نگاه کن در حالی سجود بجانب سر بینی
پس بگو آنچه در کافی روایت کرده بسند صحیح از حضرت
امام حسین علیه السلم اللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ
وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ
وَأَنْتَ رَبِّي سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ
وَصَوَّرَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ تَبَارَكَ اللّٰهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ

پس بگو سُبحانَ رَبِّیَ الأعلی وَبِحَمدِه هفت
یا پنج بار یا سه بار و بعد ازان سر بردار و بنشین و
الله اکبر بگو و تورک کن یعنی چپ بنشین و پشت پای
راست در شکم پای چپ گذار و بگو اَستَغفِرُ اللهَ
رَبّی وَاَتوبُ اِلَیه پس بگو که ثقة الاسلام روایت
کرده بسند حسن از حضرت امام علیه السلام اللّهمَّ
اغْفِرْ لی وَارْحَمْنی وَادْفَعْ عَنّی اِنّی لِما اَنْزَلْتَ
اِلَیَّ مِنْ خَیْرٍ فَقیرٌ تَبارَکَ اللهُ رَبُّ
العالَمینَ و بعد ازان تکبیر دوم بگو و سجده دوم
بطریق اول و بعد ازان سر بردار و الله اکبر گو
بنشین متورک و این را جلسه استراحت گویند
و ترک این مکن زیرا که سید مرتضی قدس سره آن را
واجب دانسته بعد ازان برخیزد [illegible]

24

از زمین برداریش از دستها وتکیه کنی در برخواستن
بر دستها بگو بِحَوْلِ اللهِ وَ قُوَّتِهِ اَقُوْمُ وَ اَقْعُدُ
وَاَرْكَعُ وَاَسْجُدُ پس چون راست شوی بخوان الحمد
و سوره چنانکه دانستی در رکعت اول و سنت است
اینجا سوره توحید و بعد از قرائت سوره ساکت شو
بقدر یک نفس بعد از ان تکبیر بگو برای قنوت و دستها را
بردار تا برابر رو و کفهای دستها و انگشتها پهلوی هم نهاده
الا دو انگشت بزرگ و کلمات فرج بخوان لا اله
اِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ الْعَلِيُّ
الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ
الْاَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ
وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ کلینی در کتاب کافی کلمات
فرج [illegible] روایت کرده بسند حسن از امام محمد باقر علیه السلام

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

تحتهن

و در بعض کتب دعا و ما تحتهن بعد از و ما فوقهن را
کرده اند و در بعضی و ما فوقهن بعد از و ما تحتهن
و در بعضی و ما فوقهن و هو رب العرش العظیم
و این زیادتیها را در روایات معتبر نیافتیم و الله اعلم
کلمات فرج که اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ
وَ عَافِنَا وَ اعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بعد از آن بگو
اللّٰهُمَّ إِلَيْكَ شَخَصَتِ الْأَبْصَارُ وَ نُقِلَتِ الْأَ
قْدَامُ وَ رُفِعَتِ الْأَيْدِي إِلَى الْأَعْنَاقِ وَ أَنْتَ
دُعِيتَ بِالْأَلْسُنِ وَ إِلَيْكَ سِرُّهُمْ وَ نَجْوَاهُمْ فِي
الْأَعْمَالِ رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا
بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ اللّٰهُمَّ إِنَّا نَشْكُو
إِلَيْكَ غَيْبَةَ إِمَامِنَا وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا

مُدَّتِ

ولنا

وتظاهر الأعداء علينا ووقوع الفتن بنا
ففرج ذلك اللهم بعدل تظهره وإمام حق تعزه
إله الحق آمين رب العالمين بعد از ان بگو
اللهم من كان أصبح وله ثقة أو رجاء
غيرك فأنت ثقتي ورجائي يا أجود من سئل
ويا أرحم من استرحم ارحم ضعفي ومسكنتي
وقلة حيلتي وامنن علي بالجنة وفك
رقبتي من النار وعافني في نفسي وفي جميع أموري
برحمتك يا أرحم الراحمين واگر خواهی که تسبیحات
از اینجا که ای اضافه کنی با بنیا قنوتهای که در
باب بیستم مذکور خواهد شد وبعد از آن دستها را بردار
به تکبیر و رکوع و سجود بجا آر چنانکه دانستی وبعد از
سجده دوم متخشعا برای تشهد منشور کن و نگاه کن

بکن تشهد و بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَخَیْرُ الْاَسْمٰاءِ
لِلّٰهِ اَشْهَدُ اَنْ لٰا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لٰا
شَرِیکَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
اَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِیراً وَنَذِیراً بَیْنَ یَدَیِ السّٰاعَةِ
وَاَشْهَدُ اَنَّکَ نِعْمَ الرَّبُّ وَاَنَّ مُحَمَّداً نِعْمَ
الرَّسُولُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ
شَفٰاعَتَهُ فِی اُمَّتِهِ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ بعد از آن
دو بار یا سه بار اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِینَ بگو و از اینها
الحمد واجب است سها دانی و صلوات بر پیغمبر و آل
صلی الله علیه و آله بعد از آن بقصد سر را رو بقبله
بگو اَلسَّلٰامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکٰاتُهُ
و قصد کن انبیا و ائمه و حفظه و اسابه و اشاره کن
بگوشه چشم راست بپهلوی راست فصل ... از

نماز فارغ شوی شروع کن در تعقیب در تفسیر آیه فَاِذَا

فَرَغْتَ فَانْصَبْ وَاِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ مذکور است

یعنی هرگاه فارغ شدی از نماز واجبی پس رنج

بر بردار و کار خود رغبت کن به سوی او به دعا و سؤال کردن

به او به نحو دعا می کند روایت کرده شیخ طوسی در تهذیب

بسند صحیح که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده

تعقیب ابلغ است در طلب رزق از تردد در شهرها

و مراد از تعقیب دعاست در عقب نمازها و هم در تهذیب

روایت کرده بسند حسن که امام محمد باقر علیه السلام و

جعفر صادق علیه السلام فرموده اند دعا در عقیب نماز

واجبی افضل است از دعا در عقب نماز سنتی مثل فضیلت

نماز واجبی بر نماز سنتی و روایت کرده ثقة الاسلام

در کافی بسند حسن که امام محمد باقر علیه السلام فرموده دعا بعد از

نماز واجبی افضل است از نماز سنتی و روایات از ائمه علیهم السلام
درین باب بسیار است و افضل تعقیبها تسبیح فاطمه زهرا
علیها السلام است روایت کرده در تهذیب بسند صحیح که
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده کسی که تسبیح
فاطمه علیها السلام بعد از نماز فریضه پیش از آنکه پاها را
پهلوی هم گذارد آمرزیده شود ابتدا کند به تکبیر و هم
فرموده که ما امر میکنیم اطفال خود را به تسبیح فاطمه زهرا
علیها السلام چنانکه امر میکنیم ایشان را بنماز پس لازم
بسازید بر خود زیرا که لازم نسازد آنرا بر خود بنده
که شقی باشد مگر که سعید گردد و هم آنحضرت فرموده که تسبیح
فاطمه علیها السلام در هر روزی عقب هر نمازی دوست‌تر است
نزد خدای تعالی از هزار رکعت نماز در هر روز حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرموده که هیچ بنده عبادت نکرده

خدای

هدای نماز را بهتری از تحمید که افضل باشد از تسبیح فاطمه

زهرا علیها السلم و اگر چیزی افضل از آن می‌بود هر آینه

به او میکرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بفاطمه علیها السلم

و روایات در فضیلت تسبیح فاطمه زهرا علیها السلم بسیار است

دیگر آنکه نشستن برای تعقیب متصل بنشستن نماز

و بهمان هیئت رو بقبله مشورک و در اثنای تعقیب

با کسی سخن نگوید و روا ندانند تکلم کردن زیرا که روایت شده

که هر چه مضرت بنماز دارد مضرت بکمال تعقیب دارد

فصل پس چون سلام نماز دادی سه تکبیر بگو دستها را

برداشته تا برابر رو و کفهای دستها برابر قبله باشد

سه تکبیر اول تعقیب است بعد از آن بگو لا اله الا

الله الها واحدا و نحن له مسلمون لا اله

الا الله الها واحدا و نحن له مخلصون

لا اله الا الله لا نعبد الا اياه مخلصين
له الدين و لو كره المشركون لا اله الا
الله ربنا و رب ابائنا الاولين لا اله
الا الله وحده وحده انجز وعده
ونصر عبده و هزم الاحزاب وحده فله الملك
وله الحمد و هو على كل شيء قدير استغفر
الله الذى لا اله الا هو الحى القيوم و اتوب
اليه اللهم اهدنى من عندك و افض
على من فضلك و انشر على من رحمتك و
انزل على من بركاتك سبحانك لا اله
الا انت اغفر لى ذنوبى كلها جميعا فانه
لا يغفر الذنوب كلها جميعا الا انت اللهم
انى اسئلك من كل خير احاط به علمك و اعوذ

تك

28

بك من كل شر احاط به علمك اللهم اني
اسئلك عافيتك في اموري كلها واعوذ
بك من خزي الدنيا وعذاب الاخرة واعوذ
بوجهك الكريم وعزتك التي لا ترام وقد
رتك التي لا يمتنع منها شيء من شر الدنيا والا
خرة ومن شر الاوجاع كلها ولا حول ولا
حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم توكلت
على الحي الذي لا يموت والحمد لله الذي
لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك
وكبره تكبيرا بعد از ان تسبيح فاطمه زهرا عليها السلم
بكو بس ... ... بود اين مخصوص است بصبح و شام
لا اله الا الله لا شريك له له الملك وله
الحمد يحيي ويميت ويحيي وهو حي لا يموت

ولم يكن له ولي من الذل ... صح
وحده
ويميت

بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ده بار بگو

اینهم مخصوص است بصبح سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ

وَبِحَمْدِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

وصد بار بگو مَا شَاءَ اللهُ كَانَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وصد بار اَسْتَغْفِرُ اللهَ

وَاَتُوبُ اِلَيْهِ وصد بار اَسْتَجِيرُ بِاللهِ مِنَ النَّارِ

وَاَسْئَلُهُ الْجَنَّةَ وصد بار اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ و ده بار اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ

اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ اِلٰهًا وَاحِدًا

اَحَدًا فَرْدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا

وَلَدًا وسی بار سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ

اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ و افضل آن است که ذکر ها و تسبیحات

را به تسبیحی از خاک امام حسین علیه السلام شمرد و لا بد

29

تهذیب بسند صحیح که حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه فرمود

که تربت امام حسین علیه السلام افضل چیزی است که تسبیح را

بآن حفظ کند و هر رستی که تسبیح کند و فراموش کند

تسبیح گفتن را و تسبیح ها که امام حسین علیه السلام را در دست

گرد میگردانیده است شود آن تسبیح برای او یعنی ثواب آن

تسبیح که فراموش کرده بعد از آن بگو و این مخصوص است

بصبح یَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَآلِهِ وَثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ وَدِينِ نَبِيِّكَ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ

إِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً

إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ

مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَتَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ وَمِنْ

فُجَاءَةِ نَقِمَتِكَ وَمِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَمِنْ شَرِّ

مَا سَبَقَ فِي الْكِتَابِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِعِزَّةِ

مُلْكِكَ وَعِظَمِ سُلْطَانِكَ وَشِدَّةِ قُوَّ

تِكَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا وبعوذ [illegible]

نَفْسِي وَاَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَاِخْوَانِي

رَزَقَنِي وَجَمِيعَ مَنْ يَعْنِينِي اَمْرُهُ بِاللّٰهِ الْوَاحِدِ

الْاَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ

يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ وَبِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا

خَلَقَ تا اخر سوره وبِرَبِّ النَّاسِ تا آخر سوره

وبخواند الحمد وآية الكرسي تا هم فيها خالدون

شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلٰئِكَةُ وَاُولُو

الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

اِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلَامُ وآية الملك قُلِ

اللهم مالك الملك تؤتي الملك من تشاء

من تشاء وتنزع الملك

وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك
الخير انك على كل شيء قدير تولج
الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج
الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق
من تشاء بغير حساب وله تعـ ان ربكم الله
الذي خلق السموات والارض في ستة
ايام ثم استوى على العرش يغشي الليل النهار
يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم
مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارك الله
رب العالمين ادعوا ربكم تضرعا وخفية
انه لا يحب المعتدين ولا تفسدوا في الارض
بعد اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا ان

واخر كهف

رَحْمَةُ اللهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ قُلْ لَوْ كَانَ
الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ
أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ
مَدَدًا قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ
أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو
لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ
بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا واول الصافات
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ وَالصَّافَّاتِ صَفًّا
فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا إِنَّ
إِلَٰهَكُمْ لَوَاحِدٌ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا
بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ
الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ
شَيْطَانٍ مَارِدٍ لَا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ

21

يقذفون من كل جانب دحورا ولهم
[عذ]اب واصب الا من خطف الخطفة
[ف]اتبعه شهاب ثاقب در آیه آخر والصافات
سبحان ربك رب العزة عما يصفون
وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين
در آیه از سوره رحمن يا معشر الجن والانس ان
استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات
والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان
فباي آلاء ربكما تكذبان يرسل عليكما شواظ
من نار ونحاس فلا تنتصران و در الحشر
لو انزلنا هذا القران على جبل لرا
يته خاشعا متصدعا من خشية الله
وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون

آخر

هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة

هو الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو

الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز

الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون

هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء

الحسنی یسبح له ما فی السموات و الارض و هو

العزیز الحکیم و بعد از آن دوازده بار قل هو الله احد

و بعد از آن این دعا گوید که بغایت مستجابست. اللهم

انی اسئلک باسمک المکنون المخزون الطاهر

المطهر المبارک و اسئلک باسمک العظیم

و سلطانک القدیم یا واهب العطایا یا مطلق

الاساری و یا فکاک الرقاب من النار اسئلک

ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعتق رقبتی

مِنَ النَّارِ وَاَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا اٰمِنًا وَ
تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ سَالِمًا وَاَنْ تَجْعَلَ دُعَائِي اَوَّلَهُ
فَلَاحًا وَاَوْسَطَهُ نَجَاحًا وَاٰخِرَهُ صَلَاحًا
اِنَّكَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ واين هم خصوصيت لصبح
اللّٰهُمَّ اِنِّي اَصْبَحْتُ اُشْهِدُكَ وَكَفٰى بِكَ شَهِيدًا
وَاُشْهِدُ مَلٰئِكَتَكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكَّانَ
سَمٰوَاتِكَ وَاَرْضِكَ وَاَنْبِيَائَكَ وَرُسُلَكَ
وَالصّٰلِحِينَ مِنْ عِبَادِكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ
فَاشْهَدْ لِي وَكَفٰى بِنَفْسِكَ بِكَ شَهِيدًا اَنِّي
اَشْهَدُ اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ
وَاَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ عَبْدُكَ
وَرَسُولُكَ وَاَنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِمَّا دُونَ عَرْشِكَ
اِلٰى قَرَارِ اَرْضِكَ السَّابِعَةِ السُّفْلٰى بَاطِلٌ مُضْمَحِلٌّ

ما عدا وجهك الكريم فانه اعز واكرم
واجل واعظم من ان يصف الواصفون
كنه جلاله او تهتدي القلوب الى كنه
عظمته يا من فاق مدح المادحين
فخر مدحه وعدا وصف الواصفين
مآثر حمده وجل عن مقالة الناطقين
تعظيم شانه صل على محمد وآل محمد وافعل
بنا ما انت اهله يا اهل التقوى واهل
المغفرة وبعد ازان سبحان الله كلما سبح الله
شيء وكما يحب الله ان يسبح وكما هو اهله
وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله والحمد
لله كلما حمد الله شيء وكما يحب الله
ان يحمد وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم

وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ كَمَا
يُحِبُّ اللّٰهُ شَيْءٍ وَكَمَا يُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ يُهَلَّلَ
وَكَمَا هُوَ اَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ
وَعِزِّ جَلَالِهِ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ كَمَا كَبَّرَ اللّٰهُ شَيْءٍ
وَكَمَا يُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ يُكَبَّرَ وَكَمَا هُوَ اَهْلُهُ
وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ سُبْحَانَ
اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ
عَلٰى كُلِّ نِعْمَةٍ اَنْعَمَ بِهَا عَلَيَّ وَعَلٰى كُلِّ
اَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ مِمَّنْ كَانَ اَوْ يَكُونُ اِلٰى
يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْئَلُكَ خَيْرَ مَا
اَرْجُوا وَخَيْرَ مَا لَا اَرْجُوا وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ
مَا اَحْذَرُ وَمَا لَا اَحْذَرُ دعاي دعاجي اد واين را

درشام هر کوان بسم الله خیر الاسماء بسم الله
رب الارض والسماء بسم الله الذی لا یضر
مع اسمه سم ولا داء بسم الله اصبحت
وعلی الله توکلت بسم الله علی قلبی
ونفسی بسم الله علی دینی وعقلی بسم الله
علی اهلی ومالی بسم الله علی ما اعطانی
ربی بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء
فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم
الله الله ربی حقا لا اشرک به شیئا الله
اکبر الله اکبر الله اکبر الله اکبر الله اعز
واجل مما اخاف واحذر عز جارک وجل
ثناؤک وتقدست اسماؤک ولا اله الا
غیرک اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی

ومن

وَمِن شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ شَدِيدٍ وَمِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَمِنْ شَرِّ قَضَاءِ السُّوءِ وَمِن شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَىٰ خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

دعاء الخصوص بسم الله وصلى الله على محمد وآله وأفوض أمري إلى الله إن الله بصير بالعباد فوقه الله سيئات ما مكروا

كل جبار عنيد ومن شر

ولييَ

لا اله الا انت سبحانك انی كنت من الظالمين
فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك
ننجی المؤمنين حسبنا الله ونعم الوكيل
فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم
يمسسهم سوء ما شاء الله لا حول ولا قوة
الا بالله العلي ما شاء الله لا ما شاء الناس
ما شاء الله وان كره الناس حسبي الرب
من المربوبين حسبي الخالق من المخلوقين
حسبي الرازق من المرزوقين حسبي الله
الذي لم يزل حسبي حسبي منذ كنت
منذ كنت لم يزل حسبي الله لا اله الا هو
عليه توكلت وهو رب العرش العظيم
پس بگوید اللهم اصبح ظلمي مستجيرا بعفوك

حسبي

و صبح

وَاَصْبَحَتْ ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ
وَاَصْبَحَ خَوْفِي مُسْتَجِيراً بِاَمَانِكَ وَاَصْبَحَ
فَقْرِي مُسْتَجِيراً بِغِنَاكَ وَاَصْبَحَ ذُلِّي مُسْتَجِيراً
بِعِزِّكَ وَاَصْبَحَ ضَعْفِي مُسْتَجِيراً بِقُوَّتِكَ
وَاَصْبَحَ وَجْهِيَ الْفَانِي مُسْتَجِيراً بِوَجْهِكَ
الْبَاقِي يَا كَائِناً قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا كَائِناً
بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ اَمْرِي
فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ
وَمِنْ حَيْثُ لَا اَحْتَسِبُ بستر رفتن
سر را بگیرد و دست چپ بجانب آسمان کند
و هفت بار بگو یا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بس هفت بار بگو یا رب محمد و آل محمد صل
علی محمد و آل محمد و اعتق رقبتی من النار
بس بگو یا الله یا رحمن یا رحیم یا حی یا
قیوم برحمتك استغیث اللهم انت ثقتی
فی كل كربة و انت رجائی فی كل شدة
و انت لی فی كل امر نزل بی ثقة و عدة فا
غفر لی ذنوبی كلها و اكشف همی
غمی اللهم اغننی بحلالك عن حرامك
و بفضلك عمن سواك بس بگو اصبحت اللهم
معتصما بذمامك المنیع الذی لا یحاول
و لا یطاول من شر كل غاشم و طارق من
سائر ما خلقت من خلقك الصامت
و الناطق فی جنة من كل مخوف بلباس

و من خلقت

سابغة

سابقة ولاء اهل بيت نبيك محمد صلواتك

عليه وعليهم محتجبا من كل قاصد لي باذية

بجدار حصين الاخلاص في الاعتراف بحقهم

والتمسك بحبلهم موقنا بان الحق لهم

ومعهم وفيهم وبهم اوالي من والوا

واجانب من جانبوا فصل على محمد وآل محمد

واعذني اللهم بهم من شر ما اتقيه يا

عظيم حجزت الاعادي عني ببديع السموات

والارض انا جعلنا من بين ايديهم سدا

ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون

دعاء الصباح وابن مخصوص است بصبح الحمد لله الذي

اذهب الليل بقدرته وجاء بالنهار برحمته

خلقا جديدا ونحن في عافية بمنه وجوده

ما اتقيته

86

وَ گَوَ. مَرْحَبًا بِالْحَافِظَيْن [red] بِجَانِبْ دَاسْت
وبِگو وَحَيَّاكُمَا اللهُ مِنْ كَاتِبَيْن [red]
بِجَانِبْ چَپْ بِگو اُكْتُبَا رَحِمَكُمَا اللهُ بِسْمِ اللهِ
اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَشْهَدُ
اَنَّ السَّاعَةَ اٰتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَاَنَّ اللهَ
يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ عَلَى ذٰلِكَ [illegible] عَلَيْهِ
اَمُوتُ وَعَلَيْهِ اُبْعَثُ اِنْشَاءَ اللهُ اِقْرَا مُحَمَّدٌ
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنِّي السَّلَامُ [red] پس بِگو
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ [illegible]
اِذَا تَجَلَّى وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي اللَّيْلِ
اِذَا يَغْشَى وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْاٰخِرَةِ
وَالْاُولَى وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ [illegible] الْاٰخِ

الجديدان

الحمد لله وصل على محمد وآل محمد ما حدى
الحادي وصل على محمد وآل محمد ما غسق
ليل وما ادلهم ظلام وما تنفس صبح وما
اضاء فجر اللهم اجعل محمدا خطيب وفد
المؤمنين اليك والمكسو حلل الامان
اذا وقف بين يديك والناطق ﷺ
اذا خرست الالسن بالثناء عليك اللهم
اعل منزلته وارفع درجته واظهر
حجته وتقبل شفاعته وابعثه المقام
المحمود الذي وعدته واغفر له ما احدث
المحدثون من امته بعده اللهم اني اسالك
موجبات رحمتك وعزائم مغفرتك
والغنيمة من كل بر والسلامة من كل اثم

ما اطرد الخافقان وصلى على محمد
وآل محمد

وَاَسْئَلُكَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَ...
فِى صَلٰوتِى وَدُعَائِى بَرَكَةً تُطَهِّرُ بِهَا قَلْبِى
وَتُؤْمِنُ بِهَا رَوْعِى وَتَكْشِفُ بِهَا كَرْبِى وَتَغْفِرُ
بِهَا ذَنْبِى وَتُصْلِحُ بِهَا اَمْرِى وَتُفَرِّجُ بِهَا
هَمِّى وَتُسَلِّى بِهَا غَمِّى وَتَشْفِى بِهَا سُقْمِى وَتُؤْ
بِهَا خَوْفِى وَتَجْلُوا بِهَا حُزْنِى وَتَقْضِى بِهَا
دَيْنِى وَتَجْمَعُ بِهَا شَمْلِى وَتُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِى
وَاجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِى وَتعود اذا اللّٰهُمَّ اِنِّى
اَدْعُوكَ لِهَمٍّ لَا يُفَرِّجُهُ غَيْرُكَ وَلِرَحْمَةٍ
لَا تُنَالُ اِلَّا مِنْكَ وَلِحَاجَةٍ لَا يَقْضِيهَا اِلَّا
اَنْتَ يَا كَرِيمُ اَللّٰهُمَّ كَمَا كَانَ مِنْ شَاْنِكَ
مَا اَرَدْتَنِى بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ وَاَلْهَمْتَنِيهِ مِنْ

وَتُغْنِى بِهَا فَقْرِى وَتُذْهِبُ بِهَا ضُرِّى

شُكْرِ

شكرك ودعائك فليكن من شانك الا حابة

ب ... عونتك والنجاة مما فزعت

اليك منه فان لم اكن اهلا ان ابلغ

رحمتك فان رحمتك اهل ان تبلغني

وتسعني لانها وسعت كل شيء وانا شيء

فلتسعني رحمتك يا مولاي واين دعا الجار

بلسر ... آواز راجاكن كه كويا

... يكني الهي ان ذنوبي وكثرتها

قد غبرت وجهي عندك وحجبتني

عن ... رحمتك وباعدتني عن

... مغفرتك ولو لا تعلقي بالائك

وتمسكي بالرجاء لما وعدت امثالي من

المسرفين و ... هي من الخاطئين بقولك

یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا
من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب
جمیعا انه هو الغفور الرحیم وحذرت
القانطین من رحمتک فقلت ومن یقنط
من رحمة ربه الا الضالون ثم ند
بتنا برحمتک الی دعائک فقلت ادعونی
استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی
سیدخلون جهنم داخرین الهی لقد کان
ذل الایاس علی مشتملا والقنوط من
رحمتک بی ملتحفا الهی قد وعدت
المحسن ظنه بک ثوابا واوعدت المسیء
بک ظنه عقابا اللهم وقد امسک رمقی
حسن الظن بک فی عتق رقبتی من النار

والعمل

وَتَعَهُّدِ زَالِي وَاِزَالَةِ عَثَرَاتِ قَاتٍ وَتَوَلُّكَ
حَقِّ الَّذِي لَاخُلْفَ فِيهِ وَلَاتَبْدِيلَ يَوْمَ نَدْعُو
كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اُقِرُّ وَاَشْهَدُ
وَاَعْتَرِفُ وَلَا اُجْحِدُ وَاُسِرُّوَاُظْهِرُوَاُعْلِنُ
وَاُبْطِنُ بِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي لَااِلٰهَ اِلَّااَنْتَ
وَحْدَكَ لَاشَرِيكَ لَكَ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ
وَرَسُولُكَ وَاَنَّ عَلِيًّا اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدُ
الْوَصِيِّينَ وَوَارِثُ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَقَاتِلُ
الْمُشْرِكِينَ وَاِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَمُجَاهِدُ النَّاكِثِينَ
وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ اِمَامِي وَمُحَجَّتِي
وَصِرَاطِي وَدَلِيلِي وَحُجَّتِي وَمَنْ لَااَثِقُ
بِالْاَعْمَالِ وَاِنْ زَكَتْ وَلَااَرٰيهَا مُنْجِيَةً
اِنْ لَمْ ... الْاَبِوَلَايَتِهِ وَالْاِئْتِمَامِ بِهِ

وَ اُقِرُّ بِفَضَائِلِهِ وَ اَقْبَلُ مِنْ حَمَلَتِهَا

وَالتَّسْلِيمِ لِرُوَاتِهَا اَللّٰهُمَّ وَ اُقِرُّ بِاَوْصِيَائِهِ

مِنْ اَبْنَائِهِ اَئِمَّةً وَ حُجَجًا وَ اَدِلَّةً وَ سُرُجًا

وَ اَعْلَامًا وَ مَنَارًا وَ سَادَةً اَبْرَارًا وَ اَدِينُ

بِسِرِّهِمْ وَ جَهْرِهِمْ وَ ظَاهِرِهِمْ وَ بَاطِنِهِمْ

وَ حَيِّهِمْ وَ مَيِّتِهِمْ وَ شَاهِدِهِمْ وَ غَائِبِهِمْ

لَا شَكَّ فِي ذٰلِكَ وَلَا ارْتِيَابَ وَلَا تَحَوُّلَ

عَنْهُ وَلَا انْقِلَابَ اَللّٰهُمَّ فَادْعُنِي يَوْمَ

حَشْرِي وَ حِينَ نَشْرِي بِاِمَامَتِهِمْ وَاحْشُرْنِي

فِي زُمْرَتِهِمْ وَ اكْتُبْنِي فِي اَصْحَابِهِمْ وَ اَنْقِذْنِي

بِهِمْ يَا مَوْلَايَ مِنْ حَرِّ النِّيرَانِ فَاِنَّكَ

اِنْ اَعْفَيْتَنِي مِنْهَا كُنْتُ مِنَ الْفَائِزِينَ

اَللّٰهُمَّ وَ قَدْ اَصْبَحْتُ فِي يَوْمِ هٰذَا لَا ثِقَةَ

لي و لا مفزع و لا ملجا غير من توسلت
بهم اليك من آل رسولك علي و فاطمة
والحسن والحسين و علي و محمد و جعفر
و موسى و علي و محمد و علي والحسن و محمد
صلواتك عليهم اجمعين اللهم واجعلهم
حصني من المكاره و معقلي من المخاوف
و نجني بهم من كل طاغ و فاسق باغ عدو
و من شر ما اعرف و ما انكر و ما
استتر علي و ما ابصر و من شر كل دابة
ربي آخذ بناصيتها ان ربي على
صراط مستقيم اللهم بوسلتي اليك
بهم و تقربي بمحبتهم افتح علي ابواب
رحمتك و مغفرتك و حببني الى خلقك

و[illegible]نی عدا و [illegible] بغضهم انك على
كل شيء قدير اللهم و لكل متوسل
ثواب و لكل ذي شفاعة حق فاسئلك
بمن جعلتهم اليك سببي و قدمتهم امام
طلبتي ان تعرفني بركة يومي هذا
و شهري هذا و عامي هذا اللهم فهم
معولي لي شدتي و رخائي و [illegible]
و بلائي و نومي و يقظتي و ظعني و اقامتي
و عسري و يسري و صباحي و مسائي و منقلبي
و مثواي فلا تخلني بهم من [illegible]ك و
لا تقطع رجائي من رحمتك و لا تفتنّي
باغلاق ابواب الارزاق و انسداد
مسالكها و ارتتاج مذاهبها و افتح لي

اللهم ولا تخيبني [illegible] الیك

مِنْ لَدُنْكَ فَتْحًا يَسِيرًا وَاجْعَلْ لِي مِنْ كُلِّ
ضِيقٍ مَخْرَجًا وَإِلَى كُلِّ سَعَةٍ مَنْهَجًا
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ وَاجْعَلِ
اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ مُخْتَلِفَيْنِ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ
وَمُعَافَاتِكَ وَمَنِّكَ وَفَضْلِكَ وَلَا تُفْقِرْنِي
إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِكُلِّ
شَيْءٍ مُحِيطٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَفْزَعَ
الْهَارِبِينَ وَيَا مَلْجَأَ الْخَائِفِينَ وَيَا صَرِيخَ
الْمُسْتَصْرِخِينَ وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ
وَيَا مُنْتَهَى غَايَةِ السَّائِلِينَ وَيَا مُجِيبَ
دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
يَا اللَّهُ يَا رَبَّاهُ يَا عَزِيزُ يَا حَكِيمُ يَا غَفُورُ

يا غفور يا رحيم يا ظاهر يا عليم يا
يا سميع يا بصير يا لطيف يا خبير يا قهار
يا جبار يا رحمن يا منان يا سبوح
يا قدوس يا مبدئ يا معيد يا
باعث يا وارث يا فارج الهم يا كا[شف]
الغم يا منزل الحق يا قائل الصدق
يا ذا البلاء الجميل والطول العظيم يا موصوفا
بالإحسان ويا موصوفا بالامتنان من
قصرت عن وصفه ألسن الواصفين
وانقطعت عنه أفكار المتفكرين يا
شاهد النجوى يا كاشف الغم ودافع البلوى
يا نعم النصير والمولى يا منعم يا مفضل
يا محسن يا مجمل يا من لا يأوده صغير

عن

عَنْ كَبِيرٍ وَ [illegible] عَنْ خَطِيرٍ ابْتَدَأْ
بِالنِّعْمَةِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا وَبِالْفَضِيلَةِ
قَبْلَ اسْتِيجَابِهَا يَا أَحَقَّ مَنْ عُبِدَ وَحُمِدَ
وَرُجِيَ وَاعْتُمِدَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ مُقَدَّسٍ
مُطَهَّرٍ مَكْنُونٍ اخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ وَكُلِّ
ثَنَاءٍ عَالٍ رَفِيعٍ كَرِيمٍ رَضِيتَ بِهِ مِدْحَةً
لَكَ [illegible] وَبِحَقِّ كُلِّ مَلَكٍ قَرَّبْتَ مَنْزِلَتَهُ
عِنْدَكَ وَبِحَقِّ كُلِّ نَبِيٍّ أَرْسَلْتَهُ إِلَى عِبَادِكَ
وَبِحَقِّ كُلِّ شَيْءٍ جَعَلْتَهُ مُصَدِّقًا لِرُسُلِكَ
وَكُلِّ كِتَابٍ فَصَّلْتَهُ وَأَحْكَمْتَهُ وَشَرَّ
عْتَهُ وَكُلِّ دُعَاءٍ سَمِعْتَهُ فَأَجَبْتَهُ وَ
عَمَلٍ رَفَعْتَهُ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ مَنْ عَظَّمْتَ
حَقَّهُ وَأَجْلَلْتَ قَدْرَهُ وَعَرَّفْتَنَا أَمْرَهُ

ومن لم تعرفنا مقامه لم تظهر لنا شأنه
ممن خلقته من اول ما ابتدأت به
من خلقك وممن تخلقه الى انقضاء الدهر
واسألك بتوحيدك الذي فطرت عليه
العقول واخذت به المواثيق وارسلت
به الرسل وجعلته اول فروضك و
نهاية طاعتك واتوجه اليك بجودك
ومجدك وكرمك وعزك وجلالك
وعفوك وامتنانك وتطولك وا
سألك يا الله يا الله يا الله يا رباه
يا رباه يا رباه وارغب اليك خاضعا
وعائذا اولا واخرا بحبيبك ورسولك
محمد سيد المرسلين واشرف الاولين

والاخرين

والاخرين وبالرسالة التى اداها والارادة
التى اجتهد فيها والمحنة التى صبر
عليها والمغفرة التى دعا اليها والديانة
التى حض عليها منذ وقت رسالتك
اياه الى ان توفيته وبما بين ذلك
من اقواله الحكيمة وافعاله الكريمة
ومقاماته المشهودة وساعاته المعدودة
ان تصلى عليه كما وعدته من نفسك
وتعطيه افضل ما امّ من ثوابك وتزلف
لديك منزلته وتعلى عندك درجته
وتبعثه المقام المحمود وتورده حوض
الكرم والجود وعلى اله الطيبين الا
طهار المنتجبين الابرار وعلى جبرئيل و

عليهم

وميكائيل والملائكة المقربين وجميع
الانبياء والمرسلين والشهدا والصا
لحين اللهم اني اشهدك اصبحت لا
املك لنفسي ضرا ولا نفعا ولا موتا
ولا حيوة قد انقطعت وسائلي وذهبت
مسائلي وذل ناصري واسلمني اهلي وولدي
اللهم وقد اكدى الطلب واعيت الحيل
الا عندك وانقطعت الطرق وضاقت
المذاهب الا اليك ودرست الامال وانقطع
الرجا الا منك وكذب الظن واخلفت
العدات الا عدتك اللهم ان مناهل
الرجاء لفضلك مترعة وابواب الدعاء
لمن دعاك مفتحة والاستغاثة لمن

استغاث

اسْتِعَانَة بِكَ مُبَاحَةٌ وَالاِسْتِعَانَةُ لِمَنِ
اسْتَعَانَ بِكَ مَوْجُودَةٌ وَاَنْتَ لِدَاعِيكَ
بِمَوْضِعِ الاِجَابَةِ وَلِلصَّارِخِ اِلَيْكَ وَلِيُّ
الاِغَاثَةِ وَلِلْقَاصِدِ اِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ
وَاَنْتَ لا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ اِلاّ اَنْ تَحْجُبَهُمُ
الاَعْمَالُ السَّيِّئَةُ وَقَدْ عَلِمْتُ اَنَّ اَفْضَلَ
زَادِ الرَّاحِلِ اِلَيْكَ عَزْمُ اِرَادَةٍ وَاِخْلاصُ
نِيَّةٍ وَقَدْ دَعَوْتُكَ بِعَزْمِ اِرَادَتِي وَاِخْلاصِ
طَوِيَّتِي وَصَادِقِ نِيَّتِي فَهَا اَنَا ذَا مِسْكِينُكَ
بَائِسُكَ اَسِيرُكَ فَقِيرُكَ سَائِلُكَ مُنِيخٌ
بِفِنَائِكَ قَارِعٌ بَابَ رَجَائِكَ وَاَنْتَ اَوْلَى
بِنَصْرِ الْوَاثِقِ بِكَ وَاَحَقُّ بِرِعَايَةِ الْمُنْقَطِعِ
اِلَيْكَ سِرِّي لَكَ مَكْشُوفٌ وَاَنَا اِلَيْكَ مَلْهُوفٌ

إذا أوحشتني الغربة آنسني ذكرك وإذا
صُبّت على الأمور استجرت بك وإذا
تلاحكت على الشدائد أمّلتك وإنّي
يذهب لي يا رب عنك وأزمّة الأمور
كلها صادرة عن قضائك متبعة با بيدك
بالخضوع لقدرتك فقيرة إلى عفوك
ذات فاقة إلى رحمتك وقد مسّني الفقر
ونالني الضر وشملتني الخصاصة وعرتني
الحاجة وتوسمت بالذلة وعلتني المسكنة
وحقت على الكلمة وأحاطت بي
الخطيئة وهذا الوقت الذي وعدت
أولياءك فيه الإجابة فامسح ما بي
بيمينك الشافية وانظر إلي بعينك

الرا

الرّاحِمَهِ وَادْخِلْنِى فِى رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ
وَاَقْبِلْ عَلَىَّ بِوَجْهِكَ ذِى الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ
اِنَّكَ اِذَا اَقْبَلْتَ عَلَى اَسِيرٍ فَكَكْتَهُ
وَعَلَى ضَالٍّ هَدَيْتَهُ وَعَلَى حَائِرٍ اَوَيْتَهُ
وَعَلَى ضَعِيفٍ قَوَّيْتَهُ وَعَلَى خَائِفٍ اٰمَنْتَهُ
اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَنْعَمْتَ عَلَىَّ فَلَمْ اَشْكُرْ وَابْتَلَيْتَنِى
فَلَمْ اَصْبِرْ فَلَمْ يُوجِبْ عَجْزِى عَنْ شُكْرِكَ
مَنْعَ الْمُؤَمَّلِ مِنْ فَضْلِكَ وَاَوْجَبَ عَجْزِى
عَنِ الصَّبْرِ عَلَى بَلَائِكَ ضُرَّكَ وَاِنْزَالَ
رَحْمَتِكَ فَيَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ بَلَائِهِ صَبْرِى
فَعَافَانِى وَعِنْدَ نَعْمَائِهِ شُكْرِى فَاَعْطَانِى
اَسْئَلُكَ الْمَزِيدَ مِنْ فَضْلِكَ وَالْاِيزَاعَ لِمَا
لِشُكْرِكَ وَالْاِعْتِدَاءَ بِنَعْمَائِكَ فِى اَعْقَابِ

وَكَشْفَ

العافية واسبغ النعمة انك على كل شيء
قدير اللهم لا تخلني من يدك ولا تتر
كني لقا لعدوك ولا لعدوي ولا توحشني
من لطائفك الخفية وكفاياتك الجميلة
هذا مقام العائذ بك اللائذ بعفوك
المستجير بعز جلالك قد رأى اعلام
قدرتك فأرني آثار رحمتك اللهم
نولني ولاية تغنيني بها عن سواها و
اعطني عطية لا احتاج الى غيرك بها
فانها ليست ببدع من ولايتك ولا
بنكر من عطيتك ادفع الضرعة وا
نعش السقطة وتجاوز عن الزلة
واقبل التوبة وارحم الهفوة وانج من

الورطة واقل العثرة يا منتهى الرغبة
وغياث الكربة وولي النعمة وصاحب
ذي الكربة ورحمن الدنيا والآخرة
خذ بيدي من دحض المزلة فقد كثرت
وثبتني على الصراط المستقيم والاغوث
يا هادي الطريق يا فارج المضيق يا جار
اللصيق يا ركني الوثيق احلل عني المضيق
واكفني شر ما اطيق وما لا اطيق يا اهل
التقوى واهل المغفرة والعزة والقدرة
والآلاء والعظمة يا ارحم الراحمين واكرم
الناظرين ورب العالمين لا تقطع منك
رجائي ولا تخيب دعائي ولا تجهد بلائي
ولا تسيء قضائي ولا تجعل النار ماواي

وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ مَثْوَايَ وَاَعْطِنِي مِنَ الدُّنْيَا

مُنَايَ وَبَلِّغْنِي مِنَ الْاٰخِرَةِ اَمَلِي وَرَجَايَ

وَاٰتِنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ

وَقِنِي عَذَابَ النَّارِ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

وَبِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ دعاء صباح حضرت امام زین العابدین علیه

السلام که در صحیفه کامله مذکور است الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ بِقُوَّتِهِ وَمَيَّزَ بَيْنَهُمَا

بِقُدْرَتِهِ وَجَعَلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا حَدًّا

مَحْدُودًا وَاَمَدًا مَوْقُوتًا يُولِجُ كُلَّ وَاحِدٍ

مِنْهُمَا فِي صَاحِبِهِ وَيُولِجُ صَاحِبَهُ فِيهِ

بِتَقْدِيرٍ مِنْهُ لِلْعِبَادِ فِيمَا يَغْذُوهُمْ بِهِ

وَيُنْشِئُهُمْ عَلَيْهِ فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا

فِيهِ مِنْ حَرَكَاتِ التَّعَبِ وَنَهَضَاتِ النَّصَبِ

وجعل

وَجَعَلَ لَهُ لِبَاسًا لِيَلْبِسُوا مِنْ رَاحَتِهِ وَمَنَامِهِ
فَيَكُونَ ذَلِكَ لَهُمْ جِمَامًا وَقُوَّةً وَلِيَنَالُوا
بِهِ لَذَّةً وَشَهْوَةً وَخَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ
مُبْصِرًا لِيَبْتَغُوا فِيهِ مِنْ فَضْلِهِ وَلِـ
وَلِيَتَسَبَّبُوا إِلَى رِزْقِهِ وَلِيَسْرَحُوا فِي
أَرْضِهِ طَلَبًا لِمَا فِيهِ نَيْلُ الْعَاجِلِ مِنْ
دُنْيَاهُمْ وَدَرَكُ الْآجِلِ فِي أُخْرَاهُمْ بِكُلِّ
ذَلِكَ يُصْلِحُ شَأْنَهُمْ وَيَبْلُو أَخْبَارَهُمْ
وَيَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ فِي أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ وَ
مَنَازِلِ فُرُوضِهِ وَمَوَاقِعِ أَحْكَامِهِ لِيَجْزِيَ
الَّذِينَ أَسَاؤُا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ
أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى
مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ وَمَتَّعْتَنَا بِهِ

مِنْ ضَوْءِ النَّهَارِ وَبَصَّرْتَنَا بِهِ مِنْ مَطَالِبِ الْاَقْوَاتِ

وَوَقَيْتَنَا فِيهِ مِنْ طَوَارِقِ الْآفَاتِ اَصْبَحْنَا

وَاَصْبَحَتِ الْاَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا السَّمَاؤُهَا

وَاَرْضُهَا وَمَا بَثَثْتَ فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا

سَاكِنُهُ وَمُتَحَرِّكُهُ وَشَاخِصُهُ وَمُقِيمُهُ

وَمَا عَلَا فِي الْهَوَاءِ وَمَا كَنَّ تَحْتَ الثَّرَى

اَصْبَحْنَا فِي قَبْضَتِكَ يَحْوِينَا مُلْكُكَ وَسُلْطَا

وَنَتَصَرَّفُ عَنْ اَمْرِكَ وَنَتَقَلَّبُ فِي تَدْبِيرِكَ

لَيْسَ لَنَا مِنَ الْاَمْرِ اِلَّا مَا قَضَيْتَ وَلَا

مِنَ الْخَيْرِ اِلَّا مَا اَعْطَيْتَ اَللّٰهُمَّ وَهٰذَا

يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ وَهُوَ عَلَيْنَا شَاهِدٌ

عَتِيدٌ اِنْ اَحْسَنَّا وَدَّعَنَا بِحَمْدٍ وَاِنْ

اَسَأْنَا فَارَقَنَا بِذَمٍّ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

فيه تاحسن مصاحبته واعصمنا
ان سوء مفارقته بارتكاب جريرة او
صغيرة او كبيرة واجزل لنا فيه من الحسنات
واخلنا فيه من السيئات واملأ لنا ما
بين طرفيه حمداً وشكراً واجراً وذخراً
وفضلاً واحساناً اللهم يسر على الكرام
الكاتبين مؤنتنا واملأ لنا من حسناتنا
صحائفنا ولا تخزنا عندهم لسوء اعمالنا
اللهم اجعل لنا في كل ساعة من ساعاته
حظاً من عبادتك ونصيباً من شكرك
وشاهد صدق من ملائكتك اللهم صل
على محمد وآل محمد واحفظنا فيه
من بين ايدينا ومن خلفنا وعن ايماننا

قرائن

وَعَنْ شَمَائِلِنَا وَمِنْ جَمِيعِ نَوَاحِينَا حِرْزًا مِنْ مَعْصِيَتِكَ هَادِيًا إِلَى طَاعَتِكَ مُسْتَعْمِلًا لِمَحَبَّتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَوَفِّقْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَلَيْلَتِنَا هَذِهِ وَفِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ وَهِجْرَانِ الشَّرِّ وَشُكْرِ النِّعَمِ وَاتِّبَاعِ السُّنَنِ وَمُجَانَبَةِ الْبِدَعِ وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَحِيَاطَةِ الْإِسْلَامِ وَانْتِقَاصِ الْبَاطِلِ وَإِذْلَالِهِ وَنُصْرَةِ الْحَقِّ وَإِعْزَازِهِ وَإِرْشَادِ الضَّالِّ وَمُعَاوَنَةِ الضَّعِيفِ وَإِدْرَاكِ اللَّهِيفِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْهُ أَيْمَنَ يَوْمٍ عَهِدْنَاهُ وَأَفْضَلَ صَاحِبٍ صَحِبْنَاهُ وَخَيْرَ وَقْتٍ ظَلِلْنَا

فِيهِ

فِيهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ اَرْضَى مَنْ مَرَّ عَلَيْهِ
اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ مِنْ جُمْلَةِ خَلْقِكَ اَشْكَرُهُمْ
لِمَا اَوْلَيْتَ مِنْ نِعَمِكَ وَاَقْوَمُهُمْ بِمَا شَرَعْتَ
مِنْ شَرَائِعِكَ وَاَوْقَفُهُمْ عَمَّا حَذَّرْتَ
مِنْ نَهْيِكَ اللّٰهُمَّ اِنِّي اُشْهِدُكَ وَكَفَى
بِكَ شَهِيدًا وَاُشْهِدُ سَمَائَكَ وَاَرْضَكَ
وَمَنْ اَسْكَنْتَهُمَا مِنْ مَلٰئِكَتِكَ وَسَائِرِ
خَلْقِكَ فِي يَوْمِي هٰذَا وَسَاعَتِي هٰذِهِ وَ
لَيْلَتِي هٰذِهِ وَمُسْتَقَرِّي هٰذَا اِنِّي اَشْهَدُ
اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ قَائِمًا
بِالْقِسْطِ عَدْلًا فِي الْحُكْمِ رَؤُفًا بِالْعِبَادِ
مَالِكُ الْمُلْكِ رَحِيمًا بِالْخَلْقِ وَاَنَّ مُحَمَّدًا
عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَخِيَرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ .

حَمَّلتَهُ رِسَالَاتِكَ فَاَدّاهَا وَاَمَرْتَهُ بِالنُّصحِ

لِاُمَّتِهِ فَنَصَحَ لَهَا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٍ اَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى اَحَدٍ مِنْ

خَلْقِكَ وَآتِهِ اَفْضَلَ مَا آتَيْتَ اَحَدًا

مِنْ عِبَادِكَ وَاجْزِهِ عَنَّا اَفْضَلَ وَاَكْرَمَ

مَا جَزَيْتَ اَحَدًا مِنْ اَنْبِيَائِكَ عَنْ اُمَّتِهِ

اِنَّكَ اَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْجَسِيمِ الْغَافِرُ لِلْعَظِيمِ

وَاَنْتَ اَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ فَصَلَّى اللّٰهُ

عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

الْاَنْجَبِينَ دعاها و ذکرها که وارد شده از

اصحاب عصمت سلام الله علیهم در تعقیب نمازها بسیار است

خصوصا تعقیب نماز صبح ، در اینجا بنهایت اختصار شد

باینها بدانکه آنچه مذکور است اینجا از تعقیبها مأخوذ از

از روایات بسیار و جمیع اینها در یک روایت نیست
پس اگر کسی را کاری باشد بعضی را ترک کند و کراهه
نفس را مانده که شود و دل را توجهی نباشد قطع کند
زیرا که توجه و اقبال دل عبادت و دعا است و [illegible]
نشستن در جای نماز بعد از نماز صبح تا برآمدن
آفتاب اگرچه مشغول تعقیب باشد روایت شده که
حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده که کسی بنشیند
در جای نماز خود تا طلوع آفتاب آن نشستن ساتر
باشد برای او از آتش و سنت است بعد از تعقیب خواندن
سوره یس زیرا که خواننده آن در صباح دایم محفوظ
و مرزوق است تا شام تبارک کند و آن را سوره
دافعه می نامند زیرا که دفع می کند از خواننده خود
هر شری را و قاضیه میگویند زیرا که بر می آورد خواننده خود

هر شرمی را هر حاجتی را   اَهَب لی مِنْ عِندِکَ مَلَک

که مراد بهدایت رسانیدن بمطلوب باشد که فایز

شدن به بهشت است یا دلالت کردن بچیزی که

برساند بمطلوب مثل ظاهر کردن آثار علایق جسمانی

و برداشتن پردهای ظلمانی هیولانی و تعقل اسرار

جلالی و مطالعه انوار جمالی وَقَد رَبِّکَ الّتی لاتمنع

مِنهَا شیئی اشارت است بانکه ممنوع را شی نیکو

دلا تزغ قلبی مشتق است از زیغ که میل است از

راه حق یعنی از من بر طرف مساز توفیق باقی

بودن بر هدایت را انجاره تضم فا و بمد واقع

شد الحیرلیت بیکبارگی خبر نعمه تقیح نون

بر وزن کلمه و بکسر نون بر وزن نغمه بمعنی عقاب

و مِن درکرا التقا درک بتحریک اطلاق میشود بر

مقا

بر مکان و طبقات آتش درکات است و طبقات بهشت
درجات و گاهی اطلاق میکنند بر نهایت هستی و من
یعنی امر او ببین بی نقطه و یا دو نقطه تحتانی
میان دو نون بمعنی اهتمام است بچیزی بالله الاحد
الصمد چنانکه از لفظ الله مراد ذاتیست که مستجمع
باشد جمیع صفات کمال را که صفات ثبوتیه است
همچنان مراد بلفظ احد ذاتیست مستجمع جمیع صفات
جلال که صفات سلبی است زیراکه واحد حقیقی آنست
که منزه باشد ذاتش از ترکیب ذهنی و خارجی و از
تعدد و آنچه لازم داشته باشد یکی از اینها را مثل
جسمیت و متحیز بودن و شریک داشتن خواه
در حقیقت ذات باشد و خواه در لوازم ذات
مثل وجوب وجود ذات و قدرت ذاتی و حکمت تامه

جلال را صمد

وصمد کسی است که مرجع و مقصد باشد در حوائج وکفو
بمعنی مثل است اول سوره اخلاص دال است بر
احدیت الهی و آخرش بر واحدیت برب الفلق
فلق بمعنی شکافته شدن است وآنچه از چیزی شکافته
برآرند و این عام است جمیع ممکنات را زیرا که
حضرت عز شانه شکافت از ظلمت عدم همه را بنور
ایجاد غاسق شب بسیار تاریکی را گویند و وقب
یعنی فرو رفته داخل شده تاریکی آن در هر چیزی
والنفاثات فی العقد نفوسند یا زنان ساحره
که گره میکنند ریسمانها را و بران نفس میدمند
مذهب اثنا عشریه آن است که سحر در حضرت پیغمبر صلی الله
علیه وآله کارگر نکرده و امر آنحضرت درین سوره باستعاذه
از سحر زنان ساحره دلالت نمیکند بر تاثیر سحر ان

حضرت

در آنحضرت صلى الله عليه وآله بلكه از مقوله ربنا لا تؤاخذنا
ان نسينا او اخطانا و اما آنچه مخالفين نقل كرده‌اند
كه سحر در آنحضرت اثر كرده چنانكه روايت كرده بخاری
و مسلم كه حضرت پيغمبر صلى الله عليه وآله سحر كردند حتى آنكه آن
كه آنحضرت را خيال شده كه كاری نكرده را كرده پس اين
از دروغهاست پس اگر اين نقل راست باشد لازم آيد
كه سخن كفار ان تتبعون الا رجلا مسحورا راست باشد
و عذری كه مخالفين خواسته‌اند كه مراد از اين آيه
سحريست كه باعث جنون باشد عذريست واهی
و بی‌معنی زيرا كه اثری كه ايشان نقل كرده‌اند كم از جنون
نيست خناس آنست كه چون ذكر خدا كند پس رود
بر گردد و تفسير فاتحه در حاشيه مذكور ميشود لا تأخذه
سنة و لا نوم سنه حالتيست و فتوری و سستی

که پیش از خواب داشته بود و تغشی نوم در اینجا آنکه
قیاس در نفی تره از ادعا با دلالت آنست بطریق اشارت بجهت تقدم
اوست بر خواب بالطبع یا آنکه مراد نفی حالتی است که
مرکب از این دو است چنانکه حیوان و لا یؤده حفظهما
یعنی نگاه داشتن آسمانها و زمین سنگین و تعبی نداد
و طاغوت شیطان است یا هرچه غیر از خدا عبادت
کنند یا چیزی که منع کند از عبادت خدای تعالی لا انفصام
لها یعنی نیست پاره شدن او را ثم استوی یعنی قصد نمود
و متوجه خلق عرش شد یغشی یعنی می پوشاند
یطلبه حثیثا مشتق است از حث یعنی در عقب آن
دیگر است بسرعت گویا که یکی از شب و روز طلب
میکند آن دیگر را بسرعت والشمس والنجوم بنصب
عطف است بر السموات و مسخرات بنصب حال است از آنها

دایر

وبرفع الشمس والنجوم مقید است و مستحبات خبر تضرعاً
وخفیةً یعنی در حالی که زاری مخفی کنند زیرا که دعای پنهان
افضل است انه لا یحب المعتدین یعنی دوست نمیدارد خدای تعالی
کسانی را که تجاوز کنند کار را از حد و تغییر کرده اند طلب کنند کمال چیزی
که کمالات لایق آن نیستند مثل رتبه انبیا و تغییر کرده اند
بلند یاد کردن در دعا وادعوه خوفاً وطمعاً یعنی دعا کنید در
حالتی که ترسناک باشند از خدا بجهت قصور اعمال و طمع
اجابت داشته بجهت بسیاری رحمت و وفور کرم الهی
مداداً لکلمات ربی سیاهی هر برای نوشتن کلمات
علم و حکمت خدای تعالی لنفد البحر یعنی هر آینه تمام شود و هیچ
از او باقی نماند ولو جئنا بمثله مدداً یعنی اگر چه بیاریم مثل
آن دریا در زیادتی و معونتی ومن کان یرجو لقاء ربه
یعنی کسی که امیدوار است نیک راجع شد را که ادراز

قیامت والصافات بعضی تفسیر کرده اند بملایکه که صف میزنند
ومقام عبودیت هر یکی در مرتبه خود وزاجرات را
بفرشتها که زجر میکنند آسمانها وزمینها را بانچه اراد
الهی است از انها وتالیات را بفرشتها که آیات خدا
را میخوانند بر پیغمبران وبعضی تفسیر کرده اند بعلما که صف
میزنند در عبادات ومنع میکنند از کفر وفسق بر اهل
دل صالح ومیخوانند آیات وشرایع الهی وبعضی تفسیر کرده
بنفوس جهادکنندگان که صف میزنند در محل جنگ وزجر
میکنند اسبها را یا دشمنان را ومیخوانند ذکر الهی را
وجنگ ایشان را مشغول نمیسازد از ذکر ورب المشارق
یعنی پروردگار مشرقهای آفتاب است یا مشرقهای کواکب
اِنّا زَیَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنیا یعنی ما زینت داده ایم آسمان
که نزدیک است وپایین تر است بزینةِ الکواکب اضافه

زینة

زینت بکواکب بیانیست و بقراآتی که زینة بتنوین میخوانند
کواکب بدل است از زینت و آنچه مشهور است که جمیع ستارها
ثوابت مرکوز است در فلک هشتم و هر یکی از ستارهای
سبع سیاره را فلکی است دلیل بر بین قایم نیست و آنکه در
فلک قمر ستاره چند نمی باشند واقع در غیر قمر سیارات
و همه ثوابتی که رصد کرده اند دلیل بر امتناع آن نیست
و اگر ثابت شود قدحی نمیکند در تزیین فلک قمر باین اجرام
نورانی زیرا که اینها همه در فلک قمر دیده میشوند اگرچه
در بالاتر باشند وَحِفْظًا مِّن كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ
حفظا منصوب است که مفعول له باشد و دلالت میکند
بر علت کلام سابق یعنی ما گردانیدیم ستارها را زینت و حفظا
و مارد بیرون رونده است از طاعت لَا يَسَّمَّعُونَ إِلَى
الْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ جمله ایست مستانفه که بیان حال است

بعد از حفظ و از صفت شیاطین که مفهوم میشود از این

کُلِّ شَیْطَانٍ زیرا که حفظ نمی باشد از کسی که نشنود

اَعْلَی فرشتها اند که ساکن اند در بالا ها چنانکه ملا

اسفل انس و جن اند که ساکن اند در زمین و

یسمعون بالی بنا بر قرات کثیف و تشدید بجهت

تضمن معنی اصغاست برای مبالغه در نفی آن و

و یُقْذَفُونَ مِنْ کُلِّ جَانِبٍ دُحُوراً یعنی انداخته میشود

از هر جانب از اطراف آسمانها ایشان که قصد کنند

برای گوش کردن و دحورا مفعول له است یعنی انداخته

میشود برای ایشان یا مفعول مطلق است زیرا که معنی

نزدیک است بمعنی قذف و لهم عذاب واصب یعنی

ایشان را عذاب سخت است در آخرت اِلَّا مَنْ خَطِفَ

الْخَطْفَةَ استثنا است از فاعل یسمعون یعنی مگر کسی

که از کلام ملایکه چیزی بطریق دزدی بشنود فاتبعه شهاب
ثاقب یعنی در عقب او می رود شهابی سوراخ کننده گویا
در شکافد هوا را بروشنی و شهاب آن است که عوام گویند
ستاره ریخت و آنچه طبیعیون خیال کرده اند که بخار است
با او دهنیتی چون بجهت از زمین بالا میرود و بکره آتش
الحاق آتش در و میگیرد پس این ثابت نشده و اگر صحیح باشد
منافاتی ندارد با آنچه آیه کریمه بر آن دلالت میکند و آیه
انا زینا السماء الدنیا بمصابیح وجعلناها رجوما للشیاطین
زیرا که شهاب و مصباح را اطلاق میکنند بر چیزی که شعله
دار باشد و هرچه در بالا شعله کشد زینت آسمان است
و دور نیست که در بعضی وقت خدای تعالی آن بخار دهنی را
بالا فرستد برای سوختن شیاطین پس آتش در و گیرد
و بسوزاند و خلق شیاطین از آتش محض نیست چنانکه

خلق آدم از خاک محض نیست پس سوختن شیاطین
با آتش که قوی‌تر است از آتش او ممکن است و شاید که شیاطین
کلام ملائکه را نشنوند مگر وقتی که نزدیک کرهٔ آتش رسند
پس چون شیاطین آنجا گوش کنند و خواهد که پایین آید
شهاب باو رسد و او را بسوزاند لهذا خدای تعالی
تعبیر کرده از رسیدن شهاب‌ها و تتابع شدن که
منعی از برای رفتن است إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا
یعنی اگر خواهید و استطاعت باشد شما را که بیرون روید
از اطراف آسمانها و زمین و بگریزید از خدا پس بیرون
روید از آنها لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ جمله [illegible]
علیحده است یعنی قدرت ندارید بر بیرون رفتن
از آنها مگر بقوتی تام و آن قدرت از کجاست شما را
ولا
و سلطان مصدر است مثل غفران بمعنی مسلط

چنانکه در آیت وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ
سُلْطَانًا یعنی کسی که کشته شود بظلم پس بتحقیق که ما
گردانیده ایم برای ولی او تسلطی بر قصاص یا گرفتن
دیت شُوَاظ یعنی زبانهٔ آتش و نحاس بر فتح عطف است
بر شواظ و بجر عطف است بر نار یعنی دخان یا مسی
گداخته که ریخته شود بر سرهای ایشان فَلَا تَنْتَصِرَانِ
یعنی منع کرده نشوند از آن خاشعًا متصدعًا یعنی شق
و عرض سرزنش خوانده است بر خشوع نکردن نزد
قرأت قرآن بواسطهٔ قساوت قلب و کم فکر کردن در معانی
آن عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ یعنی عالم است بآنچه از حس
غایب باشد و آنچه حاضر باشد یا عالم است بسر و علانیه
یعنی نهان و آشکارا الْقُدُّوسُ یعنی در نهایت و غایت
پاکیزگی است از چیزی که موجب باشد السَّلَامُ مصدر است

نقص ج

و وصف بآن برای مبالغه است و مراد سالم از
جمیع نقصها و بهشت را دار السلام میگویند بجهت آنکه
سکان آن سالم اند از هر آفتی یا بجهت آنکه خانهٔ خداست
یعنی سالم المؤمن بخشندهٔ امن و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام مروی است که خدای تعالی را مؤمن نام است برای
آنکه ایمن می کند از عذاب خود کسی را که اطاعت او کند
المهیمن یعنی مطلع و نگاه دارندهٔ هر چیز العزیز
یعنی هیچ چیز عدیل و مثل او نیست یا غالبی که هرگز
مغلوب نگردد و عزنی فی الخطاب یعنی غالب گردید بر من
در خطاب الجبار آنکسی که جبر و قهر میکند خلایق
بر بعضی چیزها که ایشان را در آن اختیار نیست و قادر
بر تغییر آن ندارند یا آنکه جبر و اصلاح حال می کند
المتکبر یعنی صاحب کبریا است از نقص و احتیاج

الخالق البارئ المصور بعضی را ظن است که هر یک معنی
دارد زیرا که همه بمعنی ایجاد و انشایند پس ذکر اینها
تاکید است و چنین نیست بلکه هر یک را معنی است چنانکه
بنا ها می جنبد بطول و عرض و بلند ساختن سنگها و چوبها
بر نهج خاص و زینت دادن و نقش و صورت کردن
پس این سه امر از خدای تعالی میشود در ایجاد مخلوق از
کتم عدم پس خدای تعالی را باعتبار هر یک نامی است بر نهج
ترتیب یسبح له ما فی السموات و ما فی الارض یعنی تسبیح
میکند برای خدای تعالی آنچه در آسمانها و زمین است و اما

آنچه صح

تسبیح یا زبان حال است زیرا که هر ذره از موجودات
ندا میکند بزبان حال بوجود صانع حکیم واجب الذات
و یا زبان قال است و این در ذوی العقول ظاهر است
و اما حیوانات اما پس فرقه عظیم از علما در مذهب اهل سنت

که هر طایفه از سموات تسبیح ... خود میکند
بلغت و آواز خود و بدین حمل کرده اند قول خدای تعالی
را وَمَا مِن دَابَّةٍ فِي الأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ
إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُم یعنی هیچ جنبنده نیست در زمین
و نه هر پرنده که می پرد به پرهای خود که امتهایند مثل شما
واما غیر سموات از جمادات پس جماعتی بسیار از اهل سنت
که آنها را هم تسبیح زبانی هست و مؤید آورده اند وان
مِن شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ یعنی هیچ چیز نیست مگر که تسبیح
خدا میکند و حال آنکه مقتبس است بحمد خدا و گفته اند
اگر مراد تسبیح حالی باشد محتاج است قول خدای تعالی
وَلَكِن لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ شا ویل ذکر کرده اند که آنچه
در تسبیح سنگ ریزه در کف پیغمبر صلی الله علیه وآله از جهت
نفس تسبیح نیست بلکه شنوانیدن اصحاب است والا سنگ

ربّنا همه در جمیع مواضع ان تخرجنی من الدّنیا
آمناً یعنی آنکه بیرون بری مرا از دنیا ایمن از گناهان
که میان من وتست بآنکه توفیق توبه دهی پیش از مردن
واز آن گناهان که میان من وخلق تست تا آنکه توفیق دهی
که پیش از مرگ خود را از آنها خلاص سازم وتدخلنی
الجنّة سالماً و داخل سازی مرا بهشت در حالی
که مرا سلامت داشته باشی از عقاب تا آنکه از من
عفو کنی و مرا داخل بهشت سازی واین جمله تأکید
سابق است ولا حول ولا قوّة الّا بالله مراد کمال قدرت
یعنی قدرتی بر چیزی وقوتی نیست مگر بمدد کاری خدای تعالی
ودر کتاب توحید ابن بابویه روایت کرده از حضرت
امام محمد باقر علیه السلم که این بمعنی انتقال است یعنی گشتن از
معصیت ومنتقل شدن نیست مگر بعون الهی وتوفیق

بر طاعت نیست مگر بتوفیق سبحانه و تکشف همی افزونها

فرق میان هم و غم آن است که هم چیزیست که قادر

باشد آدمی بر زایل کردن آن مثل افلاس و غم

آنکه قدرت بر زایل کردن آن نباشد چون مردن فرزند

بعضی گفته که هم پیش از نزول مکروه است و غم بعد از

نزول یعنی شر کل غاشم یعنی تعدی کنند و طارق

یعنی واقع شوند در شب شر الصامت بسیار اطلاق

میکنند بر جماد و ناطق بر حیوان اگرچه حیوان بی زبان

باشد در قول عرب فلان لا یملک صامتا ولا

ناطقا یعنی مالک هیچ چیز نیست و قول فقها الزکوة

فی الناطق والصامت و جایز است که اینجا مراد بناطق

معنی مشهور باشد بدیع السموات والارض از قبیل حسن

الغلام است یعنی آسمانها و زمین بدیع اند یعنی نو پدید نظیر

و ممکن است که مرشد باشد یعنی موجه چیزی
بمثل سابق بالاح الحدیه ان یعنی مادام که ظاهر شب
و روز و ما اطرد الی فیقال یعنی مادام که مشرق و مغرب
باقیند و ما هدی الحادیان یعنی مادام که میرانند مردم را
شب و روز گویا که شب و روز مردم را میرانند تا قبور
مثل کسی که شتران را میرانند و ما غسق لیل بر اقبل
و ادبر است یعنی مادام که شب سیاه در رود و ما ادلهم
ظلام یعنی مادام که شب سخت تاریک و ما تنفس صبح یعنی
مادام که صبح ظاهر شود و تعبیر کرده بتنفس زدن که بعد
وزیدن نسیم نزد صبح است گویا که نفس زده خطیب و قد
المومنین خطیب [illegible] م در لغت بزرگ ایشان است که
مخاطبه میکند ایشان را با سلطان در حوایج ایشان و قد
اینجا بمعنی کرده و محبت المکسر جلل الامان یعنی بپوشد

تسم

سند حلقهای امان از آتش [illegible] تا میفرماید
وَسَوْفَ یُعْطِیکَ رَبُّکَ فَتَرْضَی یعنی زود باشد که عطا کند
بتو پروردگار تو چندانکه تو راضی شوی و حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله راضی نمیشود بدخول یکی از امتش در دوزخ
در حدیث وارد است وَحُلَلُ الایمان استعارت
و ذکرت تسبیح و غرام مغفرتک یعنی آمرزشهای که
خود واجب کرده. فیما وَعَدْتَ الیک منه یعنی در
چیزی که التجا کردم بتو از آن. وقد غبّرت ذنبی بغبار
آلوده کرده روی مرا و کلام استعاره است و لولا تعلق
جواب لولا لقد کان انقطع یعنی مایوس میشود
نَدَبْتَنا یعنی مارا دعوت کرده تو داخرین یعنی
ذلیل و کوچک. اسبل دمعی حسن الظن بک
اسبال اشک جاری کردن است یعنی مرا گریه آورده

حسن ظن من بنده تو از گناه کاران اگرچه گناه و [بهشان]
عظیم باشد و خطاهاشان بسیار اگر کسی گوید که حسن ظن
موجب خوشحالی است و ابتهاج نه باعث گریه گوییم مراد
گریه ایست که از غایت خوشحالی باشد و تَمُدُّ زَلَلی یعنی
بپوشانی بعفو و مغفرت لوث مرا وَ اَقِلْ [illegible] عَثْرا
یعنی مسامحه کنی و بگذری از گناهان من و [illegible] النّاکثین
یعنی جدا کنند شکنندگان بیعت که لشکر جمل باشند
و مراد ازیشان آنان که بیعت حضرت امیر سلام الله علیه را
شکستند وَالقاسِطین یعنی عدول کنندگان که معاویه
و لشکر او باشند که از حضرت امیر علیه السلام عدول کردند
و قسط عدول است از حق وَالمارِقین مراد خوارج باشند
که از دین بیرون رفتند چنانکه تیر از کمان بیرون رود
چنانکه در حدیث است اما بی خبران است و [illegible]

همه صفت امیرالمومنین و ... سپوست زهد

پس صحیح است که اینها صفت موفه باشند مثل مالک یوم

الدین و القبول مِن حملتها و التسلیم لردّها عطف

برای بیان است و توضیح و اعلام جمع علم است بفتح لام

که هرگاه نشان راه باشد در صحرا و منار بفتح میم جای

بلند که بالای آن آتش روشن کنند برای هدایت راه

لا منزع و لا ظما عطف تفسیریست و معقل بفتح میم و کسر

قاف بمعنی حصن و حصار است و اطلاق هسکانه بر بنا ...

طلبتی بفتح طا و کسر لام یعنی سبب حاجتم و مثعول الصیغه

اسم مفعول یعنی معتمد و ظعنی بظاء نقطه دار و عین

ساکن و مفتوح یعنی سیر و سفر من و منقلبی یعنی محل ...

یا سکون از نتایج ... نقطه بالا یعنی ...

را بهای آنها من کل حسنک بضاد نقطه دار و ...

... کنه بمعنى نهايت ... جد که بمعنى بزرگى و عظمت تو
والديانة التي حضّ عليها يعنى ديانتى که مبالغه
ترغيب بآن کرده اَمّ بتشديد ميم يعنى قصد
و تزلّفه برون ال تکرم يعنى نزديک سازى ؛ قد
اکدى الطلب بدال المهمله يعنى دشوار و صعب
و ماى
و منقطع شد طلب و اعيت الحيل يعنى با مهمله
دو نقطه زير يعنى وا ماند سعى بسوال و اخترش خاى
نقطه دار يعنى اقامت کرده بفنا يک نکره فاقه
دو رخانه و اذا تلات الکت يعنى بهم در رفت و ملتبسه
شد و نالنى الضر بضم ضاد يعنى رسيد بمن بدحالى
و نقيض نفع است و شملتنى الخصاصة بخاى
نقطه دار و دو صاد بى نقطه يعنى فرو گرفته مرا احتياج
و نوّهت بالذلة يعنى موسوم و معروف شدم بذلت

وحقّت عَلَى الكَلِمةُ لعو   دار سند بر من عذا
فَاسْمَحْ بسين و ضاد هرد و بیک معنی است اینجا الی
یعنی زایل ساز و ببرانچه از علتها بر من است والا
بیاء دو نقطه زیر و زاء نقطه دار و عین بی نقطه
بعد الف سام است وَ لا تَخْلِنی مِنْ یَدِکَ یعنی بالنقا
ولشاید لام از تخلیه است یعنی خالی مدار مرا از نعمت
خود لُبَّت بِبِدعٍ بسکون دال من وَلا یَبتدِع
واو یعنی عطیه از تو که با آن احتیاج بغیر نباشد مرا
بدیع و غریب نیست از امداد و اعانت تو و لا ینکر
یعنی امری منکر و مستبعد مستمد نیست وارحم الهفوة
الهَفوَةَ بفتح ها و سکون فا یعنی رحم کن بر زلت
ولغزش و خطا من خذ بیدی من دحض بجای
و ضاد با نقط المزلة یعنی خلاص کن مرا از لغز

خطها فقد [illegible] بالای یکنقطه زیر یعنی افتادم
بر روی خود یولج کل واحد منهما فی صاحبه و یولج
صاحبه فیه یعنی داخل میسازد هر یک از شب و روز
را در آن دیگر یا بینکه کم میکند از یکی و زیاد میکند
دیگر را مثل کم شدن روز زمستان و زیاد شدن
شبش و زیاده شدن روزهای تابستان و کم شدن
شبش اگر گویی که این معنی مفهوم می شد از یولج کل
واحد منهما فی صاحبه پس چه حاجت به یولج
صاحبه فیه بود گویم غرض حضرت علیه السلم تنبیه است
بر امر غریبی که حصول زیاده و نقصان است با هم در
هر یک از شب و روز در یک زمان و این بسبب اختلاف
بقاع است مثل بقعه شمالی خط استوا و بقعه جنوبی
خط استوا خواه انکه باشد و خواه نباشد [illegible]

ونقصانش واقع اند در یک وقت آکن درد دلبند
وهمچنین زیادتی شب ونقصانش واگر حضرت صلوات
علیه تصریح نیکرد بیوالج صاحبه فیه تنبیه برای
معنی نمی‌ستند بلکه ظاهر کلام آن می‌بود که زیاده ونقصان
واقع میشود در دو وقت چنانکه متعارف است
ونهجنات بنون وضاد با نقطه از نهوض است یعنی
انفعال بدنی که موجب تعب است ودر بعضی روایات نضات
با نقطه است بمعنی نقل وسنگینی لیکون انهم حیانا
یعنی تا باشد برای ایشان راحت ویبلوا یعنی امتحان
کند وظاهر سازد فلقت لنا من الاضافه
معلوم شد وما بلغت بدو تا رنقطه مشتق است از
بت بمعنی متفرق کردن مقیم خاصه مراد ثابت خاص ایمی
صنه مقیم است لیس لنا من الامر الا ما قضیت یعنی

نیست ما را از نفعها مگر آنچه توفقنا کرده و قوة

...عه از این مفسر است آنکه بتاه عشیه تبای دو نقط

بالا یعنی حاضر و مهیا بار نکاب و جریرة یعنی جنابت

و گناه و اقتراف یعنی کسب کردن و اجزل لنا

یعنی بسیار کن برای ما و اخلنا یعنی خالی کن گردان

ما را در این روز از دنیا و حیطة بجای ...

و یای دو نقط و طای بی نقط یعنی حرس و حفظ

و اوقفتهم ماخوذ است از قول عرب که وقف فیه

یعنی داخل شد در آن و خیرتک بی با نقطه

دو نقطه زیر مفتوح و رای بی نقطه مفتوح یعنی اختیار

شد ما و برگزیده شد ما و بکوش یا هم آنند **فصل**

...ه انکه از حضرت سایه معصومین صلوات الله علیهم منقول است

...له هر یک ساعتی از ساعتها دوازده گانه روز متعلق است

یکی از ادعیه سحرهای صلوات الله علیهم مخصوص گفت بدعا

خاص پس ساعتی از طلوع آفتاب بنسبت

بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام است و این دعای آن

اَللّٰهُمَّ رَبَّ الظَّلَامِ وَالْفَلَقِ وَالْفَجْرِ وَ

الشَّفَقِ وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ وَالْقَمَرِ اِذَا اتَّسَقَ

خَالِقَ الْاِنْسَانِ مِنْ عَلَقٍ اَظْهَرْتَ قُدْرَتَكَ

بِبَدِيعِ صُنْعَتِكَ وَخَلَقْتَ عِبَادَكَ لِ

كَلَّفْتَهُمْ مِنْ عِبَادَتِكَ وَهَدَيْتَهُمْ بِكَرَمِ

فَضْلِكَ اِلٰى سُبُلِ طَاعَتِكَ وَتَفَرَّدْتَ فِي

مَلَكُوتِكَ بِعَظِيمِ السُّلْطَانِ وَتَوَدَّدْتَ

اِلٰى خَلْقِكَ بِقَدِيمِ الْاِحْسَانِ وَتَعَرَّفْتَ

اِلٰى بَرِيَّاتِكَ بِحُسْنِ الْاِمْتِنَانِ يَا مَنْ يَسْئَلُهُ

مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي

نسألك اللهم بمحمد خاتم النبيين
الذي نزل الروح الامين على قلبه
ليكون من المنذرين بلسان عربي مبين
و بامير المؤمنين علي ابن ابي طالب ابن
عم الرسول و بعل البتول فرضت ولايته الذكر [illegible]
على الخلق و كان بن و رحمت ار الحق
ان تصلي على محمد و ال محمد فقد جعلتهم
وسيلتي و قدمتهم امامي و بين يدي
حوائجي و ان تغفر لي ذنبي و تطهر قلبي
و تستر عيبي و تفرج كربي و تبلغني
من طاعتك و عبادتك املي و تقضي
لي حوائجي الدنيا و الاخرة يا ارحم
الراحمين [illegible]

[illegible]

سجده های شکر باشد و روایت کرده رئیس المحد

در فقیه که حضرت امام جعفر علیه السلم فرموده که

سجده شکر واجب است بر هر مسلمان تمام میکنی بآن نما

خود را و راضی میکنی بآن پروردگار خود را

و تعجب می کنند ملائکه از تو بدرستی که هرگاه بنده نماز

کند و بعد از آن سجده شکر کند می کشاید و برمیدا

خدای تعالی حجاب را از میان بنده و فرشتگان و میگو

ای فرشتهای من نظر کنید به بنده من ادا کرد فرض مر

و تمام کرد عهد مرا بعد از آن سجده کرد برای من بجهت

شکر آنچه من انعام کرده ام با و ای فرشتهای من چه چیز

مر او راست پس ملائکه میگویند ای پروردگار ما رحمت تو

خدای تعالی میگوید دیگر مرا و را چیست ملائکه گوی

ای پروردگار ما جنت تو پس خدای تعالی گوید دیگر مرا او

عجبت ملائکه گویند ای پروردگار ما ما را دیگر نعمتی نیست

پس خدای تعالی گوید پس شکر او را چه کنم چنانکه شکر من کرده

ورو باو کنم بفضل خودم و بنمایم باو رحمت خودم را

پس ثواب آن طول داده و بسیار بود در شکر که

روایت کرده در فقیه که حضرت امام موسی کاظم علیه السلم

سجده میکرد بعد از نماز صبح پس سر مبارک بر نمی داشت تا

روز بلند می شد فصل چون سجده شکر کنی هر دو ساقها

دستها را و پیش گاه بر زمین و سینه و شکم را ملصق ساز

بر زمین و بگو آنچه در کتاب مسند حسن از حضرت ابی الحسن الماضی

علیه السلام روایت کرده و بگو در سجده شکر اَللّٰهُمَّ

إِنّي أُشْهِدُكَ وَأُشْهِدُ مَلائِكَتَكَ وَأَ

نْبِياءَكَ وَرُسُلَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ أَنَّكَ اللهُ

رَبّي وَالإِسْلامَ دِيني وَمُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

نَبِيّي وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيًّا وَ

مُحَمَّداً وَجَعْفَراً وَمُوسَى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّداً وَ

عَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَمُحَمَّداً سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ

اَلْأَئِمَّتِي بِهِمْ اَتَوَلّٰى وَمِنْ عَدُوِّهِمْ اَتَبَرَّأُ

اَعْدَائِهِمْ

پس سه بار بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَنْشُدُكَ دَمَ الْمَظْلُومِ

پس بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَنْشُدُكَ بِاِيْوَائِكَ عَلٰى

نَفْسِكَ لِاَوْلِيَائِكَ لَتُظْفِرَنَّهُمْ بِعَدُوِّكَ

وَعَدُوِّهِمْ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَعَلَى الْمُسْتَحْفِظِيْنَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

وسه بار بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ

پس [illegible] جانب راست رو را بر زمين و بگو يا كهف

حِيْنَ [illegible] الْمَذَاهِبُ وَتَضِيْقُ عَلَى الْاَرْضُ

بِمَا رَحُبَتْ يَا بَارِئَ خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَكَانَ

عن خلقي غنيًا صلّ على محمّد و آل محمّد

[illegible] على المستحفظين من آل محمّد صلّى الله عليه و آله

[illegible] بگويد [illegible]

قوّتك

يا مذلّ كلّ جبّار و يا معزّ كلّ ذليل و عزّ

بلغ بي مجهودي [illegible] يا حنّان يا منّان

يا كاشف الكرب العظام [illegible]

[illegible] شكرا [illegible]

و طلب [illegible] عليه السلام [illegible]

[illegible] عصيتك

ربّ بلساني و لو شئت و عزّتك لأخرستني

و عصيتك ببصري و لو شئت و عزّتك لأكمهتني و عصيتك بسمعي و لو شئت و عزّتك لأصممتني

صممتني و عصيتك بيدي و لو شئت و عزّتك

لكنّعتني و عصيتك برجلي لو شئت و

وَعِزَّتِكَ لَجَذَمْتَنِي وَعَصَيْتُكَ أَبَرَجِي ذُنُو

وَعِزَّتِكَ لَعَقَمْتَنِي فِي غَضَبِكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِي

الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ وَلَيْسَ هَذَا جَزَاؤُكَ مِنِّي

هزار بار میگفت العفو العفو پس سجدهٔ ای

راست را بر زمین و سه بار باواز حزین میگفت

بُؤْتُ إِلَيْكَ بِذَنْبِي عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ

لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ غَيْرُكَ مَوْلَايَ

جانب روی چپ را بر زمین می‌نهاد و سه بار میگفت

ارْحَمْ مَنْ أَسَاءَ وَاقْتَرَفَ وَاسْتَكَانَ وَاعْتَرَفَ

از سجده سر برداری بگو اللهم لك الحمد

كَمَا خَلَقْتَنِي وَلَمْ أَكُ شَيْئًا مَذْكُورًا رَبِّ أَعِنِّي

عَلَى أَهْوَالِ بَوَائِقِ الدَّهْرِ وَنَكَبَاتِ

الزَّمَانِ وَمُصِيبَاتِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ وَاكْفِنِي

شر ما يعمل الظالمون في الارض و في سفري فا
صحبني و في اهلي فاخلفني و فيما رزقتني
فبارك لي و في نفسي لك فذللني و في
اعين الناس فعظمني و اليك فحببني و
بذنوبي فلا تفضحني و بعملي فلا تبسلني
و بسريرتي فلا تخزني و من شر الجن و الا نس
فسلمني و لمحاسن الاخلاق فوفقني و من
مساوي الاخلاق فجنبني الى من تكلني
يا رب المستضعفين و انت ربي الى عدو
ملكته امري ام الى بعيد فيتجهمني فان
لم تكن غضبت علي يا رب فلا ابالي
غير ان عافيتك اوسع لي احب الي اعوذ
بنور وجهك الذي اشرقت به السموات

وَالأَرْضِ وَكُشِفَتْ بِهِ الظُّلْمَةُ مُحَلَّلٌ عَلَيْهِ
أَمْرُ الأَوَّلِينَ وَ الآخِرِينَ أَنْ يَحِلَّ عَلَى غَضَبِ
وَ يَنْزِلَ بِي سَخَطُكَ لَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى
وَ بَعْدَ الرِّضَى وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ
باب دوم در بیان آنکه از طلوع آفتاب تا
وقت ظهر باید بجای آورد قبل از این مذکور شد که
هر ساعتی از دوازده ساعت روز متعلق است بیکی
از ائمه معصومین علیهم السلم و ساعت اول از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلم و دعای آن این است اللّٰهُمَّ يَا خَالِقَ
السَّمٰوَاتِ وَ الأَرْضِ وَ مَالِكَ الْبَسْطِ وَالْقَبْضِ
وَ مُدَبِّرَ الإِبْرَامِ وَ النَّقْضِ وَ مَنْ لَا يُخَيِّبُ
الْمُضْطَرِّينَ يَا غَفَّارُ يَا كَاشِفَ السُّوءِ
يَا جَبَّارُ يَا وَاحِدُ يَا قَهَّارُ يَا عَزِيزُ يَا

يا غفار لجابن لا تدركه الابصار وهو
يدرك الابصار يا من لا يمسك خشية
الانفاق ولا يقتر خوف الاملاق يا كريم
يا رزاق يا مبتدئا بالنعم قبل الاستحقاق
يا من يلقى الروح من امره على من يشاء
من عباده لينذر يوم التلاق كثرت
نعمك علي وصغر في جنبها شكري
ودام غناك عني وعظم اليك فقري
اسئلك يا عالم سري وجهري يا من لا
يقدر سواه على كشف ضري ان تصلي على
محمد رسولك المختار وحجتك على الابرار
والفجار وعلى اهل بيته [illegible] الاخيار
وانوء اليك بالاثرع البطين عليا والا

يمسك

الزكي المقتول سمّاً فقد استشفعت بهم اليك
وقدمتهم امامي وبين يدي حوائجي
ان تزيدني من لدنك علماً وهب لي
حكماً وتجبر كسري وتشرح بالتقوى صدري
وترحمني اذا الدنيا اثري وتذكرني
اذا نسي ذكري رحمتك يا ارحم الراحمين
وساعت ششم از وقت بر طرف شدن سرخی آفتاب
شد شدن روز از حضرت امام حسین علیه السلام است
اللهم رب الارباب ومسبب الاسباب
ومالك الرقاب مسخر السحاب ومسهل
الصعاب يا حليم يا تواب يا كريم يا وهاب
يا مفتح الابواب يا من حيث ما دعي
اجاب يا من ليس له حاجب ولا بواب

انقطع من

يَا مَنْ لَيْسَ لِخَزَائِنِهِ قُفْلٌ وَلَا بَابٌ يَا مَنْ
لَا يُرْخَى سِتْرٌ وَلَا يُضْرَبُ دُونَهُ حِجَابٌ
يَا مَنْ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ يَا غَافِرَ
الذَّنْبِ وَقَابِلَ التَّوْبِ شَدِيدَ الْعِقَابِ
اللَّهُمَّ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْ فَضْلِكَ وَ
خَابَ الْأَمَلُ إِلَّا مِنْ كَرَمِكَ فَأَسْأَلُكَ
بِمُحَمَّدٍ رَسُولِكَ وَبِعَلِيِّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَّى
عَلَيْهِ صَفِيِّكَ وَبِالْحُسَيْنِ الْإِمَامِ التَّقِيِّ
الَّذِي اشْتَرَى نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ
وَجَاهَدَ النَّاكِثِينَ عَنْ صِرَاطِ طَاعَتِكَ
فَقَتَلُوهُ سَاغِبًا ظَمْآنًا وَ ... كُمُ الْحُرْمَتِهِ
نَفْيًا وَعُدْوَانًا وَحَمَلُوا رَأْسَهُ فِي الْآفَاقِ

عَلَيْهِ

وَاحْلُلْ دار المُقامة مَحَلَّ اَهْلِ الفِناءِ السِّنَاتِ

اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَجُدْ

عَلَىَّ اِذْ لَا نَجِيَ عَلَيْهِ مُخْزِيَاتِ لَعْنِكَ وَ

وَانْتِقَامِكَ وَمُرْدِيَاتِ سَخَطَاتِ وَنَكَالِ

اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ

بِهِمْ اِلَيْكَ وَاُقَدِّمُهُمْ اَمَامِي وَبَيْنَ

يَدَيْ حَوَائِجِي اَنْ لَا تَقْطَعَ رَجَائِي مِنْ

اِمْتِنَانِكَ وَلَا تُخَيِّبَ تَامِيلِي فِي اِحْسَانِكَ

وَنَوَالِكَ وَلَا تَهْتِكَ السِّتْرَ الْمَسْدُولَ

عَلَىَّ مِنْ جِهَتِكَ وَلَا تَغَيِّرَ عَنِّي عَوَائِدَ

طَوْلِكَ وَنِعْمَتِكَ وَ ... مِمَّا يُقَرِّبُنِي

اِلَيْكَ وَاصْرِفْ ... عَنِّي عَنْكَ

وَاَعْطِنِي مِنَ الْخَيْرِ اَفْضَلَ مِمَّا اَرْجُو وَاُكْثِرُ

وَافضالك

مِنْ شَرِّ مَا اَخَافُ وَاَحْذَرُ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ مستحب است از چاشت تا زوال ار جمعه
امام زین العابدین علیه السلام است و دعا اینست
اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمَلِكُ الْمَلِيكُ الْمَالِكُ وَكُلُّ
شَيْءٍ سِوَى وَجْهِكَ الْكَرِيمِ هَالِكٌ سَخَّرْتَ
بِقُدْرَتِكَ النُّجُومَ السَّوَالِكَ وَاَمْطَرْتَ
بِقُدْرَتِكَ الْغُيُومَ السَّوَافِكَ وَعَلِمْتَ
مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ
فِي الظُّلُمَاتِ الْحَوَالِكِ يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ يَا رَبُّ
يَا شَكُورُ يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ يَا مَنْ يَعْلَمُ
خَائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ يَا
مَنْ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْاُولَى وَالْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ
الْخَبِيرُ اَسْئَلُكَ سُؤَالَ الْبَائِسِ الْحَسِيرِ وَاَتَضَرَّعُ

اِلَيْكَ تَضَرُّعَ الضَّالِعِ الْكَسِيرِ اَتَوَكَّلُ عَلَ
تَوَكُّلَ الْخَاشِعِ الْمُسْتَجِيرِ وَاَقِفُ بِبَابِكَ
وُقُوفَ الْمُؤَمِّلِ الْفَقِيرِ وَاَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِالْبَ
الشَّذِيرِ وَالسِّرَاجِ الْمُنِيرِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ
وَابْنِ عَمِّهِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِالْ... بْنِ
الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَاِمَامِ الْمُتَّقِينَ
الْمُخْفِي لِلصَّدَقَاتِ وَالْخَاشِعِ فِي الصَّلَوَاتِ وَ
الدَّائِبِ الْمُجْتَهِدِ فِي الْمِحْرَابِ ... لِجِ
ذِي الثَّفِنَاتِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَ
فَقَدْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ اِلَيْكَ وَقَدَّمْتُهُمْ
اَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي وَاَنْ تُعْفِيَ
مِنْ مُهَاجَرَةِ مَعَاصِيكَ وَتُرْشِدَنِي اِلَى
مَوَاقِفِ مَا يُرْضِيكَ وَتَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُوْ

ك وَيَتَعَبَّدُكَ وَيَخافُكَ وَيَرْجُوكَ وَ
يُراقِبُكَ وَيُحِبُّكَ وَيَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ
بِمُعاداةِ مَنْ يُعادِيكَ وَيَعْتَرِفُ لَدَيْكَ
بِعَظِيمِ نِعَمِكَ وَآلائِكَ بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ
الرّاحِمِينَ تمت نسخه این دعا خط فلبطاوار
آنکه درین کتاب معتمد علیه است از دارم ظله است
فصل در بیان آنکه در اوایل روز بجا آرند سنت
که در اول روز تصدق کند بهرچه میسر باشد اگرچه
اندک باشد کلینی که حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام فرموده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله فرموده
بَكِّرُوا بِالصَّدَقَةِ فَإِنَّ البَلاءَ لا يَتَخَطّاها یعنی در
وقت بکره که ابتدای روز است تصدق کنید که بلا از آن
تجاوز نکند یعنی باقی روز از بلا سالم باشید

دوم از آنها آنکه از آنحضرت صلی الله علیه و آله که فرمود

وقت است تصدق کنید و در آنوقت رغبت کنید

پس هیچ مؤمنی نباشد که تصدق کند بصدقه که

بآن ثوابی را که نزد خدای تعالی است تا دفع کند

بآن صدقه شرها که نازل میشود از آسمان بر

در آن روز مگر که نگاه دارد خدای تعالی او را از شر

نازل شود در آن روز و از آنها در اوایل روز مالیدن

گلاب است در حدیث است از اصحاب عصمت سلام

که کسی مسح کند روی خود را بگلاب نرسد باو در آن

روز بلایی و فقری و باید که مسح کند رو و دستها را

و صلوات بفرستد بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و چون از آنکه

اوایل روز در جمعه آرند در اغلب بستن عمامه و پوشیدن

رخت و موزه و نعلین است پس بعضی از آداب و دعاها

آنا

آنها که ذکر نهاده ایم اما لبستن عمامه یعنی دستار
بر سر پیچیدن در حدیث آمده که نزد آن باید گفت
اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِی بِسِیمَاءِ الْاِیمَانِ وَتَوِّجْنِی
بِتَاجِ الْکَرَامَةِ وَ قَلِّدْنِی بِحَبْلِ الْاِسْلَامِ
وَلَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْاِیمَانِ مِنْ عُنُقِی
و باید که گوشه عمامه نپیچد و چون عمامه پیچد لهان
تحت الحنک بندد زیرا که سنت موکد است
روایت کرده شیخ طوسی رحمه الله در تهذیب که حضرت
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود هر کسی که عمامه بندد و عمامه را
زیر حنک خود نگرداند پس رسد باو دردی که او را دوا
نباشد پس ملامت نکند مگر نفس خود را و روایت کرده
رئیس المحدثین در فقیه که حضرت جعفر صادق علیه السلام
فرمود هر آینه من تعجب می کنم از کسی که بحاجتی رود

واو با وضو باشد چون برنیاید حاجت او و بدین سبب

کرّس تعجب میکنم از کسی که بحاجتی برود او عمامه از زیر

حنک گردانیده باشد چون برنیاید حاجت او

و احادیث در ترغیب تحت الحنک داشتن بسیار است

و اجماع علمای معتقد است بر آن و عجب از بعضی علما

که ایشان انکار میکنند با آنکه در کتابهای خود روایت

کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی کرده از اقتعاط

و امر کرده بتلحّی و صاحب صحاح گفته که اقتعاط

بستن عمامه بر سر بی تحت الحنک و این حدیث را نقل

کرده است و تلحی گردانیدن عمامه است بزیر لحیین یعنی

دو استخوانی که لحیه در آنجاست [illegible] سنت بودن تحت الحنک

عام است جمیع [illegible] حالات و مخصوص نیست بحال نماز

اگر چه در نماز افضل است و این سنت است [illegible] بعد از نماز

گذارد

گذارد دو خوزه نگذارد و من در روایات کتب اصول
نیافتم چیزی که دلالت کند بر مخصوص بودن آن بحال
نماز بلکه عام است و باین تصریح کرده علامه در منتهی المطلب
و بعد از آنکه احادیث کثیر الفاظ را ذکر کرده فرموده که ظاهر
میشود از این احادیث آنست مطلقا در حال نماز و غیر آن
پس چون در حال نماز تحنک کند باید که قصد کند که آن سنت است
علیحده بر خلاف آنکه سنت است لغیره آداب رخت
پوشیدن باید که قبا را کوتاه کند در تفسیر آیه کریمه و ثیابک
فطهر نقل شده که بمعنای قصر است یعنی رختهای خود را
کوتاه کن و باید که آستین دراز تر از سر دست نباشد
و همیشه رخت زینت خود را بپوشند و رخت شهرت هم نپوشند
و در وقت نماز سفید بپوشد امام جعفر صادق علیه السلم
روایت است که مکروه است سیاه مگر در سه چیز موزه و عمامه

و کساء اما دعا نزد پوشیدن قبا از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که گوید اللّهمّ اجعله ثوب یمنٍ و برکةٍ اللّهمّ ارزقنی فیه شکر نعمتک و حسن عبادتک و العمل بطاعتک الحمد للّه الّذی رزقنی ما أستر به عورتی و أتجمّل به فی النّاس و رحمت

امام محمد باقر علیه السلام مرویست که چون قبای نو پوشد بگوید اللّهمّ اجعله ثوب یمنٍ و تقوی و برکةٍ اللّهمّ ارزقنی فیه حسن عبادتک و عملاً بطاعتک و اداء شکر نعمتک الحمد للّه الّذی کسانی ما أواری به عورتی و أتجمّل به فی النّاس و مستحبست که نزد پوشیدن جامه بگوید اللّهمّ استر عورتی و آمن روعتی و اعففنی حتّی لا اجعل للشّیطان فی ذلک نصیباً و لا له الی ذلک وصولاً فیصنع لی المکاید و یهیّجنی

لا یزنی

لارتکاب محارمك و باید که رو بقبله بوشد و اما
موزه و نعلین و کفش باید که نشسته بوشد و پای راست را
بیش از چپ و در وقت بیرون کردن ایستاده و پای چپ را
بیش از راست و این دعا هم وقت پوشیدن هر یک بخواند
بسم الله وبالله اللهم صل على محمد وآل محمد
ووطئ قدمي في الدنيا والآخرة وثبتهما على
الصراط يوم تزل فيه الاقدام و این دعا وقت
بیرون کردن بخواند بسم الله والحمد لله الذي رزقني
ما اوقي به قدمي من الاذى اللهم ثبتهما
على صراطك ولا تزلهما عن صراطك السوي
سنت و روایت از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که امید پوشیدن
موزه سرخ در حضر و اول سفر و در [illegible] که آنحضرت فرمود
راست پوشیدن موزه سیاه و کفش زرد و مکروه داشته

وکسی که دعا نزد پوشیدن قبا از حضرت امام جعفر علیه السلام
مرویست که بگوید اللهم اجعله ثوب یمن وبرکة
اللهم ارزقنی فیه شکر نعمتک وحسن عبادتک
والعمل بطاعتک والحمد لله الذی رزقنی ما
استر به عورتی واتجمل به فی الناس
امام محمد باقر علیه السلام مرویست که چون قبای نو پوشد بگوید اللهم
اجعله ثوب یمن وتقوی وبرکة اللهم ارزقنی
فیه حسن عبادتک وعملا بطاعتک واداء
شکر نعمتک الحمد لله الذی کسانی ما اواری
به عورتی واتجمل به فی الناس و اگر زره پوشد
در جامه بگوید اللهم استر عورتی وامن روعتی
واعفنی حتی لا یجعل للشیطان فی ذلک نصیبا
ولا له الی ذلک وصولا فیصنع لی المکاید ویهیجنی

لارتکابِ محارمِکَ و باید که رو بقبله پوشد و اما
موزه و نعلین و کفش باید که نشسته پوشد و پای راست
پیش از چپ و در وقت بیرون کردن ابتدا و پای چپ را
پیش از راست و ادعیه جهت پوشیدن هر یک گوید
بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَوَطِّئْ قَدَمَیَّ فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ وَثَبِّتْهُمَا عَلَی
الصِّرَاطِ یَوْمَ تَزِلُّ فِیهِ الْاَقْدَامُ و در وقت
بیرون کردن گوید بِسْمِ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی رَزَقَنِی
مَا اُوَقِّی بِهِ قَدَمَیَّ مِنَ الْاَذیٰ اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْهُمَا
عَلیٰ صِرَاطِکَ وَلَا تُزِلَّهُمَا عَنْ صِرَاطِکَ السَّوِیِّ
روایت است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم که اهل پوشیدن
موزه سرخ در حضر و در سفر زرد ... که از حضرت فرموده
است پوشیدن موزه سیاه و کفش زرد دکر و ... داشته

آنحضرت پوشیدن کفش سیاه را و از آنحضرت علیه السلام روایت است

که بپوشد کفش زرد کهنه نکند آن را تا بهم رساند مالی

و از آنحضرت است که کسی بپوشد کفش زرد در وقتی که آن

تا آنکه کهنه کند آن را فصل آداب چون عادت جاریست که مابین الطلوع

تا زوال اکل و شرب واقع شود پس بعضی از آداب تناول

که از حضرات ائمه معصومین علیهم السلام منقول است مذکور میسازیم

پس چون خواهی که چیزی بخوری بنشین بر جانب چپ موضع

مثل نشستن که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که

آن نشستن و صاحبش را دشمن میدارد و چون دست دراز

کنی برای چیزی خوردن بگو بسم الله والحمد لله رب العالمین

روایت از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که هر کسی که

هر گاه خواهد که چیزی بخورد پس دست دراز کند و بگوید بسم الله

والحمد لله رب العالمین بیامرزد خدای تعالی او را پیش از آنکه

لقمه در دهن او شود و روایت شد، که سنت است بسم الله
گفتن بر هر رنگی و هم روا است، و درست بود ان هر گفتن
بسم الله بر خوردن هر طعامی که در سفره باشد اگرچه هم رنگ
باشد و کسی که فراموش کرده باشد بسم الله بر هر رنگی و بجاش
آنچه باید که بگوید بسم الله علی اوله و آخره و بدانکه وقت
شروع در خوردن بگوید الحمد لله الذی یُطعِم ولا
یُطعَم ویُجیر ولا یُجار علیه ویستغنی ویُفتقر
الیه اللهم لک الحمد علی ما رزقنا من طعام
وادام فی یسر وعافیة من غیر کدٍّ منّا ولا
مشقة بسم الله خیر الاسماء بسم الله رب
الارض والسماء بسم الله الذی لا یضر مع اسمه
شیء فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم
اللهم اسعدنی فی مطعمی هذا بخیره واعنّی

مِنْ شَرِّهِ وَاَشْبِعْنِي بِنَفْعِهِ وَسَلِّمْنِي مِنْ ضَرِّهِ

وباید که هر روز پیش از چیزی خوردن بیست یک مویز
سرخ [illegible] روایت است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده
که هر که خورد هر روز ناشتا بیست و یکمویز سرخ علته ادیرا
هم زسد مگر علت موت و هر دو دست را بشوید پیش از
طعام و بعد از طعام اگرچه یکی خورده باشی [illegible]
رئیس المحدثین در فقیه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده
کسی که بخواهد بشوید دستش را پیش از طعام و بعد از طعام
باشد معیشت زندگی او در فراخی و عافیت یابد از بلا
در جسدش روایت است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که زیاده میکند
عمر را و جلا میدهد چشم را و باید که در شستن اول صاحب طعام
اول دست بشوید بعد از او کسی که بر جانب راست اوست و در
شستن بعد از طعام صاحب طعام آخر بشوید و اول کسی که بر جانب

چپ اوست و در بعضی روایات آن است که اول کسی که صاحب
راست در خانه است بشوید در شستن دوم که او از آد باشد
دهوان بنده و بعد از شستن اول دست را خشک نکند و بعد از
دوم خشک کند بعد از آنکه دست بر چشم مالیده باشد
و اگر از طعام بر دست باشد اول بگیرد و در اثنای خوردن اگر
حلال کند و صاحب طعام پیش از دیگران شروع کند در خوردن
و بعد از همه دست بکشد و مکروه است به دست چپ چیزی خوردن
و همچنین آشامیدن و همچنین به دو انگشت خوردن چون
نان حاضر شود انتظار چیزی دیگر نکشد و نان را زیر کاسه نگذارد
و پاره نکند بکارد و ابتدا کند به نمک و ختم بآن و ختم
بسر که هم روایتی وارد است و سنت است طعام ساختن
سبزی بر سفره و یکروز در دو بار گوشت نخورد و هر سه روز
یکبار بخورد و مکروه است ترک گوشت چهل روز و خوردن آن را

بسیار خالی و پاک نکنند چرا که گوشتی در آن بگذارد از

از روایتست که جن را در آن نصیبیست و اگر کسی

پاک کند از خانهٔ او می‌رود چیزی که بهتر از آن گوشت باشد

که پاک کرده باشد که چه خلاف طعام بر سفره بنشیند روایت

کرده کلینی بطریق حسن از زراره که گفت شنیدم که

گفت شنیدم که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرمودند

چیزهاست که هرگاه مرد یاد گرفت آنها را باعث زیادتی

عمر اوست و باقی بودن نعمت بر او پس گفتم که آنها چیست فرمود

که طول دادن او در رکوع و سجودش را و طول دادن نشستن

بر سفره بر طعامش اگر طعام دهد و نیکویی کردن او با اهلش

دعا بعد از فارغ شدن از طعام خوردن آنکه روایت شده

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی

أَطْعَمَنَا فِی جَائِعِینَ وَ سَقَانَا فِی ظَامِئِینَ وَ کَسَانَا

فی عالمین و هدانا فی ضالّین و حملنا فی راجلین

و آوانا فی ضاحین و اخدمنا فی عانین

و فضّلنا علی کثیرٍ من العالمین تمّت

که بعد از طعام چنانکه در این زمان مشهور است در کتب

حدیث راه ضبط نشده ایم و باید که حاضران همه در یک طشت

دست بشویند و آب طشت را نریزند تا پر شود که سنت است

خلال کردن و در مطلب خلال شاخ خرما و نی و چوب ریحان

و مورد و انار و باید انداخت آنچه بخلال از میان

دندانها بیرون آورد و باک نیست بخوردن آنچه بزبان

بیرون آورد و باید که خوردنش تو چیزی باشد که عیال

ترا بآن میل باشد نه آنکه ترا میل باشد پس و ایضاً از

کلینی که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حضرت

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که المؤمن یأکل بشهوة

أنْهَد يعنى متوسّع ميكردد اگر اهل فرج باشد وليكن حق النفس

باكل اهله ترشه يعنى متساقط ميكردد اهل فرج ميگردد

اگر بسيل ميكند اما آداب خوردن آب اگر بگو

زدان الحمد لله منزل الماء من السماء

ومصرّف الأمر كيف يشاء نسيم استخير

وبعد از آب خوردن بگويد الحمد لله الذى سقانا

ماءً عذبا ولم يجعله ملحا اجاجا بذنوبنا

الحمد لله الذى سقانى فأروانى وأعطانى

فأرضانى وعافانى وكفانى اللهم اجعلنى ممن تسقيه

فى المعاد من حوض محمد صلى الله عليه وآله

وتسعده بمرافقته برحمتك يا ارحم الراحمين

[illegible] آشاميدن آب كم كم بكشد نه به يكبار سر كشيدن

روايتست از پيغمبر صلى الله عليه وآله كه يكبار سر كشيدن آب

سورت کبا داشت یعنی مرض جگر باید که آب بنفس خوری
و بهر دو دست برداری و حمد خدای تعالی گویی بعد از
هر نفسی و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سوال کرده شد
از آشامیدن آب بیکنفس پس آنحضرت علیه السلام فرمود که
اگر آب شود به از مملوک است پس خور بنفس و اگر از آن داشت
خور بیکنفس و [illegible] که کسی آب خورد و پس دور کند آب را
و صال آنکه میل بآن داشته باشد و حمد خدای تعالی کند چون
سه بار چنین کند واجب شود برای او جنت و باید که
از پیش دسته آب نخورد و از جای شکسته و آب بسیار نخورد
[illegible] که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که بپرهیز از
بسیار خوردن آب زیرا که آن ماده هر درد است
هر کسی که آب خورد و حضرت امام حسین علیه السلام را یاد کند
و لعن قاتل او کند بنویسد خدای تعالی برای او صد هزار حسنه

در طرف کند از او صد هزار سیئه و رفیع ساز درا...
صد هزار درجه و چنان باشد که آزاد کرده صد هزار
بنده باب سیم در بیان آنکه از وقت زوال آفتاب
که ظهر است تا فرود رفتن آفتاب بجای باید آورد
در آن مقدمه ایست و چند فصل مقدمه روایت کرده
در قدیمه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود هر گاه که
بزایل شد آفتاب گشوده میشود درهای آسمانها و در
بهشت و مستجاب میشود دعا فطوبی لمن رفع
له عمل صالح طوبی کسی که بالا برده شود
برای او عمل صالحی و احتمال دارد که معنی طوبی
باشد که درخت طوبی کسی راست و هم او روایت کرده که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که بتحقیق که آفتاب را از
زوال حلقه ایست که در آن داخل میشود پس هر گاه داخل شود

79

در آن زوال شمس میشود پس تسبیح میکند هر چیزی که
پایین عرش است برای حمد پروردگار من عز و جل
و آن ساعتی است که صلوات میفرستد بر من در آن ساعت
پروردگار من جل جلاله و وجب کرده بر من و بر امت من
در آن ساعت نماز را و گفته اَقِمِ الصَّلوٰةَ لِدُلُوکِ
الشَّمسِ اِلیٰ غَسَقِ اللَّیلِ و آن ساعتی است که می آرند در
جهنم را روز قیامت پس نباشد مومنی که اتفاق افتد
درین ساعت آنکه او ساجد یا راکع یا در نماز ایستاده
باشد مگر آنکه حرام کند خدای تعالی بدن او را از آتش
دوزخ **فصل اول** باید نماز را در اول وقت کردن
خواه واجبی باشد و خواه سنتی مگر آنکه استثنا شده
حدیث از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم که فضل اول وقت
بر آخر وقت همچو فضل آخرت است بر دنیا و از حضرت

امیرالمومنین علیه السلم روایت است که اول وقت رضوان
خدا است و اخرش عفو خدا است و ظاهر آن است این
فضیلت در نیت بشود بمشغول شدن در اول وقت
بمقدمات نماز چنانکه شیخ شهید فرموده و مخصوص
نیت مشغول شدن در اول وقت نماز و اما انچه
روایت شده از ائمه معصومین علیهم السلم که تعظیم
تکریم نماز نکرده کسی تاخیر کند طهارت را تا وقت نماز
داخل شود پس آنرا سند معتبری نیست و دخول اول
آن در ضمن عمل بحدیث حسنی که کلینی روایت کرده
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم که کسی که بشنود خبر
از ثواب بر عملی پس آن را بجا آرد او را اجر
آن باشد اگر چه چنان نباشد که باو رسیده دلالت
میکند بر انکه مشغول بودن بطهارت در اول وقت نماز فضیلت

از تعظیم نماز نه از در یافتن فضیلت اول وقت
ومیان این هر دو فرق است وقت انتظار
نماز روایت است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
انتظار دخول وقت می کشید و میفرمود ارحنا
یا بلال یعنی راحت ده ما را با علام دخول وقت
چنانکه میفرمود قُرَّةُ عَیْنی فی الصَّلوٰة یعنی خوشی
من در نماز است وابتداء زوال شروع سایه است در زیادتی
بعد از انکه بنهایت نقصان رسیده باشد یا بهم رسیدن
سایه بعد از بر طرف شدن زیرا که هر چند آفتاب بلند
تر میشود سایه کوتاه تر میشود تا وقتی که آفتاب بنهایت
بلندی رسد در ان روز پس سایه هم بنهایت
کوتاهی رسد تا بر طرف شود و این وقتی است که آفتاب
بدایرهٔ نصف النهار رسد و معلوم است که آفتاب در هیچ وقت

نسبت باکنان اقالیم سبعه مختلف الاوضاع است

گاه در جنوب سمت الراس بعضی اقالیم است وگاه در

شمال آن وگاه بر سمت الراس ایشان پس در قسم اول

و دویم سایه نصف النهار بر طرف نمیشود بلکه در نهایت

در نهایت کوتاهی است در جانب شمال یا جنوب و درین

دو وقت چون شروع در زیادتی کند اول وقت

زوال است و در قسم سیوم که آفتاب در نصف النهار

بر سمت الراس ایشان باشد سایه بالکلیه برطرف میشود

و بعد از آن ظاهر میگردد و اول ظهور آن وقت

زوال است و سایه شخص را پیش از زوال ظل میگویند

و بعد از زوال فی مشتق است از فاء یفی بمعنی رجع

زیرا که رجوع میکند بجانبی که پیش از آن بود و

وقت فضیلت ظهر تا آنکه فی یعنی سایه که بعد از زوال

رسیده مساوی شاخص شود و وقت فضیلت عصر تا
آنکه فی دو برابر شاخص شود و سنت است تاخیر هر یک از این
دو نماز تا آنکه از اول وقت بمقدار ادای نافله آن
نماز و کسی که نافله بکند تاخیر سنت نیست و نافله ظهر را
صلوة اوابین یعنی صالحین می نامند و وقت آن از
زوال است تا آنکه فی دو قدم شود یعنی مقدار دو سبع
شاخص شود زیرا که قامت اغلب مردم هفت قدم
است و نافله عصر را سبحه می نامند و وقت آن
فارغ شدن از نماز ظهر است تا آنکه فی چهار قدم شود
و بعضی علما را اعتقاد ممتد بودن وقت این نافلها است
با متداد وقت این نماز پس وقت نافله ظهر ممتد است
تا آنکه فی مثل شاخص شود و نافله عصر تا آنکه دو برابر
شود و این دو ربع هست و در اخبار معتبره دلالتی بر [illegible]

بلکه در بعضی روایات دلالت بر زیادتی وسعت وقت نافله
می‌باشد روایت کرده در تهذیب بسند صحیح که حضرت امام جعفر
صادق علیه السلم فرمود که نماز تطوع بمنزله هدیه است
هرگاه که بجا آورده شود مقبول است پس مقدم دار که
خواهی و موخر دار آنچه خواهی اما ظن آن است که هیچ یک
از علما عمل باطلاق این حدیث از وسعت تقدیم و
تاخیر نکرده و شاید که مراد بتقدیم ادا باشد و به تاخیر
قضا والله اعلم و مشهور میانه علما آن است که جایز
نیست اعتماد بر ظن دخول وقت مگر با عدم قدرت
بر تحصیل علم پس بنا بر این جایز نباشد اعتماد بر قول
یک عادل باشد و نه بر اذان شهر اگرچه موذن عادل
باشد مگر با عجز از علم و ظاهر کلام محقق در معتبر جواز اعتماد
بر اذان یک عادل است آنا اما خبر دادن دو عادل بدخول

وقت

وقت یا اذان ایشان پس ظاهر و از اعتمادات آن
اگرچه قدرت داشته باشد بر علم بآن زیرا که علم شرعی
بآن حاصل است و کسی که اهتمام با قامت فضیلت اول
وقت و بجای آوردن سنتها داشته باشد باید که
در خانه خود یا پشت بام خود چوبی راست را بر زمین
فرو برد و اگر دور آن را بهشت قسم کرده باشد پس هرگاه سایه
بنهایت نقصان رسد یا شروع کند در خواندن سنت زوال
پس شروع کند در نافله زوال اگر موفق باشد
بسعادت سنتی کردن یا شروع کند در نماز ظهر در اول وقت
اگر محروم باشد از آن سعادت و باید که ملاحظه
نماید پس چون بقدر دو سبع شاخص یا مثل شاخص شود
وقت نافله ظهر بیرون میرود و پس اگر نافله ظهر گفته
تمام نکرده باشد نافله را ترک کند و مشغول گردد بنماز

واجبی واگر از نافله یک رکعت تمام کرده باشد و این لغایة
شدن از ذکر سجدهٔ دویم رکعت اول متحقق میشود
چه اگر سر از سجده برنداشته نیز نافله را تمام کند
و بعد از آن مشغول شود بفرض و اظهر آن است که
در صورت شش رکعت دیگر هم اداست زیرا که این
رکعت در حکم یکنماز است بعد ازان نماز ظهر بگذارد و
نماز ظهر ملاحظه فی تمامه اگر چهار سبع شاخص یا دو
شاخص نشده باشد شروع کند در نافله عصر و اگر
شده باشد و وقت نافله بیرون رفته حکم این
هم مثل نافله ظهر است در اتمام و ترک اما در روز جمعه
زیاده کند بر هشت رکعت نافله ظهر هشت رکعت
نافله عصر چهار رکعت که مجموع بیست رکعت باشد
همه نافله جمعه است شش رکعت در وقتی بگذارد که شعاع

افتاب

آفتاب پهن شود و شش رکعت وقتی که راست بایستد

و دو رکعت بعد از زوال **فصل دویم** چون زوال

متحقق شود بگو آنچه رئیس المحدثین در فقیه روایت

کرده است که امام محمد باقر علیه السلم تعلیم کرده محمد بن مسلم را

و با او گفت که محافظت و مداومت کن بر این چنانکه

محافظت میکنی چشمهای خود را سُبْحَانَ اللهِ

وَلَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِیْ لَمْ یَتَّخِذْ

وَلَدًا وَ لَمْ یَكُنْ لَهُ شَرِیْكٌ فِی الْمُلْكِ وَ لَمْ

یَكُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِیْرًا

بعد از ان وضو سازد و شروع در نافله زوال

پس نیت کن که دو رکعت نافله زوال میگذارم

سنت قربة الی الله و تکبیرة الاحرام بگو و دو تکبیر و دعای

اللهم انت الملک الحق را تا آخر بگو بعد از ان

دو تکبیر دیگر بگو و دعای لبیک و سعدیک را تا آخر کمال
بعد از آن آهسته بگو اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
بعد از آن الحمد و قل یا ایها الکافرون
بخوان و در رکعت دوم بعد از الحمد قل هو الله احد
چنانکه کلینی روایت کرده بسند حسن و بعد از سلام
سه تکبیر بگو و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلم بخوان بعد از آن
بگو اَللّٰهُمَّ اِنّی ضَعیفٌ فَقَوِّ فی رِضاکَ ضَعْفی
وَخُذْ اِلَی الْخَیْرِ بِناصِیَتی وَاجْعَلِ الْاِیمانَ
مُنْتَهی رِضائی وَبارِکْ لی فیما قَسَمْتَ لی
وَبَلِّغْنی بِرَحْمَتِکَ کُلَّ الَّذی اَرْجُو مِنْکَ
وَاجْعَلْ لی وُدّاً وَسُرُوراً لِلْمُؤْمِنینَ وَعَهْداً
عِنْدَکَ پس بعد از آن دو رکعت دیگر بکند اما در اول
آن یک تکبیر افتتاح بگو و پس در رکعت بعد از آن الحمد

اگر اند و همچنین تا شش رکعت بگذاری بعد از آن
اذان از برای نماز ظهر بگو و دو رکعت نافله بگو بعد از آن
اقامت بگو و بعد از اقامت این دعا بگو اول
اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلوٰةِ
الْقَائِمَةِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الدَّرَجَةَ
وَالْوَسِيلَةَ وَالْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ بِاللّٰهِ
اَسْتَفْتِحُ وَبِاللّٰهِ اَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
اَتَوَجَّهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ
الْمُقَرَّبِينَ بعد از آن مشغول شود بنماز ظهر باید
که در نماز ظهر چون گوید بسم الله الرحمن الرحيم را
بلند بگو و باقی را آهسته بگو اول و در رکعت اول بعد از
الحمد سوره سبح اسم ربک الاعلی بگو اول یا سوره والشمس

بَلِّغْ

وَاجْعَلْنِي بِهِمْ

یا سوره که بمقدار اینها باشد چنانکه در تهذیب روایت شده
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بسند صحیح و در
دو رکعت آخر سوره الحمد تنها یا سه مرتبه بگو سُبحانَ
اللهِ والحمدُ لِلّه ولا اله الّا الله والله اکبر استغفر الله
بعد از آن تکبیر رکوع بگو دستها را بردار و تشهد
و چهار رکعت تمام کن چنانکه گذشت و بعد از سلام سه
الله اکبر بگو بعد از آن بخوان لا اِلهَ اِلّا الله
اِلهًا واحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ مُسْلِمُونَ
تا آخر چنانکه در تعقیب صبح مذکور شد بعد از آن
تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بگو و هر دعای که خواهی
از اینها بخوان که در تعقیب صبح مذکور شد سوای آنکه
مخصوص است بصبح مثل آنکه متضمن صبح است و دعای
آخر بعد از آن بگو یا مَنْ اَظْهَرَ الجَمیلَ وَسَتَرَ

القبیح

الفبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة و لم
يهتك الستر يا كريم الصفح يا عظيم المن
يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا با
سط اليدين بالرحمة يا سامع كل نجوى
و يا منتهى كل شكوى يا مبتدئا بالنعم
قبل استحقاقها يا رباه يا رباه يا رباه
يا سيداه يا سيداه يا سيداه يا غاثه
رغبتاه يا ذا الجلال و الاكرام اسئلك
بحق محمد و علي و فاطمة و الحسن و الحسين
و علي و محمد و جعفر و موسى و علي و محمد و علي و الحسن و محمد صاحب
الزمان سلام الله عليهم اجمعين ان تصلي
على محمد و آل محمد و ان تكشف كربي و تغفر ذنبي
و تنفس همي و تفرج غمي و تصلح شاني في ديني

وَدُنْيَايَ وَاَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ وَلَا تَشُوهْ
خَلْقِي بِالنَّارِ وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا اَنَا اَهْلُهُ
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ عشر ثمان مرة يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ
وَيَا جَامِعَ كُلِّ فَوْتٍ يَا بَارِئَ النُّفُوسِ
بَعْدَ الْمَوْتِ يَا بَاعِثُ يَا وَارِثُ يَا اِلٰهَ
الْاٰلِهَةِ يَا جَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ يَا مَالِكَ الدُّنْيَا
وَالْاٰخِرَةِ يَا رَبَّ الْاَرْبَابِ يَا مَلِكَ الْمُلُوكِ
يَا بَطَّاشُ ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ يَا مُبْدِئُ
يَا مُعِيدُ يَا فَعَّالًا لِمَا يُرِيدُ يَا مُحْصِيَ عَدَدِ
الْاَنْفَاسِ وَنَقْلِ الْاَقْدَامِ يَا مَنِ السِّرُّ عِنْدَهُ
عَلَانِيَةٌ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ
وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي اَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَى نَفْسِكَ اَنْ
تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ وَاَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ

على
الساعة بفكاك رقبتي من النار وان تجز
لوليك وابن نبيك الداعي اليك باذنك
وامينك في ارضك وعينك في عبادك و
حجتك على خلقك عليه صلواتك وبركاتك
اللهم ايده بنصرك وقو اصحابه وصبرهم
واجعل لهم من لدنك سلطانا نصيرا وعجل
فرجهم ومكنه من اعدائك واعداء
رسولك يا ارحم الراحمين اللهم رب السموات
السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما
بينهن وما تحتهن وهو رب العرش العظيم
ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل ورب
السبع المثاني والقرآن العظيم ورب محمد
خاتم النبيين صلى الله على محمد وآله واسألك

بِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الَّذِی بِهٖ تَقُوْمُ السَّمٰوٰتُ وَالْاَ
وَ بِهٖ تُحْیِی الْمَوْتٰی وَتَرْزُقُ الْاَحْیَاءَ وَتُفَرِّقُ بَیْنَ
الْمُجْتَمِعِ وَتَجْمَعُ بَیْنَ الْمُتَفَرِّقِ وَبِهٖ اَحْصَیْتَ
عَدَدَ الْاٰجَالِ وَوَزْنَ الْجِبَالِ وَکَیْلَ الْبِحَا
اَسْئَلُكَ یَا مَنْ هُوَ کَذٰلِكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ
وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَکَذَا

و حاجت خود طلب پس سجده شکر کن و دو انها و
بعد از انها بگو آنکه در باب اول مذکور شد فصل
و بعد از فارغ شدن از مشتغلات نماز ظهر بر خیز با
فله عصر و در اینجا هفت تکبیر سنت نیست بلکه همان تکبیر
افتتاح است زیرا که آن هفت تکبیر در نمازهای سنتیه
سنت نیست مگر در چهار نماز اول نافله زوال و اول
نافله مغرب و در وتیره و دیگر رکعت وتر و آنکه خواهی که آن

ازو

در فائده عمل از سورهائیست که از ائمه هدی علیهم السلم
ترغیب بر قرائت آنها است و اختیار کنند سوره که خواندن
باعث بیرون رفتن وقت نباشد از حضرت امام محمد باقر
علیه السلم مرویست که هر که سوره صف در نمازهای واجب و سنت
بخواند خدای تعالی او را در صف ملائکه و انبیاء مرسل برآرد
و هم از آنحضرت است که هر که مداومت کند بر خواندن سوره
ق در نمازهای واجب و سنت وسیع گرداند خدای تعالی روزی
روزی او را و عطا کند کتاب او را بدست راستش و حساب آسان کند
او را [illegible] و از آنحضرت است که بسیار تلاوت
کنید الحاقه را در نمازهای واجب و سنت زیرا که این از ایمان
خدا و رسول اوست و هرگز از خواننده سلب نشود
ایمانش تا بمیرد و بعد از قرائت از دو رکعت اول بگو اللهم
إنه لا إله إلا أنت الحي القيوم العلي العظيم

الحلیمُ الکریمُ الخالقُ الرازقُ المحیِ الممیتُ البدیعُ
البدیعُ لکَ الحمدُ و لکَ المنّ و لکَ الکرمُ
و لکَ الجودُ و لکَ الامرُ وحدکَ لاشریکَ
لکَ یا واحدُ یا احدُ یا صمدُ یا مَن
لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد
و لم یتخذ صاحبةً و لا ولداً صلّ علی محمد
و آل محمد و افعل بی که کذا و کذا پس دو رکعت
نماز دیگر بگذارد و بعد از انها بگو اللهمّ ربّ السموات
السبع تا آخر پس دو رکعت دیگر بگذارد و بعد
از انها بگو اللهمّ انی ادعوک بما دعاک
به عبدک یونس اذ ذهب مغاضباً
فظنّ ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات
ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین

فاکجن

انجبت له ونجيته من الغم فانه دعاك
وهو عبدك وسألك وهو عبدك وانا
اسئلك وانا عبدك ان تصلي على محمد وال
محمد وان تستجيب لي كما استجبت له
وادعوك بما دعاك به عبدك ايوب
اذ مسه الضر فدعاك اني مسني الضر
وانت ارحم الراحمين فاستجبت له وكشفت
ما به من ضر واتيته اهله ومثلهم
معهم انه دعاك وهو عبدك وانا
ادعوك وانا عبدك وسألك وهو
عبدك وانا اسألك وانا عبدك ان
تصلي على محمد وال محمد وان تفرج عني
كما فرجت عنه وان تستجيب لي كما استجبت له

وانا ادعوك وانا عبدك

بتّ
وادعوك بما دعاك به يوسف اذ فرّق
بينه وبين اهله واذ هو في السجن فانه
دعاك وهو عبدك وانا ادعوك وانا
عبدك وسألك وهو عبدك وانا
اسألك وانا عبدك ان تصلي على محمد
وآل محمد وان تفرج عني كما فرجت
عنه وان تستجيب لي كما استجبت له
فصل على محمد وآل محمد وافعل بي كذا
وكذا [illegible] اگر بگذارد ولیعه از آنها که پایین
الظهر الجميل بستر القبيح بسم ازان بگو را ...
مجدد فصل نهم در بیان اذان و اقامت سجده
و دعا که باید گذاشت در نماز صبح و ظهر پس مشغول
شو بنماز عصر بهمان اداب که مذکور شد و بخوان

[margin, red:] [illegible] دو رکعت احرکند

ازکوه

در رکعت اول اذا جاء نصر الله و الهیکم
التکاثر و مثل اینها چنانکه روایت کرده شیخ الطائفه
در تهذیب از امام جعفر صادق علیه السلام بسند صحیح و بعد از
فراغ از نماز عصر تعقیبات که در عقب نماز
ظهر مذکور شد بجا آورد مگر آنکه مخصوص ظهر باشد و بعد از آنها
تعقیبات که مخصوص عصر است اَسْتَغْفِرُ اللّٰه
الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمٰنُ
الرَّحِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ وَ اَسْئَلُهُ اَنْ
يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةَ عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ
فَقِيرٍ بَائِسٍ مِسْكِينٍ مُسْتَجِيرٍ لَا يَمْلِكُ
لِنَفْسِهِ ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا وَ لَا مَوْتًا وَ لَا
حَيٰوةً وَ لَا نُشُورًا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ
مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ

وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَمِنْ حَلْقٍ لَا يَشْبَعُ
وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ اَللّٰهُمَّ اَسْئَلُكَ الْيُسْرَ
بَعْدَ الْعُسْرِ الْفَرَجَ بَعْدَ الْكَرْبِ وَالرَّخَاءَ
بَعْدَ الشِّدَّةِ اَللّٰهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ
فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُكَ
وَاَتُوبُ اِلَيْكَ وسنت است هفتاد بار استغفار
بعد از نماز عصر و ده بار خواندن سوره انا انزلناه
فی لیلة القدر امام جعفر صادق علیه السلم فرمود کسی
بعد از نماز عصر هفتاد بار استغفار کند بیامرزد
خدای تعالی هفتصد گناه اورا و حضرت امام
علیه السلم فرمود کسی که انا انزلناه فی لیلة القدر
بخواند ده بار بعد از نماز عصر بگذرد آن خواندن
برمثل اعمال خلایق یعنی ثواب آن خواندن برابر

اِنّی

نوله

وات عملهای چنیک خلایق پیشه از امروز جمعه

دست جمعه شکر کند و سؤال در آنها و بعد از آنها آنچه

میسر است باید که آخر این دعا بخواند اللهم انی

وَجَّهْتُ وَجْهِی اِلَیْکَ وَاَقْبَلْتُ بِدُعَائی

عَلَیْکَ رَاجِیًا اِجَابَتَکَ طَامِعًا فی

مَغْفِرَتِکَ طَالِبًا مَا اَوَیْتَ بِهِ عَلٰی نَفْسِکَ

مُسْتَنْجِزًا وَعْدَکَ اِذْ تَقُوْلُ اُدْعُونی

اَسْتَجِبْ لَکُمْ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَاَقْبِلْ اِلَیَّ بِوَجْهِکَ وَارْحَمْنِی وَاسْتَجِبْ

دُعَائی یَا اِلٰهَ الْعَالَمِیْنَ فصل در ادای سنت

پنجم از زوال تا آن مقدار که چهار رکعت بگذارد

از حضرت امام محمد باقر علیه السلم و دعای آن

اینست و بهتر آن است که این دعا را بعد از رکعت

چهارم ناذا ... وال‌الجوانی اللّهم انت الله
الذی لا اله ... هو الحی القیوم لا تاخذه
سنة ولا نوم هو الله الذی لا اله الا
هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم
هو الاول والاخر والظاهر والباطن
وهو بکل شیء علیم فالق الاصباح وجاعل
اللیل سکنا والشمس والقمر حسبانا ذلک
تقدیر العزیز العلیم یا عالما غیر معلوم
ویا شاهدا لا یغیب یا قریب یا مجیب
ذلکم الله ربی لا اله الا هو علیه توکلت
والیه انیب اتذلل الیک تذلل الطالبین
واخضع بین یدیک خضوع الراغبین
واسئلک تضرعا سؤال الفقیر المسکین

وسیلک

وَخُفْيَةً

وَاَسْئَلُكَ تَضَرُّعاً وَخِيفَةً اِنَّا تُحِبُّ المُنْذِرِينَ

وَاَدْعُوكَ خَوْفاً وَطَمَعاً رَحْمَتُكَ قَرِيبٌ

مِنَ المُحْسِنِينَ وَاَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِخِيَرَتِكَ وَ

صَفْوَتِكَ مِنَ العَالَمِينَ اَلَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ

وَصَدَّقَ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ النَّذِيرِ

المُبِينِ وَبِوَلِيِّكَ وَعَبْدِكَ عَلِيِّ ابْنِ اَبِي طَالِبٍ

اَمِيرِ المُؤْمِنِينَ وَبِالاِمَامِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ

عُلُومِ الاَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ وَالعَالِمِ تَاْوِيلِ

الكِتَابِ المُبِينِ وَاَسْئَلُكَ بِمَا لَهُمْ عِنْدَكَ

تُقَدِّمُهُمْ اَمَامِي بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي

اَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَهَا وَتَكْفِيَنِي مِنْ نُوَائِبَ

وَتَجْعَلَ لِي فَرَجاً وَمَخْرَجاً مِنْ كُلِّ كَرْبٍ وَغَمٍّ

وَتَرْزُقَنِي مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ

وَاَدْعُوكَ وم

المُرْسَلِينَ

لا احتسب وتيسر لی من فضلك ما تغنيني
به عن كل مدالب واقذف فی قلبی رجاك
واقطع رجائی ممن سواك حتی لا ارجوا
الا اياك انك تجيب الداعی اذا دعاك
وتغيث الملهوف اذا ناداك وانت
ارحم الراحمين [illegible] از ان نماه که
ميعدا چهار رکعت نماز بکذرد از اول زوال تا
نماز ظهر از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام است
ودعا اين است اللهم انت انزلت الغيث
برحمتك وعلمت الغيب بمشيتك و
دبرت الامور بحكمتك وذللت الصعاب
بعزتك واعجزت العقول عن كيفيتك
وحجبت الابصار عن ادراك صفتك

الأوهام عن حقيقة معرفتك واضطرت
الأفهام إلى الإقرار بوحدانيتك يا من
يرحم العبرة ويقيل العثرة لك
العزة والقدرة لا يعزب عنك في
الأرض ولا في السماء مثقال ذرة أتوسل
إليك بالنبي الأمي رسولك العربي محمد
المكي المدني الهاشمي الذي أخرجتنا
به من الظلمات إلى النور وبأمير
المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام الذي
شرحت بولايته الصدور وبالإمام
جعفر بن محمد الصادق في الأخبار
المؤتمن على مكنون الأسرار صلى الله عليه
وعلى أهل بيته بالعشي والإبكار اللهم

إِنّي أَسْأَلُكَ بِهِمْ وَأَسْتَشْفِعُ بِهِمْ إِلَيْكَ
وَأُقَدِّمُهُمْ أَمَامَ حَوَائِجِي بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي
فَأَعْطِنِي الْفَرَجَ الْهَنِيَّ وَالْمَخْرَجَ الْوَحِيَّ
وَالضَّمَنَ الْقَرِيبَ وَالْأَمَانَ مِنَ الْفَزَعِ
فِي يَوْمِ الْعَصِيبِ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي مُوبِقَاتِ
الذُّنُوبِ وَتَسْتُرَ عَلَيَّ فَاضِحَاتِ
الْعُيُوبِ فَأَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْمَرْبُوبُ
وَأَنَا الطَّالِبُ وَأَنْتَ الْمَطْلُوبُ وَأَنْتَ الَّذِي
بِذِكْرِكَ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ وَأَنْتَ الَّذِي
تَقْذِفُ بِالْحَقِّ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ
يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ وَيَا خَيْرَ الْفَاضِلِينَ وَيَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ
وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ وَأَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
ساعت ختم كه از وقت ظهرست تا مقدار چهار

رکعت ناز حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
ودعای این است اللهم انت المرجو
اذا اشتد الامر وانت المدعو اذا
مس الضر ومجیب الملهوف المضطر و
المنجی من ظلمات البر والبحر ومن له
الخلق والامر والعالم بوساوس الصدور
والمطلع علی خفی السر یا غایة کل نجوی
ومنتهی کل شکوی یا من له الحمد
فی الاخرة والاولی یا من خلق الارض
والسموات العلی الرحمن علی العرش
استوی له ما فی السموات وما فی الارض وما
بینهما وما تحت الثری وان تجهر
بالقول فانه یعلم السر واخفی الله لا اله

لا خوّله الأسماء الحسنى سألتك بحقهما
النبيين خيرتك من خلقك والمؤ
تمن على أداء رسالتك وبأمير المؤمنين
علي بن أبي طالب عليه السلام الذي جعلت ولا
يته مفروضة مع ولايتك ومحبته
مقرونة برضاك ومحبتك وبالإمام الكاظم
موسى بن جعفر عليه السلام الذي سألك
أن تفرغه لعبادتك وتخليه لطاعتك
فأجبت دعوته أن تصلي على محمد وآله
صلاة تقضي بها عني واجب
حقوقهم وترضي بها في أداء فروضهم
وأتوسل إليك بهم وأستشفع بمنزلتهم
وقد قدمتهم أمامي وبين يدي حوائجي

تجبرني على جميع عوائدك وتمنحني
بل فوائدك وتأخذ لسمعي و بصري
بري وناصيتي و قلبي و عزيمتي و لبي الى
تثبتني به على هواك وتقربني من اسباب
رضاك و توجب لي نوافل فضلك و
تشد بها الي منايح طولك يا ارحم الراحمين
ساعت ششم بعد از گذشتن مقدار چهار ركعت
از نماز عصر از حضرت امام رضا عليه السلم استدعا از
اين بيت اللهم انت الكاشف للملمات والكافي
المهمات والمفرج للكربات والسامع الاصوات
والمخرج من الظلمات والمجيب للدعوات
الراحم للعبرات جبار الارض والسموات
يا ولي يا مولى يا علي يا اعلى يا كريم

يا اكرم يا من له الاسم الاعظم يا من ع
الانسان ما لم يعلم فاطر السموات والا
وهو يطعم ولا يطعم اسئلك بمحمد
من الخلق المبعوث بالحق وبامير المؤمنين
الذى اوليته فالفيته شاكرا وابتليته
فوجدته صابرا وبالامام الرضا على
بن موسى الذى اوفى بعهدك ووثق
بوعدك واعرض عن الدنيا وقد
اقبلت اليه ورغب عن زينتها وقد
رغبت فيه ان تصلى على محمد وآل
محمد فقد توسلت بهم اليك وقد
منهم امامى وبين يدى حوائجى ان
تهدينى الى سبل مرضاتك وتيسر لى

اسباب طاعتك وتوفيقني لاتباع آثار

نبوّات أوليائك وإدراك الحظوة

من معادات أعدائك ويعيننى على

اداء فروضك واستعمال سننك و

توفقني على المحبّة المؤدّية الى العتق

من عذابك والفوز برحمتك يا أرحم

الرّاحمين وساعت ۸ كه از نماز عصر است تا نيم

دو ساعت بكذرد از حضرت امام محمد جواد

عليه السلم و دعائش اين است اللّهمّ يا خالق

الانوار ومقدّر اللّيل والنّهار

يعلم ما تحمل كلّ انثى وما تغيض

الارحام وما تزداد وكلّ شيء عنده

بمقدار اذا تفاقم امر طرح عليك

وَاِذَا غُلِّقَتِ الْاَبْوَابُ قُرِعَ بَابُ فَضْلِكَ
وَاِذَا ضَاقَتِ الْحَاجَاتُ فُزِعَ اِلَى سَعَةِ طَوْ
وَاِذَا انْقَطَعَ الْاَمَلُ فِى الْخَلْقِ اِتَّصَلَ بِكَ
وَاِذَا وَقَعَ الْيَاسُ مِنَ النَّاسِ وَقَعَ الرَّجَاءُ
عَلَيْكَ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ النَّبِيِّ الْاَوَّابِ الَّذِى
اَنْزَلْتَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ وَنَصَرْتَهُ عَلَى الْاَ
حْزَابِ وَهَدَيْتَنَا اِلَى دَارِ الْمَآبِ وَبِاَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ اَبِى طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْكَرِيمِ الْفَا
الْمُتَصَدِّقِ بِخَاتَمِهِ فِى الْمِحْرَابِ وَبِالْاِمَامِ
الْفَاضِلِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِى
سُئِلَ فَوَفَّقْتَهُ لِرَدِّ الْجَوَابِ وَامْتُحِنَ
فَعَضَدْتَهُ بِالتَّوْفِيقِ وَالصَّوَابِ صَلَّى اللهُ
عَلَيْهِ وَعَلَى اَهْلِ بَيْتِهِ الْاَطْهَارِ اَنْ

تجعل

تجعلهوا الاتی لهم عصمة من النار ومحجة
الی دار القرار فقد توسلت بهم الیک
وقدمتهم امامی وبین یدی حوائجی
وان تعصمنی من التعرض لمواقف سخطک
وتوفقنی لسلوک سبیل محبتک
ومرضاتک یا ارحم الراحمین وساعت دوم
بعد از دو ساعت از وقت عصر تا پنج از روز دیگر
آفتاب از حضرت امام علی الهادی است و دعا آن این است
اللهم انت الولی الحمید الغفور الودود
المبدئ المعید ذو العرش المجید
والبطش الشدید فعال لما یرید یا من
هو اقرب الی من حبل الورید یا من
هو علی کل شیئ شهید یا من لا یتعاظمه

غُفْرَانُ الذُّنُوبِ وَ لَا يَكْبُرُ عَلَيْهِ الصَّفْحُ عَنِ الْعُيُوبِ اَسْئَلُكَ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الَّذِي تَلَاْلَاْ بِهِ عَرْشُكَ وَبِقُدْرَتِكَ الَّتِي قَدَرْتَ بِهَا عَلَى خَلْقِكَ وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي ضَعُفَتْ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي ضَعُفَ لَهَا كُلُّ قَوِيٍّ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي ذَلَّ لَهَا كُلُّ عَزِيزٍ وَبِمَشِيَّتِكَ الَّتِي ضَعُفَ فِيهَا كُلُّ كَبِيرٍ وَبِرَسُولِكَ الَّذِي رَحِمْتَ بِهِ الْعِبَادَ وَهَدَيْتَ بِهِ اِلَى سُبُلِ الرَّشَادِ وَبِاَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ اَوَّلِ مَنْ آمَنَ بِرَسُولِكَ وَصَدَّقَهُ وَالَّذِي وَفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ وَتَصَدَّقَ وَبِالْاِمَامِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي

وَبِنُورِ

بِخَفِيِّ

كُفِيتُهُ حيلةَ الاعداء وَ اَرَيْتَهُمْ عجيب
الاٰيَةِ اِذْ تَوَسَّلُوا بِهِ فِي الدُّعاءِ اَنْ
تُصَلِّيَ عَلَى محمّدٍ وَ آلِ محمّدٍ فَقَدِ اسْتَشْفَعْتُ
بِهِمْ اِلَيْكَ وَ قَدَّمْتُهُمْ اَمامي وَ بَيْنَ
يَدَيْ حَوائِجي وَ اَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ كَفائِكَ
فِي حِرْزٍ حَرِيزٍ وَمِنْ كِلاَئِكَ تَحْتَ عِزٍّ
عَزِيزٍ وَ تُوزِعَنِي شُكْرَ آلائِكَ وَمِنَنِكَ
وَ تُوَفِّقَنِي لِلاِعْتِرافِ بِآياتِكَ وَ نِعَمِكَ
يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ وساعت يازدهم پس از زوال منسوب
از حضرت امام حسن عسكری عليه السلام است ودعای آن
اين است اَللّهُمَّ اِنَّكَ مُنْزِلُ الْقُرْآنِ وَ
خالِقُ الاِنْسِ وَ الْجانِّ وَجاعِلُ الشَّمْسِ
وَ الْقَمَرِ حُسْبانٍ لِلْمُبْتَدِئِ بِالطَّوْلِ وَ الاِ

حادر صح

متناه

وَالمُبدِئُ لِلفَضْلِ وَالإِحْسَانِ وَضَامِنُ
الرِّزقِ لِجَمِيعِ الحَيَوَانِ لَكَ المَحَامِدُ وَلَمَّا
وَمِنكَ العَوَائِدُ وَالمَنَائِحُ وَإِلَيكَ
يَصعَدُ الكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالعَمَلُ الصَّالِحُ
وَأَنتَ العَالِمُ بِمَا تُخفِي الصُّدُورُ وَالجَوَارِحُ
أَسأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ
رَسُولِكَ إِلَى الكَافَّةِ وَأَمِينِكَ المَبعُوثِ
بِالرَّحمَةِ وَالرَّأفَةِ وَبِأَمِيرِ المُؤمِنِينَ
عَلِيِّ ابنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام المُفتَرَضِ طَاعَتُهُ
عَلَى القَرِيبِ وَالبَعِيدِ المُؤَيَّدِ بِنَصرِكَ
فِي كُلِّ مَوقِفٍ مَجهُودٍ وَبِالإِمَامِ الحَسَنِ
بنِ عَلِيٍّ الَّذِي طَرَحَ لِلسِّبَاعِ فَخَلَّصتَهُ
مِن مَرَابِضِهَا وَامتُحِنَ بِالدَّوَابِّ الصِّعَابِ

فَذَلَّت

ذلت له مراكبها ان تصلى على محمد
وآل محمد فقد توسلت بهم اليك
وقدمتهم امامى وبين يدى حوائجى
وان ترحمنى بالتوفيق لترك معاصيك
ما ابقيتنى وتعيننى على التمسك
بطاعتك ما احييتنى وان تختم لى
بالخيرات اذا توفيتنى وتفضل على
بالميسرة اذا حاسبتنى وتهب لى
العفو اذا كاشفتنى ولا تكلنى الى
نفسى فاضل ولا تحوجنى الى
غيرك فاذل ولا تحملنى ما لا طاقة
لى به فاضعف ولا تبتلينى بالاصبر
لى فاعجز واجرنى على جميل عوايدك
عليه
عندى

عِنْدِی وَلَا تُؤَاخِذْنِی بِسُوءِ عَمَلِی وَ
تُسَلِّطْ عَلَیَّ مَنْ لَا یَرْحَمُنِی بِرَحْمَتِكَ یَا أَرْ
الرَّاحِمِینَ وساعت دوازدهم از روز دی است
تا غروب آفتاب از حضرت امام محمد مهدی صلوات الله
علیه است و دعا این است اَللّٰهُمَّ یَا خَالِقَ
السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ وَالْمِهَادِ الْمَوْضُوعِ وَ
الْعَاصِی وَالْمُطِیعِ الَّذِی لَیْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ
وَلِیٌّ وَلَا شَفِیعٌ أَسْئَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِی
إِذَا سُمِّیَتْ عَلَی طَوَارِقِ الْعُسْرِ عَادَتْ
یُسْرًا وَإِذَا وُضِعَتْ عَلَی الْجِبَالِ كَانَتْ
هَبَاءً مَنْثُورًا وَإِذَا رُفِعَتْ إِلَی السَّمَاءِ
تَفَتَّحَتْ لَهَا الْمَغَالِقُ وَإِذَا هَبَطَتْ إِلَی ظُلُمَاتِ
الْأَرْضِ اتَّسَعَتْ لَهَا الْمَضَایِقُ وَإِذَا دُعِیَتْ

ها

بالي للموتى انتشرت من اللحود واذا نو
بها المعدومات خرجت الى الوجود واذا
ذكرت على القلوب وجلت خشوعاً واذا
زعت الاسماع فاضت العيون دموعاً
اسئلك بمحمد رسولك المؤيد بالمعجزات
المنعوت بمحكم الايات وبامير المؤمنين علي بن
ابي طالب الذي اخترته لمواخاته و
صيته واصطفيته لمصاهرته
وبصاحب الزمان عليه السلام المهدي الذي
تجمع على طاعته الاراء المتفرقة وتؤلف به
بين الاهواء المختلفة وتستخلص به حقوق
اوليائك وتنتقم به من شر اعدائك
وتملأ به الارض عدلاً واحساناً وتوسع

عَلَى الْعِبَادِ بِظُهُورِهِ فَضْلًا وَامْتِنَانًا وَنُبِ

لِلْحَقِّ اِلَى مَكَانِهِ عَزِيْزًا حَمِيْدًا وَتُرْجِعُ الَّذِي

عَلَى اَيْدِيْهِ غَضًّا جَدِيْدًا اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّ

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ فَقَدِ اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ اِلَيْكَ وَ

قَدَّمْتُهُمْ اَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي وَاَنْ

تُوْزِعَنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ فِي التَّوْفِيْقِ لِمَعْرِفَتِهِ

وَالْهِدَايَةِ اِلَى طَاعَتِهِ وَتَزِيْدَنِي قُوَّةً فِي التَّمَسُّ

بِعِصْمَتِهِ وَالْاِقْتِدَاءِ بِسُنَّتِهِ وَالْكَوْنِ فِي

زُمْرَتِهِ اِنَّكَ سَمِيْعُ الدُّعَاءِ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ

الرَّاحِمِيْنَ **باب چهارم** در بیان اکثر مسائل

رفتن آفتاب تا وقت خواب کجا باید آورد اول وقت

نماز مغرب بنا بر قول مشهور بر طرف شدن سرخی

و می کند وقت فضیلتش بر طرف شدن شفق مغرب

ادای آن می‌کند تا آنکه از نصف اول شب مقدار گذاردن
نماز شام بگذارد و قدر که ادای نماز خفتن بماند پس
اقت شام محقق شود و بار بگو آنچه روایت کرده
ابن بابویه قدس سره در فقیه بسند صحیح از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم از دعای نوح علیه السلم آنچه
روایت کرده کلینی بسند صحیح از حضرت
امام محمد باقر علیه السلم و هر دو گذشت در دعاهای وقت
طلوع فجر بعد از آن دست بر سر بگذارد و بکش
بر روی خود و ریش خود را بگیر و بگو اَحَطْتُ
عَلٰی نَفْسِی وَ اَهْلِی وَ مَالِی وَ وَلَدِی مِنْ غَائِبٍ
وَ شَاهِدٍ بِاللّٰهِ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ
الْغَیْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ الْحَیُّ الْقَیُّومُ
لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لَا نَوْمٌ تا وَ هُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ

واگر خواهی اکتفا از این هر سه دعا کن خصوصا
در وقت ترس از تنگی وقت بعد از آن باید ابتدا
بنماز مغرب زیرا که مستفاد از روایات اصحاب عصمت
سلام الله علیهم تنگی وقت مغرب است و روایات
درین بسیار است چنانکه روایت کرده کلینی قدس
سره بسند صحیح که امام جعفر صادق علیه السلم فرمودند
که جبرئیل علیه السلم آمد بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
برای هر نمازی بدو وقت غیر نماز مغرب که وقت
آن یکی است و وقت آن سقوط آفتاب است
و چنانکه روایت کرده محمد بن بابویه در مجلس
دویم امالی از ابی اسامه که گفت شنیدم از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم که می گفت کسی که تاخیر کند
نماز مغرب را تا آنکه ستارها مشتبک شوند یعنی ظاهر

شوند

شوند پس من از او بیزارم روایت کرده شیخ طوسی
قدس سره در تهذیب بسند صحیح از زریح که گفت گفتم
بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام به درستی که جمعی از
اصحاب ابی الخطاب شام میکنند بمغرب تا وقتی که
ستارها مشتبک شود یعنی ظاهر گردد پس آنحضرت
فرمود که من بری ام بخدا از کسی که این کار کند
عمدا و چنانکه روایت کرده‌ایم در تهذیب بسند صحیح
که فرمود به درستی که جبرئیل علیه السلام امر کرده حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله را بهمه نمازها پس گردانید از برای
هر یک از آن دو وقت مگر مغرب که به درستی که گردانید
برای آن یک وقت و بتحقیق که وارد شده در روایات
معتبره بزوال رفتن وقت مغرب به بر طرف شدن
شفق و عمل کرده باین جمعی از علماء ما و گردانیده اند میان

مغرب و برطرف شدن شفق را وقت مختار و مابعد را
وقت از برای مضطر و اظهر [illegible] نیست
که مغرب وقت فضیلت است نه وقت اداش پس
حمل کرده میشود بر روایت حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
را از کسی که تاخیر کند آنرا تا اشتباک ستارها
بر کسی که اعتقاد کند که واجب است تاخیر مغرب تا آن
وقت و باید که ترک اذان و اقامت مغرب نکند زیرا
که جمعی از علمای ما مثل سید مرتضی قدس سره و ابن عقیل
و ابن جنید قائلند بواجب بودن اذان و اقامت
در نماز مغرب بلکه بعضی قائلند بانکه نماز صبح باطل است
اگر کسی عمدا ترک اذان یا اقامت کند و فاصله کند
میان اذان و اقامت بسکته یا نشستنی را
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم که فرمود کسی بنشیند

مانع

میان اذان مغرب و اقامتش باشد مثل کسی در
خون خود غلطیده در راه خدا و آنکه میان اذان
مغرب و اقامتش باید گفت این دعاست اللهم
اسئلك باقبال لیلك و ادبار نهارك
وحضور صلواتك و اصوات دعائك
و تسبیح ملئکتك ان تصلی علی محمد و ال
محمد و ان تتوب علی انك انت التواب
الرحیم و اما فصل بگام نهادن پس در کتب
فروع مذکور است و شیخ شهید قدس سره ذکر
فرموده که حدیثی برآن نیافته و بکو بعد از اقامت
اگر در نمازهای دیگر گذشت بعد از اذان افتتاح
نمازگوی با دابی که پیش گذشته بود و در رکعت اول
بعد از فاتحه سوره قدر یا تکاثر یا مثل اینها در گوناهی

بخوان و در رکعت دوم سوره توحید و بعد از سلام تعقیب کن
به تکبیر و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بعد از آن سه بار بگو
آنچه در فقیه از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت
کرده الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ
مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ بعد از آن برخیز به نافله مغرب
و اگر خواهی که در تعقیب تطویل کنی پس افضل آنست
که زیاده بر آنچه مذکور شده بعد از نافله بجا آری
اگر وقت وسعت آن داشته و وارد شده از
اصحاب عصمت سلام الله علیهم اجمعین ترغیب در نافله
مغرب روایت است از حضرت امام جعفر
علیه السلام که فرمود که ترک مکن چهار رکعت را
بعد از مغرب در سفر و حضر اگر چه طلب کنند ترا
سواران و دیگر وارد است که چون میان نماز مغرب و نافله اگر

دار

103

در روایت خفاف از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
فرمود کسی که بگذارد مغرب را و بعد از آن بر
تعقیب بگذارد و سخن نگند تا آنکه دو رکعت نماز بگذارد
آن دو رکعت نوشته میشود برای او در علیین
پس اگر بگذارد چهار رکعت نوشته شود از برای
حجی مبرور یعنی مقبول و مشهور نیست کراهت سخن
گفتن میان چهار رکعت و دلالت میکند بر کراهت
آن روایت ابی الفوارس گفت نهی کرد مرا
امام جعفر صادق علیه السلم از آنکه حرف زنم میان چهار
رکعت بعد از مغرب است و بهشت لال کرده علامه
قدس سره در منتهی باین روایت بر کراهت سخن گفتن
میان مغرب و میان این چهار رکعت و موافقت کرده
شیخ شهید قدس سره در ذکری به شهید لال و محقق

انچه در آنست و اول وقت این چهار رکعت فارغ
شدن از مغرب است و آخرش بر مذهب مشهور
برطرف شدن شفق است و مزاحمت نمیرساند بان
نماز عشا خواه شروع در آنها کرده باشد و خواه نکرده
باشد و بعضی را مذهب آنست و گفته شده که
ممتد است وقتش تا انکه باقی ماند بعد از مغرب و پیش از
نصف شب مقدار ادای آن و میل کرده باین شیخ
شهید قدس سره در ذکری لیکن کلام علامه در منتهی
دلالت میکند بر اتفاق علمای ما بر انکه آخر وقتش
غایب شدن شفق است پس باید عدول کرد از
مشهور و اگر وقتش فوت شود باید قضا کرد و اصل
باقی ماندن سنتها حدیث امام جعفر صادق علیه السلام
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله فرموده که نماز بگزارید

مباهات می‌کند به بنده‌ای که [illegible] شد نماز شب را بروز
میگوید ای فرشتهای من نظر کنید به بنده من که
قضا میکند چیزی را که من بر او در شب واجب نکرده‌ام
گواه میگیرم شما را بدرستی که من او را آمرزیدم
روایت از حضرات ائمه معصومین علیهم السلام در تفسیر
آیه والذین هم علی صلوتهم دائمون یعنی مداومت
میکنند بر نماز سنتی اگر فوت شود در شب قضا کنند
بروز و اگر فوت شود در روز قضا کند شب و باید
که رکعت اول ابتدا کند بنیت تکبیر با دعاها که
گذشت و بخواند در آن بعد از الحمد قل هو الله احد
سه بار و در رکعت دوم انا انزلناه فی لیلة القدر
و اگر خواهد در رکعت اول قل یا ایها الکافرون
بخواند و در دوم قل هو الله احد و اگر الحمد تنها بخواند

كاه است چنانکه در تعقیبها و باید که قرائت را دران
بلند کند و در جمیع نافلهٔ شب بعد از فراغ از دو رکعت
اول بگو اللهم انك ترى ولا ترى وانت بالمنظر
الاعلى ان اليك الرجعى والمنتهى وان لك
الممات والمحيى وان لك الاخرة والاولى
اللهم انا نعوذ بك ان نذل ونخزى
وان نأتي بما عنه تنهى اللهم اني اسئلك
ان تصلي على محمد وآل محمد واسئلك
الجنة برحمتك واستعيذ بك من النار
بقدرتك واسئلك من الحور العين
بعزتك وان تجعل اوسع رزقي عند كبر
سني واحسن عملي عند اقتراب اجلي و
اطل في طاعتك وما يقرب منك ويحظي

وان

عِنْدَكَ وَيُزْلِفُ لَدَيكَ عُمْرِي وَاحْسِنْ
فِي جَمِيعِ اَحْوَالِي وَاُمُورِي وَمَعْرِفَتِي وَلَا
تَكِلْنِي اِلَى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَتَطَوَّلْ عَلَيَّ
بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَابْدَأْ بِوَالِدَتِي وَوَلَدِي وَجَمِيعِ اِخْوَانِي الْمُؤْ
مِنِينَ فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي بِرَحْمَتِكَ
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ [illegible] فارغ از شغلها
در ركعت اول با فاتحه مرتب شروع كن در دو ركعت
[illegible] در ركعت اول آنها كه آنكه بعد از الحمد اول سوره
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوَاتِ
وَمَا فِي الْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ لَهُ مُلْكُ
السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ
[illegible] هُوَ الْاَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ

ابو وهو بكل شيء عليم هو الذي خلق السموات
والارض في ستة ايام ثم استوى على العرش
يعلم ما يلج في الارض وما يخرج منها وما
ينزل من السماء وما يعرج فيها وهو معكم
اينما كنتم والله بما تعملون بصير له ملك
السموات والارض والى الله ترجع الامور
يولج الليل في النهار ويولج النهار في الليل
وهو عليم بذات الصدور وخوان در رکعت
دوم آخر سوره حشر لو انزلنا هذا القرآن
على جبل لرايته خاشعا متصدعا
من خشية الله وتلك الامثال نضربها للناس
لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو
عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم

هو

هُوَ اللّٰهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ

السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ

سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ

الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰی يُسَبِّحُ لَهُ

مَا فِی السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

[illegible] رکعت دوم هفت بار بگوید اللّٰهُمَّ اِنِّی

اَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاسْمِكَ الْعَظِيمِ

وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَغْفِرَ لِی ذَنْبِیَ الْعَظِيمَ اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ

الْعَظِيمَ اِلَّا الْعَظِيمُ [illegible] فارغ شود از این چهار

رکعت باقی تعقیب شام را تمام کند و کوان از انچه در

تعقیب صبح نه کور شد مثل سجده و تسبیح و غیره شام خواند

[illegible] و اگر وسعت داشته باشد کوان عقیب نافله

مرب ابن دعا ... بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل
على محمد البشير النذير السراج المنير الطهر
الطاهر خاتم انبيائك وسيد اصفيائك
وخالص اخلائك ذي المقام المحمود والمنهل
المشهود والحوض المورود اللهم صل على
محمد وال محمد كما بلغ رسالاتك وجاهد في
سبيلك ونصح لامته حتى اتاه اليقين
وصل على اله الطاهرين الاخيار الاتقياء
الابرار الذين انتجبتهم لنفسك واصطفيتهم
من خلقك وامنتهم على وحيك و
خزان علمك وتراجمة وحيك واعلام
نورك وحفظة سرك واذهبت عنهم
الرجس وطهرتهم تطهيرا اللهم انفعنا

حبهم

بِحُبِّهِمْ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ لِوَائِهِمْ
وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ وَاجْعَلْنِي بِهِمْ
عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ
الْمُقَرَّبِينَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ النَّهَارَ بِقُدْرَتِهِ
وَجَاءَ بِاللَّيْلِ بِرَحْمَتِهِ خَلْقًا جَدِيدًا جَعَلَهُ
لِبَاسًا وَسَكَنًا وَجَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ
لِيُعْلَمَ بِهِمَا عَدَدُ السِّنِينَ وَالْحِسَابُ الْحَمْدُ لِلَّهِ
عَلَى إِقْبَالِ اللَّيْلِ وَإِدْبَارِ النَّهَارِ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَصْلِحْ لِي دِينِيَ الَّذِي
هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِيَ الَّتِي
إِلَيْهَا مُنْقَلَبِي وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي مِنْ كُلِّ
خَيْرٍ وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ

واكفني امر دنيا . اخرتي بما كفيت به
اولياءك وحزبك من عباد . الحين
واصرف عني شرهما ووفقني لما يرضيك عني
يا كريم امسينا والملك لله الواحد القهار
وما في الليل والنهار خلقان من خلقك
فاعصمني فيهما بقوتك ولا ترهما جرأة مني
على معاصيك ولا ركوبا لمحارمك واجعل
عملي فيهما متقبلا وسعيي مشكورا وسهل لي
ما اخاف عسره واقض لي فيه بالحسنى
وامني مكرك ولا تهتك عني سترك ولا
تنسني ذكرك ولا تحل بيني وبين حولك
وقوتك ولا تكلني الى نفسي طرفة عين
ابدا ولا الى احد من خلقك يا كريم اللهم

108

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْتَحْ قَلْبِي لِذِكْرِكَ
حَتَّى أَتْبَعَ وَحْيَكَ وَأَتَّبِعَ أَمْرَكَ وَأَجْتَنِبَ
نَهْيَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا
تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ وَلَا تَمْنَعْنِي فَضْلَكَ وَلَا
تَحْرِمْنِي عَفْوَكَ وَاجْعَلْنِي أُوَالِي أَوْلِيَائَكَ
وَأُعَادِي أَعْدَائَكَ وَارْزُقْنِي الرَّهْبَةَ مِنْكَ
وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالتَّسْلِيمَ لِأَمْرِكَ وَالتَّصْدِيقَ
بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ
وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ وَعَيْنٍ لَا تَدْمَعُ وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ
وَصَلَوٰةٍ لَا تُرْفَعُ وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ وَدُعَاءٍ لَا
يُسْمَعُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ وَدَرْكِ
الشَّقَاءِ وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَجَهْدِ الْبَلَاءِ

وَعَمَلٍ لَا يُرْضَى وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْكُفْرِ
وَالْقَدْرِ وَضِيقِ الصَّدْرِ وَسُوءِ الْأَمْرِ وَمِنْ
بَلَاءٍ لَيْسَ لِي صَبْرٌ وَمِنْ دَاءِ الْعُضَالِ وَغَلَبَةِ
الرِّجَالِ وَخَيْبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي
النَّفْسِ وَالْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالدِّينِ وَالْوَلَدِ
وَعِنْدَ مُعَايَنَةِ مَلَكِ الْمَوْتِ عَلَيْهِ السَّلَام
وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ إِنْسَانِ سَوْءٍ وَجَارِ
سَوْءٍ وَقَرِينِ سَوْءٍ وَسَاعَةِ سَوْءٍ وَمِنْ
شَرِّ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا
يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَمِنْ
شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِلَّا طَارِقًا
يَطْرُقُ بِخَيْرٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي
آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ

الَّذِي قَضَى عَنِّي صَلوٰةً كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

كِتَابًا مَوْقُوتًا وبعد از ان اَللّٰهُمَّ اِنِّي أَسْأَلُكَ

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ

فِي دِينِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالْإِخْلَاصَ

فِي عَمَلِي وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَالسَّعَةَ فِي

رِزْقِي وَالشُّكْرَ لَكَ اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِي

بعد از ان دو سجده شکر کن و بگو در آنها و بعد از انها

اگر خواهی [illegible] و اقل انچه کافی است انکه در هر یک سه بار

بگوی شکرا و در بعض روایات سجده شکر را بعد از نافله

مغرب است و در بعضی پیش از اینها و بعد از اینها دو رکعت

ساعت غفلت بجا آرد در رکعت اول بعد از الحمد

وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِباً فَظَنَّ أَنْ لَنْ
نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ
إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ
نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ و در ركعت سيم وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ
الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي
الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ
إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ
وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ
بعد از ان در قنوت بخوان اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا
وكذا بعد از ان بگو اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي وَالْقَادِرُ

عَلیٰ طَلِبَتِی نَعَم حاجَتِی فَأَسْئَلُكَ بِحَقِّ
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ علیهم السّلم لَمّا قَضَیتَها
لی و حاجت خود طلب کن که روایت کرده است
بن سالم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم که هر که این
دو رکعت را بگذارد میان شام و خفتن و دعا کند
باین دعا و بطلبد از خدای تعالی حاجتش را عطا کند
باو آنچه سوال کند بدانکه مشهورست نامیدن این دو رکعت
به رکعت غفیله و دو رکعت غفلت و دو رکعت ساعت
غفلت و وجهش آن است که ساعتی که این دو رکعت
در آن بجا می آرند که میان شام و خفتن است آن
ساعت غفلت میباشد و روایت کرد. در فقیه که حضرت
امام محمد باقر علیه السلم فرمود که ابلیس متفرق میسازد لشکر
شبش را از وقت غایب شدن آفتاب تا غایب شدن

شفق و مشرق پیدا ز دلشکرد و روز را از وقت طلوع فجر
تا طلوع آفتاب دو فرموده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
میفرمود که بسیار کنید ذکر خدای تعالی در این دو ساعت
و پناه برید بخدای تعالی از شر ابلیس و لشکرهاش و پناه
برید بخدا از کوچکان او در این دو ساعت بدرستیکه
که این دو ساعت ساعتهای غفلتند روایت کرده
شیخ طوسی در تهذیب از امام جعفر صادق علیه السلام فرموده
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود که بجا آرید نافله در
ساعت غفلت اگر دو رکعت خفیف باشد که آنها
باعث دار کرامت که بهشت باشد گفتند یا رسول الله
و چه چیز است ساعت غفلت فرمود که میان مغرب و عشا
و گفته‌اند که اینجا مراد میان وقت مغرب است و وقت
عشا که میان غروب آفتاب و بر طرف شدن شفق است چنانکه

مرشد است بآن حدیث که گذشته مابین الصلوتین
... صحیح مذکور است که اول وقت خفتن غایب
شدن شفق است چنانکه گذشته آمد و از این مفهوم میشود
که وقت ادای نماز غفلت میان غروب و ذهاب
شفق است پس چون این وقت بگذرد قضا میشود
فصل در وقت غفلت دو رکعت دیگر نماز غفلت
بطریق دیگر در اول بعد از حمد سیزده بار سوره زلزال
و در دوم بعد از الحمد پانزده بار قل هو الله احد روایت
کرده شیخ طوسی قدس سره از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود کسی که بگذارد
این نماز را در هر شب مزاحمت کند با من در بهشت
نداند ثواب آن را مگر خدای تعالی فصل و اول وقت
نماز خفتن فارغ شدن است از نماز شام بر مذهب مشهور

دی کشد وقت فضیلتش تا ثلث شب و وقت اداش تا

چهار رکعت مانده بنصف شب و باید که بعد از فراغ از دو رکعت

عقیده انکه تفحص کند شفق مغربی نمایی پس اگر شفق باقی

باشد شروع در نماز خفتن نکند تا آنکه شفق زایل شود زیرا

که مذهب شیخ مفید و شیخ طوسی قدس سرهما آن است که

داخل نمیشود وقت عشا مگر بعد از غایب شدن شفق

روایت کرده در فقیه بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق

علیه السلم که اول وقت نماز خفتن برطرف شدن

سرخی است و این محمول است برانکه سنت است تاخیر نماز

مغرب تا برطرف شدن شفق پس چون شفق زایل شود

باید که مبادرت کنی باذان و اقامت با دعاها که پیش از این

گذشت و بخوان در رکعت اول سوره اعلی یا سوره والشمس

یا انچه مثل اینها باشد در درازی چنانکه روایت شده

112

در تهذیب بسند صحیح در رکعت دوم سوره قل هو الله
احد مثل باقی نمازها بعد از آن تکبیر بگو و در قنوت آن
آنچه گذشت در باب اول و آنچه می آید در باب ششم
وطول ده قنوت را و تعقیب را زیرا که وقت وسیع است
پس بخوان هر تعقیبی که مشترک است میان پنج نماز و آنچه
مشترک است میان صباح و شام بعد از آن آنچه مخصوص است
بآن پس بگو اللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تُؤْمِنَّا مَكْرَكَ وَلَا
تُنْسِنَا ذِكْرَكَ وَلَا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْرَكَ وَلَا
تَحْرِمْنَا فَضْلَكَ وَلَا تُحِلَّ عَلَيْنَا غَضَبَكَ
وَلَا تُبَاعِدْنَا مِنْ جِوَارِكَ وَلَا تَنْقُصْنَا مِنْ
رَحْمَتِكَ وَلَا تَنْزِعْ عَنَّا بَرَكَاتِكَ وَلَا تَمْنَعْنَا
عَافِيَتَكَ وَاصْلِحْ لَنَا مَا أَعْطَيْتَنَا وَزِدْ مِنْ

نَفْسَكَ الْمُبَارَكِ الطَّيِّبِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ وَلَا تُغَيِّرْ
مَا بِنَا مِنْ نِعْمَتِكَ وَلَا تُؤْيِسْنَا مِنْ رَوْحِكَ
وَلَا تُهِنَّا بَعْدَ كَرَامَتِكَ وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَ
إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً
إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ بعدازان فاتحه بجوان هر یکبار
وتوحید ومعوذتین ده بار بعد ازان ده بار بکو
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر
وده بار اللّهم صل على محمد وآل محمد بس بکو اللّهم
افتح لي أبواب رحمتك واسبغ علي من حلال
رزقك ومتعني بالعافية ما أبقيتني في
سمعي وبصري وجميع جوارحي اللّهم ما بنا
من نعمة فمنك لا اله الا انت سبحانك
استغفرك واتوب اليك يا ارحم الراحمين

يس

پس بگو واین دعای طلب رزق است اللهم انه
ليس لي علم بموضع رزقي وانما اطلبه
بخطرات تخطر على قلبي فاجول في طلبه
البلدان وانا فيما اطلب كالحيران
لا ادري أفي سهل هو ام في ارض حزن ام
في سماء ام في بر ام في بحر وعلى يدي من ومن
قبل من وقد علمت ان علمه عندك
واسبابه بيدك فانت الذي تقسمه بلطفك
وتسببه برحمتك اللهم فصل على محمد وال
محمد واجعل يا رب رزقك لي واسعا ومطلبه
سهلا ومأخذه قريبا ولا تعنني بطلب
ما لم تقدر لي فيه رزقا فانك غني عن
عذابي وانا فقير الى رحمتك فصل على محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَجُدْ عَلَى عَبْدِكَ بِفَضْلِكَ إِنَّكَ
ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ لبس و بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً تُبَلِّغُنَا
بِهَا رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ وَتُنَجِّينَا بِهَا مِنْ
سَخَطِكَ وَالنَّارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَرِنِي الْحَقَّ حَقًّا حَتَّى أَتَّبِعَهُ وَأَرِنِي الْبَاطِلَ
بَاطِلًا حَتَّى أَجْتَنِبَهُ وَلَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ مُتَشَا
بِهًا فَأَتَّبِعَ هَوَايَ بِغَيْرِ هُدًى مِنْكَ وَاجْعَلْ هَوَايَ
تَبَعًا لِرِضَاكَ وَطَاعَتِكَ وَخُذْ لِنَفْسِكَ
رِضَاءً مِنْ نَفْسِي وَاهْدِنِي لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ
مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى
صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ

وتولّني

وتولّني فيمن تولّيت وبارك لي فيما أعطيت
وقني شرّ ما قضيت إنّك تقضي ولا يقضى
عليك وتجير ولا يجار عليك ثمّ تو رك
اللهمّ فهديت فلك الحمد وعظم حلمك
فعفوت فلك الحمد وبسطت يدك
فأعطيت فلك الحمد تطاع ربّنا فتشكر
وتعصى ربّنا فتغفر وتبرّأت كما أثنيت
على نفسك بالكرم والجود ولبّيك و
سعديك تباركت وتعاليت لا ملجأ ولا
منجا منك إلّا إليك لا إله إلّا أنت سبحانك
اللهمّ وبحمدك عملت سوءً وظلمت نفسي
فاغفر لي وارحمني وأنت أرحم الراحمين
لا إله إلّا أنت سبحانك إنّي كنت من الظالمين

لا اله الا انت سبحانك اللهم وبحمدك عملت
سوء وظلمت نفسي فاغفر لي يا خير الغافرين
لا اله الا انت سبحانك اللهم وبحمدك
عملت سوء وظلمت نفسي فتب علي انك انت
التواب الرحيم لا اله الا انت سبحانك اني
كنت من الظالمين سبحان ربك رب العزة
عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله
رب العالمين اللهم صل على محمد وال محمد
وثبتني منك في عافية واسترني منك
في عافية وارزقني تمام العافية ودوام
العافية والشكر على العافية اللهم
اني استودعك نفسي وديني واهلي ومالي
وولدي واهل حزانتي وكل نعمة انعمت

115

ها عليّ وتنعم فصلّ على محمدٍ وآل محمد
واجعلني في كنفك وأمنك وكلائك
وحفظك وحياطتك وكفايتك و
سترك وذمّتك وجوارك ودائعك
يا من لا يضيع ودائعه ولا يخيب سائله
ولا ينفد ما عنده إني أدرأ بك في نحور
أعدائي فكِده من كادني وبغى عليّ اللهم
من أرادنا فأرده ومن كادنا فكده
ومن نصب لنا عداوة فخذه يا رب
أخذ عزيزٍ مقتدرٍ اللهم صلّ على محمد وآل
محمد واصرف عني البليات والآفات والعا هاتِ
والنقم ولزوم النقم وزوال النعم وعواقب للسقم
السقم ما أمحى به الما لغضبك وما عنت

بِهِ الرِّيحُ عَنْ اَمْرِكَ وَمَا اَعْلَمُ وَمَا لَا اَعْلَمُ
وَمَا اَخَافُ وَمَا لَا اَخَافُ وَمَا اَحْذَرُ وَمَا
لَا اَحْذَرُ وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّجْ هَمِّي وَنَفِّسْ
غَمِّي وَسَلِّ حُزْنِي وَاكْفِنِي مَا ضَاقَ بِهِ صَدْرِي
وَقَلَّتْ بِهِ حِيلَتِي وَضَعُفَتْ فِيهِ قُوَّتِي
وَعَجَزَتْ عَنْهُ طَاقَتِي وَرَدَّتْنِي فِيهِ الضَّرُورَةُ
عِنْدَ اِنْقِطَاعِ الْآمَالِ وَخَيْبَةِ الرَّجَاءِ
مِنَ الْمَخْلُوقِينَ اِلَيْكَ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاكْفِنِيهِ يَا كَافِيًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ حَتّٰى لَا يَبْقٰى
شَيْءٌ يَا كَرِيمُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَزِيَارَةَ نَبِيِّكَ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالتَّوْبَةَ وَالْخَتْمَ

اللهم

116

اللهم انی استودعك نفسی واهلی وولدی

واخوانی واستكفیك ما اهمنی وما لم یهمنی

واسئلك بخیرتك من خلقك الذی لا

یمن به سواك یا كریم الحمد لله الذی قضی

عنی صلوة كانت علی المؤمنین كتابا مو

قوتا بعد ازان در سجده شکر کن وبگو در سجده اول

اللهم انت انقطع الرجاء الا منك یا احد

من لا احد له یا احد من لا احد له غیرك

یا من لا یزیده كثرة العطاء الا كرما وجودا

یا من لا یزیده كثرة العطاء الا كرما وجودا

صل علی محمد وآل محمد اهل بیته صل علی محمد و

وافعل بی كذا وكذا پس دعا کند بهر چه بخواهد

همان دعا خواند وهمین نحو نماز پس ثانی

بگذارد و همین دعا بخواند پس بگوید این از دعاهائیست

که برای رفع مهمات یا سابغ النعم یا دافع

النقم یا بارئ النسم یا مجلی الهمم یا

مغشی الظلم یا کاشف الضر و الالم یا ذا

الجود و الکرم یا سامع کل صوت

یا مدرک کل فوت یا محیی العظام وهی

رمیم و منشئها بعد الموت صل علی محمد

و آل محمد و اجعل لی من امری فرجا و

مخرجا یا ذا الجلال و الاکرام پس دو رکعت دیگر بجای

آرد نشسته و جایز است ایستاده و مشهور اولست

بعضی از علما ذکر کرده که نشستن درین دو رکعت

افضل است از ایستادن و در تهذیب روایت کرده

بسند صحیح که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که

دور

۱۱۷

دو رکعت است بعد از عشا پدرم میگذارد آنها را
نشسته و من میگذارم ایستاده و عمل ما بر مشهور است
و اگر شد وقت این نماز تا آنکه وقت عشا باشد پس بعد از نصف شب
قضا است وصیت که در اول این دو رکعت هفت تکبیر بگوید
با سه دعا چنانکه گذشت و بخواند در رکعت اول سوره ملک و
در دوم سوره توحید و بعد از فارغ شدن هر چه خواهی
باب پنجم در بیان آنچه میباید وقت خواب
نصف شب بجا باید آورد چون خواهی بخوابی اول طهارت
ساز روایت کرده در فقیه که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرموده کسی که طهارت سازد و بخوابد در فراش خود و خوابش
چون مسجدش باشد علما ما قدس سرهم ذکر کرده اند که با
قدرت بر آب تیمم جایز است برای خوابیدن و همچو تیمم برای نماز
جنازه سنت است وقت خواب بخواند سوره توحید

دجمه روایت کرده رسش الحمد نیز باز در فقیه بسند صحیح
وارد شده باز از اصحاب عصمه سلام الله علیهم اول
سوره توحید صد بار همچنانکه روایت کرده ثقة الاسلام
کلینی در کافی بطریق صحیح از ابا اسامه گفت شنیدم که حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام میگفت کسی که بخواند قل هو الله احد
صد بار در محلی که بخواند بکار میرود آمرزیده شود گناهان پنجاه
ساله گذشته اش وهم روایت کرده در کافی
از آنحضرت که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله فرمود
کسی که بخواند الهکم التکاثر نزد خواب نگاه داشته
شود از فتنه قبر و باید که چون بپهلوی راست خوابد بخواند این
دعا را که روایت کرده در فقیه بسند صحیح از محمد بن مسلم
که گفت گفت حضرت امام محمد باقر علیه السلام که هرگاه
بر جانب راست بر زمین گذارد و بسم الله بگوید پس بگوید

118

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْلَمْتُ نَفْسي اِلَيْكَ وَوَجَّهْتُ وَفَوَّضْتُ
اَمْري اِلَيْكَ وَاَلْجَأْتُ ظَهْري اِلَيْكَ وَتَوَ
كَّلْتُ عَلَيْكَ رَهْبَةً مِنْكَ وَرَغْبَةً اِلَيْكَ
لَا مَنْجَا وَلَا مَلْجَأَ مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ آمَنْتُ
بِكِتَابِكَ الَّذي اَنْزَلْتَ وَبِرَسُولِكَ الَّذي
اَرْسَلْتَ پس تسبیح کند بتسبیح فاطمه زهرا علیها السلام
این است از حدیث [illegible] سنت است تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام
در دو جا بعد از نماز و وقت خواب و ظاهر روایتی
که دال است بر دوام تقاضا می کند تقدیم سبحان الله را
بر الحمد لله و ظاهر روایت صحیحه که مطلق است تقاضا می کند
تأخیرش را از الحمد لله و با کمیت بسط کلام درین مقام
اگر چه خارج است از حد کتاب اختلاف علما درین باب
[illegible] اشتباه [illegible] صحیحه محمد بن سنان از حضرت

امام جعفر صادق علیه السلام صریح است در ابتدا به تکبیر و بعد
تحمید است و آنچه معمول در تعقیبها تقدیم تحمید است بر تسبیح و در بعض المجددین
و بر بعض و این جمعی قائلند بتأخیرش از تسبیح
و روایات از ائمه هدی علیهم السلام خالی از اختلاف نیست
و روایت معتبره که ظاهرش تقدیم تحمید است اطلاقش شامل
آنچه بعد از نماز باشد و آنچه وقت خواب و آن این است
که روایت کرده شیخ طوسی قدس سره در کتاب تهذیب
بسند صحیح از محمد بن عذافر گفت داخل شدم با پدرم بر حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام پس سؤال کرد پدرم از آنحضرت
از تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام پس آنحضرت فرمود الله اکبر
تا شمرد سی و چهار بار پس گفت الحمد لله تا رسید به شصت و هفت
پس گفت سبحان الله تا رسید به صد و شمرد آنحضرت آنها را
به دست خود همه را یک جمله و همین روایتی که ظاهرش تقدیم تسبیح

بر تحمید

و تحمید مخصوص است بآنچه در وقت خواب است و آن
این است که روایت کرده شیخ المحدثین در فقیه که حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام گفت بمردی از بنی سعد آیا حدیث
کنم شما را از من و از فاطمه که نزد من بود فاطمه پس چندان
کشید آب بمشک که اثر کرد در سینه اش یعنی نشان آن
در سینه ایشان ماند و چندان آرد کرد بدست آس تا آنکه مجروح گردید
دستهایش و چندان خانه جاروب کرد که رختهایش
غبار آلوده گشت و چندان آتش کرد در زیر دیگ که
چرکین و سیاه شد رختهایش پس رسید باو از این
ضرری سخت پس گفتم من باو که اگر بروی پیش پدرت
و سؤال کنی از او خدمتکاری که کفایت کند ترا سختی
و شدت این کار را پس آنحضرت آمد پیش حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله پس یافت پیش آنحضرت جوانان را پس حیا کرد

ابرگشت پس حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله دانست که حضرت
فاطمه علیها السلام برای حاجتی آمده پس صبح پیش ما آمد و ما در
لحاف بودیم پس گفت السلام علیکم پس ما ساکت شدیم
و شرم کردیم چون در لحاف بودیم پس دیگر گفت السلام
علیکم پس ترسیدیم اگر رد سلام نکنیم برگردد و عادت
آنحضرت آن بود که سه بار سلام میکرد و اگر اذن میدادند
و الا برمیگشت پس گفتیم علیکم السلام یا رسول الله داخل
شو پس آنحضرت داخل شد نشست پیش سر ما و گفت ای
فاطمه چه بود حاجت تو نزد محمد دیروز پس ترسیدم که
اگر جواب نگویم برخیزد پس آوردم سر را گفتم و الله
من خبر دهم ترا یا رسول الله بدرستی که فاطمه آب کشید
بمشک تا آنکه اثر آن در سینه اش ماند و دست آس کرد
تا دستهایش آبله کرد و جاروب کرد [illegible] رختهایش

غبار

120

[غ]بار آلود و خاک آلود بشد و زیر دیگ آتش کرد چندانکه
[جام]ه‌هایش چرکین و سیاه شد پس من گفتم باو که اگر به
پیش پدرت پس سوال کنی از او خادمی که کفایت کند ترا
سختی که تو در آنی از این کار پس حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمود آیا پس تعلیم نکنم شما را چیزی که بهتر است برای شما
از خادم هرگاه که به رختخواب خود شدید تکبیر بگوئید سی و چهار
بار و تسبیح کنید سی و سه و تحمید بگوئید سی و سه پس بر
آورد فاطمه علیها السلام سرش را و گفت راضی شدم از خدا
و رسولش و مخفی نماند که این روایت غیر صریح است در
تقدیم تسبیح بر تحمید زیرا که واو افاده ترتیب نمیکند
و از برای مطلق جمع است بر اصح چنانکه در اصول مسطور است
بلی ظاهر تقدیم لفظی تقاضای این میکند و همچنین روایت
که نقل شد صریح نیست در تقدیم تحمید بر تسبیح زیرا که لفظ

تکبیر در

ثم دراینجا از کلام راویست پس شبهه نماند مگر ظاهر تقدیم لفظ

تنافی میانه این دو روایت بحسب ظاهر است پس باید

کرد دوم را بر اول بجهت صحیح بودن سند اول و تقویت

یافتن آن ببعضی روایات ضعیفه چنانکه روایت کرده ابو

بصیر که حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گفت در تسبیح

فاطمه زهرا علیها السلم ابتدا میکنی بتکبیر سی و چهار بعد از آن

بتحمید سی و سه بعد از آن بتسبیح سی و سه و این روایت

صحیح است در تقدیم الحمد لله پس این مؤید ظاهر لفظ

روایت صحیحه است پس حمل باید کرد روایت دیگر را بخلاف

ظاهر لفظش تا منافات درمیان روایات برطرف شود

اگر کسی گوید که ممکن است عمل بظاهر هر دو روایت بآنکه

حمل کنیم روایت اول را بر آنکه بعد از نماز است و دوم را

بر آنکه وقت خواب پس احتیاج بتاویل نیست بگردانیدن روایت

دام از ظاهرش پس اجماع عدول از این حیثیت کوییم از انکه
قایل بفرق میان این دو حال نیافتیم بلکه آنچه ظاهر میشود
بعد از تتبع تام آن است که هر یک از فریقین که قایلند
بتقدیم تحمید و تاخیرش قایلند بآن مطلقا خواه بعد از نماز
و خواه در وقت ثواب باشد پس قایل شدن بتفصیل مذکور
احداث قول ثالث است در مقابل اجماع مرکب اما آنچه
گفته میشود که احداث قول ثالث وقتی ممتنع است که لازم
آید از آن برطرف شدن آنچه امت بر آن اجماع
کرده اند چنانکه مذکور است در رد کنیز باکره که مشتری
وطی کرده باشد و اطلاع یافته بر عیب پس رد و ارش
بکارت نه زیرا که علما اتفاق کرده اند بر آنکه پس دادن
کنیز مذکور بی ارش بکارت جایز نیست بخلاف آنچه
نه باعث رفع ما اجمع علیه الامة نباشد مثل قایل شدن

بفسخ نکاح بسبب بعضی از عیبها یگانه دون بعضی دیگر زیرا
که هر یک از فریقین موافقند در یک قسم چنانکه در بیع
مانعی از آن نیست مثل قول بصحت بیع غایب و عدم
قتل مسلم بذمی بعد از آنکه یکی از دو فریق قایلند
بقول ثانی و نقیض اول وجه دیگر بعکس و جواب
آن است که این تفصیل راست است بر مذهب سنیان
اما بر مذهب ما که قایلیم بانکه حجت بودن اجماع بسبب
که کاشف است از داخل بودن معصوم پس راست نیست
زیرا که مخالفت درین صورت مذکور حاصل است اگرچه
موافق باشد قایل با هر یک از فریقین در قسمی چنین
در بیع و قتل فصل و باید که طواف النسا بر جانب راست
باشد زیرا که این خواب مؤمنین است چنانکه روایت
کرده کلینی در کافی بسند صحیح از احمد بن اسحق [illegible]

بابی محمد بن حضرت امام حسن عسکری علیه السلم فدای تو گردم
سوال کنم از پدرت علیه السلم از ان پس میسر نشد مرا
ان پس آنحضرت فرمود که چه خبرست ای احمد پس گفتم
روایت کرده‌اند ما را از پدران تو علیهم السلم که بدرستی
که خواب پیغمبران بر قفاست و خواب مومنین بر جانب
راستشان و خواب منافقین بر جانب چپ و خواب شیاطین
بر روهای ایشان پس آنحضرت فرمود بلی چنین است پس
گفتم یا سیدی بدرستی که هر چند میکنم که بر جانب راست
بخوابم پس مرا ممکن نمیشود و خوابم نمی آید بر جانب راست
پس ساعتی ساکت گشت گفت ای احمد نزدیک شو بمن پس
نزدیک شدم پس گفت دستت را داخل ساز در زیر رختها
پس من داخل ساختم پس آنحضرت بیرون آورد دستش را
از زیر رختهایش پس کشید دست راستش را بر جانب چپ

من و دست چپش را بر جانب راست من سه بار بس
احمد گفت دیگر نتوانستم که خوابم بر جانب چپ از آن زمان
که حضرت چنین کرد با من و هرگز خواب نمی آید مرا بر جانب چپ
و از دعاهای که نزد پهلو بر زمین نهادن باید خواند
این است که روایت کرده کلینی در کافی بسند صحیح از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که کسی که سه بار
بگوید در وقت خوابیدنش اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
عَلَا فَقَهَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي بَطَنَ فَخَبَرَ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي مَلَكَ فَقَدَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَهُوَ
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بیرون رود از گناهان چون
روزی که مادرش او را زاییده باشد و در روایت کرده
در کتاب مذکور که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که کسی که بخواند

این

این آیه را وقت خواب بخواند قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ
يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ
يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ
رَبِّهِ أَحَدًا درخشنده و هویدا شود برای او
نوری تا مسجد الحرام در میان آن نور فرشتها باشند
که استغفار کنند برای او و هم در کتاب مذکور است که
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود هیچ بنده نیست
که بخواند آخر الکهف را در وقتی که بخواهد مگر آنکه بیدار
شود در آن ساعتی که خواهد مصنف کتاب ادام الله ظله
میفرماید که این از اسرار عجیبست و مجربست که شکی
در آن نیست و مراد بآخر الکهف همین این است که
پیش از این مذکور شد و اکر از عقرب و امثال او ترسد
پس بگوید آنچه در کتاب مذکور روایت کرده که امام محمد باقر علیه السلام

فرمود که کسی که بخواند این کلمات را پس هر ضامن که رسد باو
عقرب و نه گزنده تا صبح کند اعوذ بکلمات الله التامات
التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما ذرأ
و من شر ما برأ و من شر کل دابة هو آخذ
بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم روایت
کرده در کتاب مذکور برای دفع احتلام که حضرت امام
جعفر صادق علیه السلم فرموده که هر گاه از جنابت ترسی
بگو اللهم انی اعوذ بک من الاحتلام و من شر
الاحلام و من ان یتلاعب بی الشیطان
فی الیقظة و المنام و نیز روایت کرده در کتاب
مذکور برای ایمن بودن از فرود آمدن خانه که حضرت
امام رضا علیه السلم الف تحیة و ثنا فرمود نگوید هیچ کس هر گاه
خواهد که بخوابد ان الله یمسک السموات و الارض

أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ
مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا پس خانه
بر سرش فرود نیاید یعنی چون این را کسی بگوید خانه بر سر او
فرود نیاید وهم در کتاب مذکور روایت کرده که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله هر گاه در آمدی به فراش گفتی بِاسْمِكَ
اللّٰهُمَّ أَحْيَا وَبِاسْمِكَ أَمُوتُ وچون بیدار شدی
گفتی الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي
وَإِلَيْهِ النُّشُورُ وهم در آن روایت ذکر کرده که
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده هر گاه بشنوی
آواز خروس پس بگو سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ
وَالرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ
سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي إِنَّهُ
لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ وباید که وقت خوابیدن

سرمه کشید روایت شده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
می کشیده اند که سرمه سنگ سیاه است در چشم هر گاه اراده
میکرد که در خوابش خواب رود و در روایت است
که حضرت امام جعفر صادق علیه السلم فرموده که کسی که را
ضعفی در چشمش باشد باید که بکشد در چشم هفت میل در
محل خواب از سرمه سنگ سیاه و چهار در چشم راست
و سه در چشم چپ هم از آنجا آنحضرت است که سرمه کشیدن
در وقت خواب امان است از آبی که در چشم نازل
شود در روایت است که نزد سرمه کشیدن این دعا
بخواند اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ
النُّورَ فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَالْيَقِينَ
فِي قَلْبِي وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَالسَّلَامَةَ فِي

نفسی

125

نَفْسِی وَالسَّعَةَ فِی رِزْقِی وَالشُّکْرَ لَکَ اَبَدًا

سَمَا اَبْقَیْتَنِی وروایت کرده کلینی در کتاب خود که

حضرت امام جعفر صادق علیه السلم فرمود هرگاه بیند شخصی در

خواب چیزی را که کاره آن باشد پس باید که بگرداند

از پهلوی که بر آن خوابیده بود و باید که بگوید

اِنَّمَا النَّجْوٰی مِنَ الشَّیْطَانِ لِیَحْزُنَ الَّذِیْنَ

اٰمَنُوا وَلَیْسَ بِضَارِّهِمْ شَیْئًا اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ

پس بگوید عُذْتُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلٰئِکَةُ

اللّٰهِ الْمُقَرَّبُوْنَ وَاَنْبِیَاؤُهُ الْمُرْسَلُوْنَ

وَعِبَادُهُ الصَّالِحُوْنَ مِنْ شَرِّ مَا رَاَیْتُ

وَمِنْ شَرِّ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ باب ششم

در بیان آنچه از نصف شب تا طلوع فجر صادق بجا

باید آورد و در آن مقدمه ایست و چند فصل مقدمه

احادیث بسیار از اصحاب عصمت سلام الله علیهم
وارد شده در ترغیب برخاستن شب و بیان
فضیلت آن روایت کرده. کلینی در کافی بسند صحیح
که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده شرف مؤمن
برخاستن اوست در شب و عزت او استغنای
اوست از مردم و هم در آن کتاب روایت کرده
بسند حسن از عبد الله بن سنان گفت شنیدم از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلم که میگفت سه چیز است
که آنها فخر مؤمن است و زینتش در دنیا و آخرت نماز
در آخر شب و مأیوس بودنش از آنچه در دست مردم است
و دوست داشتن او امامی را از آل محمد صلی الله علیه و آله
و هم در کافی روایت کرده از آنحضرت علیه السلم
بسند حسن در تفسیر قول خدای تعالی و کانوا قلیلا

مِنَ اللَّیلِ مَا یَهجَعُونَ فرموده که آن جماعت را
کم شبی می‌رسد که در آن بر نخواسته در آنها
وهم در کافی روایت است که شخصی آمد نزد حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام پس عرض نمود که محروم شده‌ام از نماز
شب آن حضرت فرمود که تو مردی که گناهان ترا
مقید ساخته‌اند و روایت کرده شیخ طوسی در
تهذیب بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
در بیان إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّیلِ هِیَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ
قِیلًا گفت مراد به آن برخاستن اوست از فراش
که اراده نکند به آن مگر خدای تعالی را وهم در تهذیب
روایت کرده بسند صحیح از آنحضرت علیه السلام که فرمود
هیچ بنده نیست مگر که بیدار کرده می‌شود در هر شب
یکبار یا دو بار پس اگر برخاست همان است و الا

شیطان پاهاش را از سرش دور میکند پس بول می
درگوشش آیا نمی‌بینید یکی از شما که چون برخواست
و با آن بیداری بر او گرانست برمیخیزد ثقیل و کاهل
شده و هم در تهذیب روایت کرده بسند صحیح از
عمر بن یزید که او شنیده از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام که میفرمود در هر شب ساعتی است که موافق
نگردد آن ساعت را بنده مسلم که نماز گذارد و دعا
طلب کند از خدای تعالی در آن ساعت مگر که خدای تعالی
مستجاب کند برای او در هر شب گفتم اصلحک الله
پس چه ساعت است از شب گفت هرگاه بگذرد نصف
شب تا ثلث باقی و روایت کرده رئیس المحدثین
در فقیه بسند صحیح از عبد الله بن سنان که او سوال
کرده از امام جعفر صادق علیه السلام از قول خدای تعالی

یکام

سیماهم فی وجوههم من اثر السجود آنحضرت فرمود
که مراد بیداریست در شب در نماز و روایات از
اصحاب عصمت سلام الله علیهم در ترغیب ثواب
نماز شب بسیار است فصل چون بیدار شوی از خواب
اول که بجا باید آورد سجده است برای خدا تعالی
روایت است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله چون از
خواب بیدار شدی سجده کردی و چون سجده کنی
باز از سجده بر داری بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی
اَحْیانِی بَعْدَ ما اَماتَنِی وَ اِلَیْهِ النُّشُورُ
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی رَدَّ عَلَیَّ رُوحِی لِاَحْمَدَهُ
وَ اَعْبُدَهُ روایت کرده کلینی در کافی بسند حسن
که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود هر گاه شب
بر خیزی پس نظر کن باطراف آسمان و بگو اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لا

يُوارِي عَنْكَ لَيْلٌ سَاجٍ وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ أَبْرَاجٍ
وَلَا أَرْضٌ ذَاتُ مِهَادٍ وَلَا ظُلُمَاتٌ
بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ وَلَا بَحْرٌ لُجِّيٌّ تُدْلِجُ بَيْنَ
يَدَيِ الْمُدْلِجِ مِنْ خَلْقِكَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ
الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ غَارَتِ النُّجُومُ
وَنَامَتِ الْعُيُونُ وَأَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا
تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ سُبْحَانَ اللهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ وَإِلَهِ الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ بسم الله الرحمن الرحيم ايه از اول
عمران إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ
اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ
الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللهَ قِيَامًا وَقُعُودًا
وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ

198

والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا
سبحانك فقنا عذاب النار ربنا انك
من تدخل النار فقد اخزيته وما
للظالمين من انصار ربنا اننا سمعنا
مناديا ينادي للايمان ان امنوا بربكم
فامنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا
سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا واتنا
ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم
القيمة انك لا تخلف الميعاد فصل

وقت نماز شب بعد از نصف شب است و اول هم
زوال میشود روایت کرده رئیس المحدثین در
فقیه که عمر بن حنظله سوال کرد از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام و گفت که زوال و اثر را بر روز میبینیم لیس چنین

برابر است در شب پس آنحضرت فرمود که شب را هم زوالی است
همچو زوال آفتاب پس گفت که چیز آن را بدانیم
حضرت فرمود که ستارها چون منحدر شوند یعنی چنین
شروع کنند در پایین آمدن از نصف النهار
و ظاهر آن است که مراد ستارهایی است که در اول شب
طلوع کرده باشند و بدانکه در احادیث گاهی مراد
نماز شب هشت رکعت است و گاهی مراد یازده رکعت است
که دو رکعت شفع و یک رکعت وتر هم داخل باشد و گاهی
سیزده رکعت که دو رکعت نافلهٔ فجر هم داخل باشد
و نماز شب از سنتهای مؤکده است و مبالغه در آن
بسیار است روایت کرده شیخ طوسی در تهذیب بسند
صحیح که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که در
وصیت حضرت پیغمبر صع به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

یا علی

129

یا علی وصیت میکنم ترا بخصلتی چند در نفس خود
پس حفظ کن آنها را پس گفت بار خدایا یاری کن
او را پس ذکر خصلتی چند نمود تا انکه فرمود و علیک
بالصلوة اللیل و علیک بصلوة اللیل و علیک
بصلوة اللیل یعنی بر تو باد قیام نماز شب ظاهر
آن است که مراد آنحضرت نماز شب سیزده رکعت
باشد و نماز زوال هشت رکعت که تا قبل از زوال است چنانکه
بعضی از علما فرموده اند پس چون متوجه شوی بعبادت
و ترا حاجتی باشد به بیت الخلا ابتدا بآن کن
آداب خلوت پس اگر در دست تو انگشتری باشد
یا با تو چیزی باشد که آنرا حرمتی و عزتی باید داشت
از نامها و غیر آن پس آن را همراه داخل بیت الخلا
مساز و همچنان درم سفید که در چیزی نقشی باشد بعد از آن

پای چپ را پیش بگذارد اول در آمدن اگر خانه باشد
و اگر صحرا باشد پس پای چپ را پیش دارد در جای نشستن
و بگو بِسمِ اللهِ وَ بِاللهِ اَعوذُ بِاللهِ مِنَ الرِّجسِ
النَّجِسِ الخَبِيثِ المُخبِثِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيم
و اگر قضای حاجت در ابر اکنم باید که جایی باشد که کسی ترا
نه بیند و باید که در حال قضای حاجت سنگینی بر پای چپ انداز
و پای راست را دور تر داری و بسیار ننشینی و حرف
نزنی مگر برای کاری که ترس فوت باشد یا خواندن
آیة الکرسی که گفته است یا گفتن الحمد لله رب العالمین
یا حکایت اذان یا ذکر خدای تعالی و چون فارغ شوی
برخیز و دست راست بر شکم کش و بگو الحَمدُ لِلّهِ الَّذِی
اَماطَ عَنِّیَ الاَذی وَ هَنّانِی طَعامی وَ شَرابی
وَ عافانی مِنَ البَلوی پس استبرا کن بآن که بکشی

الرّخ

130

انگشت میان را از پیش مقعد تا خصیه فرو کش بعد از آن
انگشت سبابه را زیر بگذاری و ابهام را بالا و سه بار
نتر کنی یعنی بیفشانی و سه بار بفشری حشفه را و سه بار
تنحنح کنی پس چنین خواهی که استنجی کنی با آب بنیت خود را
با دست بشوی پس بگو الحمد لله الذی جعل الماء
طهورا و لم یجعله نجسا و بدست چپ استنجی
کن اگر درین دست انگشتری باشد که نگینش از سنگ
ریزهٔ زمزم باشد آن را بیرون کن و مقعد را
که شوی بانگشت بنصر بشوی و بدست راست مس ذکر
مکن و در غیر متعدی یعنی آنکه نجاست بگرد آن مقعد
رسیده باشد هم اختیار آب کن و سنگ و جمع او اولی است
خواه متعدی باشد و خواه نه و مقعد را آنقدر بشوی
که احساس کنی بسر یعنی الموضع را چندان بشوی که

از وجوب نجاست زایل شود و درستی پوست محسوس شود
و در حال استنجا بگو اللهم حصن فرجی واعفه
واستر عورتی وحرمنی علی النار و مقدم
داشتن مقعد را بشستن ذکر و اگر سنگ استنجا
کنی و به سنگ پاک شود [illegible]
و هر سنگی تمام مخرج را پاک کن تا که سنگ تمام
و در مقعد برسانی و چون از خلا بیرون آیی
پیشتر پای راست را از در بیرون آنگاه بگو
الحمد لله الذی عرفنی لذته وابقی فی
جسدی قوته واخرج عنی اذاه یا لها
نعمة یا لها نعمة یا لها نعمة لا یقدر
القادرون قدرها **فصل** چون خواهی که وضو
بسازی اول مسواک کن بعد از آن وضو ساز

چنانکه در باب وضوی کامل ذکر کرده شد در باب اول
بعد از آن خود را خوشبو سازد روایت شده که حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله را
مسکه بود یعنی مشکدانی بود که هر گاه وضو میساخت
از آن خوشبو میگرفت و بوی آنحضرت تر بود
و هم از آنحضرت روایت است که دو رکعت نماز با بوی
خوش افضل است از هفتاد رکعت نماز بی بوی خوش
و بدانکه بوی خوش سنت است برای هر نمازی و هر
دعایی و مخصوص نیست بنماز و دعای شب و چون از
وضو فارغ شدی و بوی خوش کردی بنشین رو
بقبله و بخوان این دعا را که حضرت امام زین العابدین
علیه السلام در اول شب میخواند الهی غارت
نجوم سمائك و نامت عیون انامك و هدأت

اصوات عبادك وانعامك وغلقت الملوك
عليها ابوابها وطاف عليها حراسها
واحتجبوا عمن يسالهم حاجة او ينتجع
منهم فائدة وانت الهي حي قيوم لا
تاخذك سنة ولا نوم لا يشغلك
شيء عن شيء ابواب سمائك لمن دعاك
مفتحات وخزائنك غير مغلقات
وابواب رحمتك غير محجوبات وفوائدك
لمن سالك غير محظورات بل هي عتيد
مبذولات الهي انت الكريم الذي لا ترد
سائلا من المؤمنين سألك ولا تحجب
عن احد منهم ارادك لا وعزتك وجلالك
ولا تختزل حوائجهم دونك ولا

تقضيها



بَعْضِهَا اَحَدٌ غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ وَ قَدْ تَرَا ی
وُقُوفِی وَ ذُلَّ مَقَامِی بَیْنَ یَدَیْكَ تَعْلَمُ
سِرِّی وَ تَطَّلِعُ عَلٰی مَا فِی قَلْبِی وَ مَا یَصْلُحُ
بِهِ اَمْرُ آخِرَتِی وَ دُنْیَایَ اَللّٰهُمَّ اِنَّ
ذِكْرَ الْمَوْتِ وَ هَوْلَ الْمُطَّلَعِ وَ الْوُقُوفَ
بَیْنَ یَدَیْكَ نَغَّصَنِی مَطْعَمِی وَ مَشْرَبِی
وَ اَغَصَّنِی بِرِیقِی وَ اَقْلَقَنِی عَنْ وِسَادِی
وَ مَنَعَنِی رُقَادِی كَیْفَ یَنَامُ مَنْ یَخَافُ
مَلَكَ الْمَوْتِ فِی طَوَارِقِ اللَّیْلِ وَ طَوَارِقِ
النَّهَارِ بَلْ كَیْفَ یَنَامُ الْعَاقِلُ وَ مَلَكُ الْمَوْتِ
لَا یَنَامُ بِاللَّیْلِ وَ لَا بِالنَّهَارِ وَ یَطْلُبُ رُوحَهُ
بِالْبَیَاتِ وَ فِی آنَاءِ السَّاعَاتِ وحضرت امام زین العابدین علیه السلام بعد از این دعا سجده میکرد

و بر پیشانی مبارک را بر خاک می چسبانید و میگفت
اَسْئَلُكَ الرَّوْحَ وَالرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ
عَنِّي حِينَ اَلْقَاكَ و هم آنحضرت علیه السلم پیش از
نماز شب دو رکعت میگذارده در رکعت اول الحمد و قل هو الله
احد در رکعت دوم الحمد و قل يا ايها الكافرون
بعد از ان دست بر سینه داشته تکبیر دمی میکرد چون
این دو رکعت را بگذاری نیکوست که این دعا را
بخوانی که ابو الدردا روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین
علیه السلم در اول شب میخوانده اِلٰهِي كَمْ مِنْ
مُوبِقَةٍ حَلُمْتَ عَنْ مُقَابَلَتِهَا بِنِقْمَتِكَ
وَكَمْ مِنْ جَرِيرَةٍ تَكَرَّمْتَ عَنْ كَشْفِهَا
بِكَرَمِكَ اِلٰهِي اِنْ طَالَ فِي عِصْيَانِكَ
عُمْرِي وَعَظُمَ فِي الصُّحُفِ ذَنْبِي فَمَا اَنَا مُؤَمِّلٌ

غير

غَيْرَ غُفْرَانِكَ وَ لَا اَنَا بِرَاجٍ غَيْرَ رِضْوَانِكَ

اِلٰهِی اُفَكِّرُ فِی عَفْوِكَ فَتَهُونُ عَلَیَّ

خَطِیئَتِی ثُمَّ اَذْكُرُ الْعَظِیمَ مِنْ اَخْذِكَ

فَتَعْظُمُ عَلَیَّ بَلِیَّتِی آهِ اِنْ اَنَا قَرَاْتُ

فِی الصُّحُفِ سَیِّئَةً اَنَا نَاسِیهَا وَ اَنْتَ

مُحْصِیهَا فَتَقُولُ خُذُوهُ فَیَا لَهُ مِنْ مَاْخُوذٍ

لَا تُنْجِیهِ عَشِیرَتُهُ وَ لَا تَنْفَعُهُ قَبِیلَتُهُ آه

مِنْ نَارٍ تُنْضِجُ الْاَكْبَادَ وَ الْكُلَی آهِ مِنْ نَارٍ

نَزَّاعَةٍ لِلشَّوَی آهِ مِنْ غَمْرَةٍ مِنْ لَهَبَاتِ

لَظَی پس گریه کن و بر دعای که دعای کن بعد از برخیز

بنماز شب و اجماع علماست بر آنکه وقت نماز شب از نصف

اول شب است تا طلوع فجر صادق و هر چند نزدیکتر باشد

بفجر صادق فضل است و اگر چهار رکعت از نماز شب

کرده باشی و صبح صادق طلوع کند نماز شب را تمام کند
بالحمد تنها و اگر کسی را عذری باشد جایز است که پیش
از نصف شب بجا آرد اما قضاش افضل است از تقدیم
پس چون خواهی شروع در نماز شب کنی بگو اللّٰهمّ
إِنّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ
وَآلِهِ وَأُقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي فَا
جْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِهِمْ وَلَا
تُعَذِّبْنِي بِهِمْ وَاهْدِنِي بِهِمْ وَلَا تُضِلَّنِي
بِهِمْ وَارْزُقْنِي بِهِمْ وَلَا تَحْرِمْنِي بِهِمْ وَاقْضِ
لِي حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ بعد از آن
نیت کن که دو رکعت نماز شب میگذارم سنت بجای

رضا

134

رضای خدای تعالی وهفت تکبیر بگو با آن سه دعا که پیش
مذکور شد وافضل آن است که در رکعت اول
بعد از الحمد سی بار قل هو الله احد بخوانی ودر دوم
یک قل یا ایها الکافرون ودر رکعتهای دیگر سورهای
دراز مثل سورهٔ انعام والکهف وانبیا ویس وحم
وانکه بقدر اینها باشد ودر جمیع نمازهای سنت جایز است
که از روی مصحف قرأت کنند اگرچه غیر آن سورها
از بر داشته باشد اما در نماز واجب جایز نیست مگر
آنکه هیچ سوره از بر نداشته باشد وبعضی از علما
گفته اند که در نماز واجب هم جایز است از روی
مصحف خواندن مطلقا واین قول ضعیف است و اگر
وقت نماز شب تنگ باشد کافی است الحمد وقل هو الله احد
در همه رکعتها بلکه الحمد تنها کافی است بدانکه اتفاق علما

برانکه قنوت چنانکه در رکعت دوم نماز واجب است
در نماز سنتی هم سنت است چنانکه روایت کرده کلینی
در کافی بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم که گفت
در قنوت گفتم اللّهم اغفر لنا وارحمنا
وعافنا واعف عنّا فی الدّنیا والآخرة انّک
علی کلّ شیء قدیر چنانکه در کافی روایت کرده
از همان حضرت علیه السلم بسند حسن و در روایتی وارد است
اکتفا به قنوت تسبیح و سنت است بلند خواندن
قنوت اگرچه در نمازهای سنتی روز باشد و سنت است
طول دادن قنوت خصوصاً در نماز شب اگر وقت وسیع باشد
روایت کرده در فقیه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله فرموده
که از شما هر کرا قنوتش درازتر باشد در دنیا بیشتر است
راحت او در روز قیامت و شیخ رضی الدین علی ابن طاوس

قدس سره، در کتاب منهج الدعوات پاره از قنوتهای طویل

که از ائمه ما علیهم السلام سخوانده اند ولکن دشمنان

میکرده اند ذکر کرده. و جایز است قنوت از روی

نوشته و کتاب خواندن در نماز سنتی و در نماز

واجبی جایز نیست و از قنوتهای مختصر که در سنتی و واجب

میتوان خواندن این دعاست إِلهی کَیفَ

أَدْعُوكَ وَقَدْ عَصَيْتُكَ وَكَيْفَ لا أَدْعُوكَ

وَقَدْ عَرَفْتُ حُبَّكَ فِي قَلْبِي إِنْ كُنْتُ عاصِيًا

مَدَدْتُ إِلَيْكَ يَدًا بِالذُّنُوبِ مَمْلُوَّةً

وَعَيْنًا بِالرَّجاءِ مَمْدُودَةً مَوْلايَ أَنْتَ

عَظِيمُ الْعُظَماءِ وَأَنَا أَسِيرُ الْأُسَراءِ أَنَا

الْأَسِيرُ بِذَنْبِي الْمُرْتَهَنُ بِجُرْمِي إِلهِي لَئِنْ

طالَبْتَنِي بِذَنْبِي لَأُطالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ

وَلَئِنْ طَالَبْتَنِي بِجُرْمِي لَأُطَالِبَنَّكَ بِعَفْ
وَلَئِنْ اَمَرْتَ بِي اِلَى النَّارِ لَاُخْبِرَنَّ
اَهْلَهَا اِنِّي كُنْتُ اَقُولُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُ
مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اِنَّ الطَّاعَةَ
تَسُرُّكَ وَالْمَعْصِيَةَ لَا تَضُرُّكَ فَهَبْ لِي
مَا يَسُرُّكَ وَاغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ يَا اَ
الرَّاحِمِينَ واگر خواهی در قنوت این دعای امام
محمد تقی جواد علیه السلم را بخوان اَللّٰهُمَّ اِنَّ الرَّجَا
لِسَعَةِ رَحْمَتِكَ اَنْطَقَنِي بِاسْتِقَالَتِكَ
وَالْاَمَلَ لِاَنَاتِكَ وَرِفْقِكَ شَجَّعَنِي عَلَى طَلَبِ
اَمَانِكَ وَعَفْوِكَ وَلِي يَا رَبِّ ذُنُوبٌ قَدْ
وَاجَهْتُهَا اَوْجُهُ الْاِنْتِقَامِ وَخَطَايَا
قَدْ لَاحَظَتْهَا اَعْيُنُ الْاِصْطِلَامِ وَاسْتَو

ها

بها على عدلك اليم العذاب واستحققت
باجراحها مبير العقاب وخفت تعويقها
لاجابتى وردّها اياى عن قضاء حاجتى
بابطالها لطلبتى وقطعها لاسباب
رغبتى من اجل ما انقض ظهرى من ثقلها
وبهظنى من الاستقلال بحملها ثم ترا
جعت رب الى حلمك عن الخاطئين
وعفوك عن المذنبين ورحمتك للعا صين
فأقبلت بثقتى متوكلا عليك طارحا
نفسى بين يديك شاكيا بثى اليك سا
ئلا ما لا استوجبه من تفريج الهم ولا
استحقه من تنفيس الغم مستقبلا
اياك واثقا مولاى بك اللهم فامنن

علی بالفرج وتطول علی بسهولة المخرج
وادللنی برافتک علی سمت المنهج و
ازلقنی بقدرتک عن الطریق الاعوج
وخلصنی من سجن الکرب باقالتک
واطلق اسری برحمتک وطل علی بر
ضوانک وجد علی باحسانک و
اقلنی عثرتی وفرج کربتی وارحم
عبرتی ولا تحجب دعوتی واشدد
بالاقالة ازری وقو بها ظهری واصلح
بها امری واطل بها عمری وارحمنی یوم
حشری ووقت نشری انک جواد
کریم رؤف رحیم بعد از دو رکعت نماز شب
این دعا بخواند اللهم انی اسئلک ولم

یا ر

يا اللّه انت موضع مسئلة السائلين
ومنتهى رغبة الراغبين ادعوك ولم
يدع مثلك انت مجيب دعوة المضطرين
وارحم الراحمين اسئلك بافضل المسائل
وانجحها واعظمها يا اللّه يا رحمٰن
يا رحيم وباسمائك الحسنى وامثالك
العليا ونعمك التي لا تحصى وباكرم
اسمائك عليك واحبها اليك واقربها
منك وسيلة واشرفها عندك منزلة
واجزلها لديك ثوابا واسرعها في الا
مور اجابة وباسمك المكنون الاكبر
الاعز الاجل الاعظم الاكرم الذي
تحبه وتهواه وترضى به عمن دعاك

وَاسْتَجِيبَ لَهُ دُعَاءَهُ وَحَقٌّ عَلَيْكَ اَنْ لَا
تَرُدَّ سَائِلَكَ وَبِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي التَّوْ
وَالْاِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ وَ
بِكُلِّ اسْمٍ دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِكَ وَمَلَا
ئِكَتُكَ وَاَنْبِيَائُكَ وَرُسُلُكَ وَاَهْلُ
طَاعَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ
وَلِيِّكَ وَتُعَجِّلَ خِزْيَ اَعْدَائِهِ وَاَنْ
تَفَضَّلَ بِي كذا وكذا وبجای کذا وکذا مطلب
خود بخواهد پس تسبیح فاطمه زهرا علیها السلم بگوید
دعائی که خواهی بخوان بگو پس دو سجده شکر کن
اگر خواهی در یکی از آن دو سجده این دعا امام زین
العابدین علیه السلم را بخوان اِلٰهِي وَعِزَّتِكَ وَ

وجلالك وعظمتك لو اني منذ بدعت
فطرتي من اول الدهر عبدتك دوام
خلود ربوبيتك بكل شعرة في كل طرفة
عين سرمد الابد بحمد الخلائق وشكرهم
اجمعين لكنت مقصرا في بلوغ اداء
شكر خفي نعمة من نعمك علي ولو
اني كربت معادن حديد الدنيا
بانيابي وحرثت ارضها باشفار عيني
وبكيت من خشيتك مثل بحور السموات
والارضين دما صديدا لكان ذلك
قليلا في كثير ما يجب من حقك علي
ولو انك الهي عذبتني بعد ذلك
بعذاب الخلائق اجمعين وعظمت للنار

خَلْقِي وَجِسْمِي وَ مَلَأْتَ طَبَقَاتِ جَهَنَّمَ مِنِّي
حَتَّى لَا يَكُونَ فِي النَّارِ مُعَذَّبٌ غَيْرِي وَ
وَلَا يَكُونَ لِجَهَنَّمَ حَطَبٌ سِوَايَ لَكَانَ
ذَلِكَ بِعَدْلِكَ عَلَيَّ قَلِيلًا فِي كَثِيرِ مَا
اسْتَوْجَبْتُ مِنْ عُقُوبَتِكَ وجريا هشت
ركعت نماز شب را بكند ازين بعد از ركعت هشتم
اين دعا بخوان يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ
ده بار صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْنِي وَ
ثَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ وَدِينِ نَبِيِّكَ وَلَا تُزِغْ
قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ
لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ
اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الْخَالِقُ
الرَّازِقُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ الْمُبْدِئُ الْبَدِيعُ لَكَ

الكرم

الکرمُ وَلکَ الجُودُ وَلکَ المنّ وَلکَ الامرُ
وَحدَکَ لا شریکَ لکَ یا خالِقُ یا رازِقُ
یا محیی یا مُمیتُ یا بدیعُ یا رفیعُ اسئلکَ
اَنْ تُصلّیَ علی مُحمّدٍ وَآلِ مُحمّدٍ وَانْ ترحَمَ
ذُلّی بَیْنَ یدَیْکَ وَتضرّعی اِلیْکَ وَوَ
حشتی مِنَ النّاسِ وَاُنسی بِکَ یا رب خوانا
این دعا را که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از رکعت
هشتم میخوانند اَللّهُمَّ اِنّی اَسئلُکَ بِحُرمَةِ
مَنْ عاذَ بِکَ وَلجأَ اِلی عِزّکَ وَاستظلّ
بِفَیْئِکَ وَاعتصَمَ بِحبلِکَ وَلَمْ یثِق اِلّا
بِکَ یا جزیلَ العطایا یا مُطلِقَ الاُساری
یا مَنْ سمّی نفسَهُ مِنْ جُودِهِ وَهّاباً اَدعوکَ
رَغَباً وَرَهَباً وَخوفاً وَطَمَعاً وَاِلحاحاً

وَ لِحَافاً وَ تَضَرُّعاً وَ تَمَلُّقاً وَ قَائِماً وَ قَاعِداً
وَ رَاكِعاً وَ سَاجِداً وَ رَاكِباً وَ مَاشِياً
وَ ذَاهِباً وَ جَائِياً وَ فِي كُلِّ حَالاتِي أَسْأَلُهُ
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ
بِي كَذَا وَ كَذَا و بجای كذا و كذا حاجت خود ذكر
كن پس سجده کن و ركوع ۰ و دعاء در آنها و بعد
از آنها بیش از این مذکور شد **فصل** از تعقیب سه رکعت
نماز شب فارغ شوی متوجه شو بدو رکعت شفع و یک رکعت
وتر و افضل وقتهاش از صبح کاذب است تا صبح
صادق **بدانکه** مشهور میان متاخرین فقها آنست
که وتر رکعت سیم است اما شایع و متعارف در احادیث
معصومین صلوات الله علیهم اجمعین آن است که وتر
هر سه رکعت است که دو رکعت شفع هم داخل وتر است

ایضاً ۱۹۱

روایت کرده شیخ طوسی قدس سره در تهذیب بسند صحیح
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت امام محمد باقر
علیه السلام در هر سه رکعت نماز وتر قل هو الله احد میخواندند
و هم او روایت کرده بسند موثق از آنحضرت که گفته
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میگذارد هشت رکعت
نماز نافله زوال و چهار رکعت اولی یعنی ظهر و هشت
رکعت بعد از آن یعنی نافله عصر و چهار رکعت عصر
و سه رکعت مغرب و چهار رکعت بعد از مغرب و چهار
رکعت عشا آخر و هشت رکعت نماز شب و سه رکعت
وتر و دو رکعت فجر و نماز غدا یعنی صبح دو رکعت
تا آخر حدیث و اینست و روایت کرده رئیس المحدثین
بسند صحیح از جعفر بن سالم الخیاط گفت شنیدم از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که میگفت باکی نیست آنکه

بگذارد شخصی دو رکعت نماز وتر را پس برود و حاجت
خود را بر آورد و بعد از آن برگردد و بجا آرد دیگر را
و احادیث درین بسیار است و اما اطلاق وتر بر رکعت
سیم تنها در احادیث بسیار کم است اما در عبارات
متأخرین فقها شایع است و اما متقدمین فقها
اکثر رکعت سیم را مفرده وتره میگویند از اینها
ظاهر میشود که اگر کسی نذر کند نماز وتر موظف را بری
الذمه نمیشود مگر آنکه هر سه رکعت را بجا آرد و آنچه
شیخ طبرسی قدس سره در کتاب مجمع البیان فرموده که
را سبع مثانی میگویند برای آنکه دو بار خوانده میشود در
هر نمازی فرضی و سنتی وجهی است خالی از قصوری و اعراض
بنماز وتر وارد نیست فصل در هر دو رکعت شفع بعد از
الحمد سوره قل هو الله احد که اند و اگر خواهی در رکعت

اول قل اعوذ برب الفلق و در دوم قل اعوذ برب الناس
وبعد از سلام دعای این دعا را بخواند اِلٰهی تَعَرَّضَ
لَكَ فِی هٰذَا اللَّیلِ المُتَعَرِّضُونَ وَقَصَدَكَ
فِیهِ القَاصِدُونَ وَاَمَّلَ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ
الطَّالِبُونَ وَلَكَ فِی هٰذَا اللَّیلِ نَفَحَاتٌ
وَجَوَائِزُ وَعَطَایَا وَمَوَاهِبُ تَمُنُّ بِهَا
عَلٰی مَنْ تَشَاءُ مِنْ عِبَادِكَ وَتَمْنَعُهَا مَنْ
لَمْ تَسْبِقْ لَهُ العِنَایَةُ مِنْكَ وَهَا اَنَا ذَا
عَبْدُكَ الفَقِیرُ اِلَیْكَ المُؤَمِّلُ فَضْلَكَ
وَمَعْرُوفَكَ فَاِنْ كُنْتَ یَا مَوْلَایَ تَفَضَّلْتَ
فِی هٰذِهِ اللَّیلَةِ عَلٰی اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ
وَعُدْتَ عَلَیْهِ بِعَائِدَةٍ مِنْ عَطْفِكَ
فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ

لِلْخَيْرِينَ الْفَاضِلِينَ وَحُدْ عَنِّي بِطَوْلِكَ
وَمَعْرُوفِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ
خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ الَّذِينَ
أَذْهَبَ اللهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا
إِنَّ اللهَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ
كَمَا أَمَرْتَ فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَ إِنَّكَ
لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ بعد از ان برخيزد و
تمر و بعد از نيت سه تكبير بگويد بعد از ان بخواند
اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ الَّذِي لَا
إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي
فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا
أَنْتَ پس دو تكبير بگو و بخوان لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ
وَالْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ

وَالْمَهْدِيُّ مَنْ هَدَيْتَ لَا مَلْجَأَ مِنْكَ وَلَا

إِلَّا إِلَيْكَ آمَنْتُ بِكَ وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ

تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ رَبَّنَا وَرَبَّ الْبَيْتِ

پس و تکبیر بگو و بخوان وَجَّهْتُ وَجْهِيَ

تا آخر و بعد از الحمد بخوان قُلْ هُوَ اللّٰهُ قُلْ

أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ و بعد از آن

دستها بردار و قنوت بخوان که برکنار این دعا

در فقیه بسند صحیح روایت کرده ست که سؤال کردند

الم محمد باقر و عبد الله یا امام جعفر صادق علیه السلام و سوال

بکو در قنوت وتر لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ

رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا

فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ نُوْرُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ
اللّٰهُ زَيْنُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ اللّٰهُ
جَمَالُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ اللّٰهُ عِمَادُ
السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ اللّٰهُ قِوَامُ السَّمٰوَاتِ
وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ اللّٰهُ صَرِيخُ الْمُسْتَصْرِخِيْنَ
وَاَنْتَ اللّٰهُ غِيَاثُ الْمُسْتَغِيْثِيْنَ وَاَنْتَ اللّٰهُ
الْمُفَرِّجُ عَنِ الْمَكْرُوْبِيْنَ وَاَنْتَ اللّٰهُ الْمُرَوِّحُ
عَنِ الْمَغْمُوْمِيْنَ وَاَنْتَ اللّٰهُ مُجِيْبُ دَعْوَةِ
الْمُضْطَرِّيْنَ وَاَنْتَ اللّٰهُ اِلٰهُ الْعَالَمِيْنَ
وَاَنْتَ اللّٰهُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ وَاَنْتَ اللّٰهُ كَاشِفُ
السُّوْءِ وَاَنْتَ اللّٰهُ بِكَ تُنْزَلُ كُلُّ حَاجَةٍ
يَا اللّٰهُ لَيْسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ اِلَّا حِلْمُكَ وَلَا
يُنْجِيْ مِنْ عِقَابِكَ اِلَّا رَحْمَتُكَ وَلَا يُنْجِيْ

منك الا التضرع اليك هب لى من لدنك
يا الهى رحمة تغنينى بها عن رحمة من
سواك بالقدرة التى بها احييت جميع
ما فى البلاد و بها تنشرت العباد
لا تهلكنى غما حتى تغفر لى و ترحمنى و
تعرفنى الاستجابة فى دعائى وارزقنى
العافية الى منتهى اجلى و اقلنى عثرتى
و لا تشمت بى عدوى و لا تمكنه من رقبتى
اللهم ان رفعتنى فمن ذا الذى يضعنى
و ان وضعتنى فمن ذا الذى يرفعنى
و ان اهلكتنى فمن ذا الذى يحول بينك
و بين عبدك او يتعرض لك فى شئ من امرى
و قد علمت انه ليس فى حكمك ظلم و لا

فِي نِقْمَتِكَ عَجَلَةٌ وَ اِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ
الْفَوْتَ وَ اِنَّمَا يَحْتَاجُ اِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ
وَقَدْ تَعَالَيْتَ عَنْ ذَلِكَ يَا اِلَهِي لَا تَجْعَلْنِي
لِلْبَلَاءِ غَرَضًا وَ لَا لِنِقْمَتِكَ نَصَبًا وَ مَهِّلْنِي
وَ نَفِّسْنِي وَ اَقِلْنِي عَثْرَتِي وَ لَا تُتْبِعْنِي بِبَلَاءٍ
اَثَرَ بَلَاءٍ فَقَدْ تَرَى ضَعْفِي وَ قِلَّةَ حِيلَتِي
اَسْتَعِيذُ بِكَ اللَّيْلَةَ فَاَعِذْنِي وَ اَسْتَجِيرُ
بِكَ مِنَ النَّارِ فَاَجِرْنِي وَ اَسْئَلُكَ الْجَنَّةَ
فَلَا تَحْرِمْنِي بعد از آن هر دعا که خواهی بکن و
بگو استغفر الله و اتوب الیه اینجا حدیث تمام شد
و سنت است که دعا کنی از برای چهل مؤمن بایشتر چنین
بگو اللهم اغفر لفلان بن فلان تا چهل کس و بعد از آن هفتاد بار
استغفار بکن و نشم بنشست زمت و دست چپ را از

بار ... بمال

... حضرت ... نقل روایت کرده در سنت صبح واگر صد بار

کنی افضل است بعد ازان هفت بار بگو استغفر الله

الذی لا اله الا هو الحی القیوم بجمیع جرمی وظلمی واسرافی

علی نفسی واتوب الیه بعد ازان بگو ربّ اسأت

وظلمت نفسی وبئس ما صنعت وهذه یدای

یا ربّ جزاء بما کسبت وهذه رقبتی خاضعة لما اتیت وها انا ذا بین یدیک فخذ

تبعة

لنفسك من نفسی الرضا حتی ترضی لك

العتبی لا اعود بعد ازان سه بار بگو العفو

العفو العفو بعد ازان بگو ربّ اغفر لی وارحمنی وتب علیّ انك انت التواب الرحیم

تطویل

... در قنوت وتر تطویل پس اضافه کن

قنوتی که در قنوت ... نماز شب مذکور شد واگر ...

دست داشته باشد اما دکر این دعا را زهری

الامدنی روایت کرده در کتاب امالی که در قنوت امام زین

العابدین علیه السلام میخوانده در قنوت وتر سیدی

سَیِّدی هٰذِه یَدَایَ قَدْ مَدَدْتُهَا اِلَیْکَ

بِالذُّنُوبِ مَمْلُوَّةً عَیْنَایَ بِالرَّجَاءِ مَمْدُودَةً

وَحَقٌّ لِمَنْ دَعَاكَ بِالنَّدَمِ تَذَلُّلاً اَنْ

تُجِیبَهُ بِالْکَرَمِ تَفَضُّلاً سَیِّدی اَمِنْ اَهْلِ

الشَّقَاءِ خَلَقْتَنی فَاُطِیلَ بُکَائی اَمْ اَهْلِ

السَّعَادَةِ خَلَقْتَنی فَاُبَشِّرَ رَجَائی سَیِّدی

اَمْ لِضَرْبِ الْمَقَامِعِ خَلَقْتَ اَعْضَائی اَمْ لِشُرْبِ

الْحَمیمِ خَلَقْتَ اَمْعَائی سَیِّدی لَوْ اَنَّ عَبْداً

اِسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ مَوْلاهُ لَکُنْتُ اَوَّلَ الْهَارِبینَ

مِنْكَ لٰکِنّی اَعْلَمُ اَنّی لا اَفُوتُكَ سَیِّدی

لوان

وان عفوك عني مما يزيد في ملكك لسألتك
الصبر عليه غير أني أعلم أنه لا يزيد
في ملكك طاعة المطيعين ولا ينقص
منه معصية العاصين سيدي ما أنا وما
خطري هب لي بفضلك وجللني بسترك
واعف عن توبيخي بكرم وجهك إلهي و
سيدي ارحمني مصروعا على الفراش تقلبني
أيدي أحبتي وارحمني مطروحا على المغتسل
يغسلني صالح جيرتي وارحمني محمولا قد
تناول الأقرباء (وأطراف) جنازتي وارحم في ذلك
البيت المظلم وحشتي وغربتي ووحدتي
و اگر [illegible] تنگ شده باشد در قنوت اختصار کند و این
بخواند اللهم إن كثرة الذنوب تكف أيدينا

مِن انبساطِها اِلَيكَ بِالسُّؤالِ وَاَلمُداوَمةِ
عَلَى المَعاصِى تَمنَعُنا عَنِ التَّضَرُّعِ وَالابتِهالِ
وَالرَّجاءِ يَحُثُّنا عَلى سُؤالِكَ يا ذَا الجَلالِ
وَالاِكرامِ فَاِن لَم يَعطِفِ السَّيِّدُ عَلى عَبدِهِ
فَمَن يَبتَغِى النَّوالَ فَلا تَرُدَّ اَكُفَّنا اللّهُمَّ
المُتَضَرِّعَةَ اِلَيكَ اِلّا بِبُلُوغِ الآمالِ وَصَلَّى اللّهُ
عَلى اَشرَفِ الاَنبِياءِ وَالمُرسَلِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الطّاهِرِينَ بعد از آن رکوع کن و چون سر از رکوع برداری
این دعا بخوان هذا مَقامُ مَن حَسَناتُهُ نِعمَةٌ
مِنكَ وَسَيِّئاتُهُ بِعَمَلِهِ وَذَنبُهُ عَظِيمٌ
وَشُكرُهُ قَلِيلٌ اِلهى طُمُوحُ الآمالِ قَد
خابَت اِلّا لَدَيكَ وَمَعاكِفُ الهِمَمِ قَد
تَقَطَّعَت اِلّا عَلَيكَ وَمَذاهِبُ العُقُولِ قَد

سمت

[illegible] إليك فإليك الرجاء والالتجاء
الملتجئ يا أكرم مقصود وأجود مسؤول
هربت إليك بنفسي يا ملجأ الهاربين
بأثقال الذنوب أحملها على ظهري وما
أجد لي إليك شافعا سوى معرفتي بأنك
أقرب من رجاه الطالبون ولجأ إليه
المضطرون وأمّل ما لديه الراغبون يا من
فتق العقول بمعرفته وأطلق الألسن بحمده
وجعل ما امتنّ به على عباده كفاء لتأدية
حقه صلّ على محمد وآله ولا تجعل الهموم
على عقلي سبيلا ولا للباطل على عملي دليلا
برحمتك يا أرحم الراحمين [illegible]
[illegible]

سبحان اناجيك يا موجود في كل مكان لعلك
تسمع ندائي فقد عظم جرمي وقل حياؤ
يا مولاي يا مولاي اي الاهوال اتذكر و
ايها انسى ولم يكن الا الموت لكفى كيف وما
بعد للموت اعظم وادهى مولاي يا مولاي
حتى والى متى اقول لك العتبى مرة بعد اخرى
ثم لا تجد عندي صدقا ولا وفاء فيا
غوثاه ثم واغوثاه بك يا الله من هوى
قد غلبني ومن عدو قد استكلب علي
ومن دنيا قد تزينت لي ومن نفس امارة
بالسوء الا ما رحم ربي مولاي يا مولاي
ان كنت رحمت مثلي فارحمني وان
قبلت مثلي فاقبلني يا قابل السحرة اقبلني

يا من

[illegible] أتعرف منه الحسنى يا مرتجى
يغذيني بالنعم صباحاً ومساءً ارحمني يوم
آتيك فرداً شاخصاً إليك بصري مقلداً
عملي قد تبرأ جميع الخلق مني نعم وأبي وأمي
ومن كان له كدي وسعيي فإن لم ترحمني فمن
يرحم في القبر وحشتي ومن ينطق لساني
إذا خلوت بعملي وسألتني عما أنت
أعلم به مني فإن قلت نعم فأين المهرب
من عدلك وإن قلت لم أفعل قلت
ألم أكن الشاهد عليك فعفوك
وعفوك يا مولاي قبل أن تلبس الأبدان
سرابيل القطران فعفوك عفوك يا
مولاي قبل أن تغل الأيدي والا   عناق

المرحم الراحمين وخير الغافرين
تحبك كن ودر تحبن بكوا اللهم صل على محمد وآله
وارحم ذلي بين يديك وتضرعي اليك
ووحشتي من الناس وانسي بك يا كريم
يا كائنا قبل كل شيء يا مكون
كل شيء يا كائنا بعد كل شيء لا تفضحني
فانك بي عالم ولا تعذبني فانك علي
قادر اللهم اني اعوذ بك من كرب
الموت ومن سوء المرجع في القبور ومن
الندامة يوم القيمة اسئلك عيشة
هنيئة
وميتة سوية ومنقلبا كريما غير مخز
ولا فاضح اللهم مغفرتك اوسع من
ذنوبي ورحمتك ارجى عندي من عملي

وصل علی محمد و آل محمد واغفرلی یا حیّ یا
لا یموت فصل چون از تعقیب فارغ شوی
متوجه شو به دو رکعت نافله فجر و اینها را دساس
هم گویند زیرا که داخل اند در نماز شب روایت کرده
شیخ طوسی قدس سره در تهذیب بسند صحیح که خواست
امام رضا علیه السلم گفت بر گیر این دو رکعت نافله
را با نماز شب و ظاهر آن است که وقت این دو رکعت
می گذشت تا طلوع سرخی آفتاب از جانب مشرق چنانکه
در بعض روایات هست و مذهب بعضی از علماست
و افضل وقتهای آن از طلوع صبح کاذب است
تا طلوع صبح صادق و بخوان بعد از الحمد در رکعت
اول قل یا ایها الکافرون و دوم قل هو الله احد و چون
سلام دهی بر پهلوی راست بخواب رو بقبله چنانکه میت برین عقیده را

در لحد بگذارند و جانب راست رو دهد بگذارد ...

الّلهمّ اِنّي استمسكتُ بالعروة الوثقى التي لا
انفصام لها واعتصمتُ بحبل الله المتين
واعوذ بالله من شرّ فسقة العرب والعجم
وشرّ فسقة الجنّ والانس ربّي الله
ربّي الله ربّي الله امنتُ بالله توكّلتُ
على الله لا حول ولا قوّة الّا بالله ومن
يتوكّل على الله فهو حسبه انّ الله
بالغ امره قد جعل الله لكلّ شيءٍ قدرا
حسبي الله ونعم الوكيل اللّهمّ من اصبح
ولَهُ ... الله حاجة الى المخلوق فانّ حاجتي
ورغبتي اليك وحدك لا شريك
لك الحمد لله ربّ العالمين ربّ

الصّباح

الصباح الحمد لله فالق الاصباح الحمد لله فالق الاصباح الحمد
لله قاسم المعاش الحمد لله جاعل الليل
سكنا والشمس والقمر حسبانا ذلك
تقدير العزيز العليم اللهم صل على محمد
وآل محمد واجعل في قلبي نورا وفي
بصري نورا وعلى لساني نورا ومن بين
يدي نورا ومن خلفي نورا وعن يميني
نورا وعن شمالي نورا ومن فوقي نورا
ومن تحتي نورا واعظم لي النور واجعل
لي نورا امشي به في الناس ولا تحرمني
نورك يوم القيمة بعد از ان که آن آية الكرسي
الا آ [illegible] برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و
پنج آيه از آخر سوره آل عمران ان في خلق السموات

وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ
لِأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا
وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَٰذَا بَاطِلًا
سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ
الْمِيعَادَ بعد از آن سیم و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بگو
و صد بار سبحان ربی العظیم و بحمده استغفر الله
ربی و اتوب الیه و هفت بار بسم الله الرحمن الرحیم
لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بعد از آن دو سجده
شکر کن و در آنها بگو آنچه توانی از دعاهایی که پیش گذشت
شد و در سجدهای شکر برای برادران مؤمن دعا کن و این بگو
اللَّهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَاللَّيَالِي الْعَشْرِ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ
وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَٰهَ كُلِّ شَيْءٍ

وفاق

وَخَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ وَ مَلِيكَ كُلِّ شَيْءٍ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افعَل بِي و بفلان و فلان
مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَ لَا تَفْعَلْ بِي بِنَا مَا نَحْنُ
اَهْلُهُ فَاِنَّكَ اَهْلُ التَّقْوىٰ وَ اَهْلُ الْمَغْفِرَةِ
نفل واگر وقت دست داشته باشد کوان این
اعای صحیفه را که حضرت امام زین العابدین علیه السلام
نماز شب میخوانده و مراد بنماز شب انجا بیزده رکعت است
را نافله فجر هم داخل باشد اَللّٰهُمَّ يَا ذَا الْمُلْكِ الْمُتَأَبِّدِ
بِالْخُلُودِ وَ السُّلْطَانِ الْمُمْتَنِعِ بِغَيْرِ جُنُودٍ وَلَا
اَعْوَانٍ وَ الْعِزِّ الْبَاقِي عَلَى مَرِّ الدُّهُورِ وَ
خَوَالِي الْاَعْوَامِ وَ مَوَاضِي الْاَزْمَانِ وَالْاَيَّامِ
عَزَّ سُلْطَانُكَ عِزًّا لَا حَدَّ لَهُ بِاَوَّلِيَّةٍ وَلَا
مُنْتَهَى لَهُ بِآخِرِيَّةٍ وَاسْتَعْلَى مُلْكُكَ عُلُوًّا

سقطت الاشيا دون بلوغ امله ولا يبلغ
ادنى ما استاثرت به من ذلك اقصى
نعت الناعتين ضلت فيك الصفات
وتفسخت دونك النعوت وحارت في كبريا
لطائف الاوهام كذلك انت الله الاول
في اوليتك وعلى ذلك انت دائم لا تزول
وانا العبد الضعيف عملا الجسيم املا
خرجت من يدي اسباب الوصلات الا و
صلة رحمتك وتقطعت عني عصم الامال
الا ما انا معتصم به من عفوك فقل عندي
ما اعتد به من طاعتك وكثر علي ما
ابوء به من معصيتك ولن يضيق عليك
عفوك عن عبدك وان اساء فاعف

منّي اللّهمّ وقد اشرف على خفايا الاعمال
علمك وانكشف كلّ مستورٍ دون خبرك
ولا تنطوي عنك دقائق الامور ولا تعزب
عنك غيبات السرائر وقد استحوذ على
عدوك الذي استنظرك لغوايتي فا
نظرته واستمهلك الى يوم الدين لا
ضلالي فامهلته فاوقعني وقد هربت
اليك من صغائر ذنوبٍ موبقةٍ وكبائر
اعمالٍ مرديةٍ حتى اذا قارفت
معصيتك واستوجبت بسوء سعيي
سخطتك فتل عني عذار غدره وتلقاني
بكلمة كفره وتولى البراءة مني وادبر
موليا عني فاصحرني لغضبك فريدا

فَاَخْرَجَنِي اِلَى فَنَاءِ نِقْمَتِكَ فَهَلْ لِاَنْتُمْ
لِي الْمَيَّتَ وَلَا خَفِيرَ يُؤْمِنُنِي عَلَيْكَ وَلَا
حِصْنَ يَحْجُبُنِي عَنْكَ وَلَا مَلَاذَ اَلْجَاُ اِلَيْـ
مِنْكَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ وَمَحَلُّ
الْمُعْتَرِفِ لَكَ فَلَا يَضِيقَنَّ عَنِّي فَضْلُكَ
وَلَا يَقْصُرَنَّ دُونِي عَفْوُكَ وَلَا اَكُنْ
اَخْيَبَ عِبَادِكَ التَّائِبِينَ وَلَا اَقْنَطَ وُفُو
الْاٰمِلِينَ وَاغْفِرْ اِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ
اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَمَرْتَنِي فَتَرَكْتُ وَنَهَيْتَنِي
فَرَكِبْتُ وَسَوَّلَ لِيَ الْخَطَا خَاطِرُ السُّوءِ
فَفَرَّطْتُ وَلَا اَسْتَشْهِدُ عَلَى صِيَامِي نَهَارًا
وَلَا اَسْتَجِيرُ بِتَهَجُّدِي لَيْلًا وَلَا تُثْنِي
بِاِحْيَائِهَا سُنَّةٌ حَاشَا فُرُوضِكَ الَّتِي

مَن

من ضيّعها هلك ولست اتوسّل اليك
بفضل نافلة مع كثير ما اغفلت من
وظائف فروضك وتعدّيت عن مقامات
حدودك الى حرمات انتهكتها وكبائر
ذنوب اجترحتها كانت عافيتك لي
من فضائحها سترا وهذا مقام من
استحيا لنفسه منك وسخط عليها ورضي
عنك فتلقّاك بنفس خاشعة ورقبة
خاضعة وظهر مثقل من الخطايا واقفا
بين الرغبة اليك والرهبة منك و
انت اولى من رجاه واحقّ من خشيه
واتّقاه فاعطني يا ربّ ما رجوت و
امنّي ما حذرت وعد علىّ بعائدة رحمة

إِنَّكَ اَكْرَمُ الْمَسْؤُلِيْنَ اَللّٰهُمَّ وَاِذْ سَتَرْتَنِي
بِعَفْوِكَ وَتَغَمَّدْتَنِي بِفَضْلِكَ فِي دَارِ الْفَنَاءِ
بِحَضْرَةِ الْاَكْفَاءِ فَاَجِرْنِي مِنْ فَضِيحَاتِ
فِي دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْاَشْهَادِ مِنَ
الْمَلٰئِكَةِ الْمُقَرَّبِيْنَ وَالرُّسُلِ الْمُكَرَّمِيْنَ
وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِيْنَ مِنْ جَارٍ كُنْتُ
اُكَاتِمُهُ سَيِّئَاتِي وَمِنْ ذِي رَحِمٍ كُنْتُ اَ
حْتَشِمُ مِنْهُ فِي سَرِيْرَاتِي لَمْ اَثِقْ بِهِمْ رَبِّ
فِي السَّتْرِ عَلَيَّ وَوَثِقْتُ بِكَ رَبِّ فِي الْمَغْفِرَةِ
لِي وَاَنْتَ اَوْلَى مَنْ وُثِقَ بِهِ وَاَعْطَى مَنْ
رُغِبَ اِلَيْهِ وَاَرْاَفُ مَنِ اسْتُرْحِمَ فَارْحَمْنِي
اَللّٰهُمَّ وَاَنْتَ حَدَرْتَنِي مَاءً مَهِيْنًا مِنْ
صُلْبٍ مُتَضَايِقِ الْعِظَامِ حَرِجِ الْمَسَالِكِ

اِلَى

اِلَى رَحِمٍ ضَيِّقَةٍ سَتَرْتَهَا بِالْحُجُبِ تُصَرِّفُنِي
حَالًا عَنْ حَالٍ حَتَّى انْتَهَيْتَ بِي اِلَى تَمَامِ
الصُّورَةِ وَاَثْبَتَّ فِيَّ الْجَوَارِحَ كَمَا نَعَتَّ
فِي كِتَابِكَ نُطْفَةً ثُمَّ عَلَقَةً ثُمَّ مُضْغَةً
ثُمَّ عِظَامًا ثُمَّ كَسَوْتَ الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ
اَنْشَأْتَنِي خَلْقًا آخَرَ كَمَا شِئْتَ حَتَّى اِذَا
احْتَجْتُ اِلَى رِزْقِكَ وَلَمْ اَسْتَغْنِ عَنْ غِيَاثِ
فَضْلِكَ جَعَلْتَ لِي قُوتًا مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَ
شَرَابٍ اَجْرَيْتَهُ لِاَمَتِكَ الَّتِي اَسْكَنْتَنِي حَجْرَهَا
وَاَوْدَعْتَنِي قَرَارَ رَحِمِهَا وَتَكِلْنِي يَا رَبِّ فِي
تِلْكَ الْحَالَاتِ اِلَى حَوْلِي وَتَضْطَرَّنِي اِلَى قُوَّتِي
لَكَانَ الْحَوْلُ عَنِّي مُعْتَزِلًا وَلَكَانَتِ الْقُوَّةُ
مِنِّي بَعِيدَةً فَغَذَوْتَنِي بِفَضْلِكَ غِذَاءَ الْبَرِّ

اللطيف تفعل ذلك بي تطوّلاً على الى غايتي
هذه لا اعدم برّك و لا يبطئ عنّي حسن
صنعك و لا تنا كل مع ذلك ثقتي فاتفرّغ
لما هو احظى لي عندك قد ملك الشيطان
عناني في سوء الظنّ و ضعف اليقين فانا
اشكو سوء مجاورته لي و طاعة نفسي له
و استعصمك من ملكته و اتضرّع اليك
في ان تسهّل الى رزقي سبيلا فلك الحمد
على ابتدائك بالنعم الجسام و الهامك
الشكر على الاحسان و الانعام فصلّ على
محمّد و آله و سهّل على رزقي و ان تقنّعني
بتقديرك لي و ان ترضيني بحصّتي فيما قسمت
لي و ان تجعل ما بقي من جسمي و عمري في

سبيل طاعتك إنك خير الرازقين اللهم
إني أعوذ بك من نار تغلظت بها على
من عصاك وتوعدت بها من صدف
عن رضاك ومن نار نورها ظلمة وهينها
أليم وبعيدها قريب ومن نار يأكل
بعضها بعضا وتصول بعضها على بعض
ومن نار تذر العظام رميما وتسقي أهلها
حميما ومن نار لا تبقي على من تضرع
إليها ولا ترحم من استعطفها ولا تقدر
على التخفيف عمن خشع لها واستسلم إليها
تلقى سكانها بأحر ما لديها من
أليم النكال وشديد الوبال وأعوذ بك
من عقاربها الفاغرة أفواهها وحيا تها

الضَّالِفَةِ بِاَنْيَابِهَا وَ شَرابِهَا الَّذِى يَقْطَعُ اَ
اَمْعَاءَ وَ اَفْئِدَةَ سُكَّانِهَا وَ يَنْزِعُ قُلُوبَهُمْ
وَ اَسْتَهْدِيكَ لِمَا بَعُدَ مِنْهَا وَ اَخْرَجَهَا
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اَجِرْنِى مِنْهَا
بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ وَ اَقِلْنِى عَثَرَاتِى بِحُسْنِ اِقَا
لَتِكَ وَ لَا تَخْذُلْنِى يَا خَيْرَ الْمُجِيرِينَ اِنَّكَ
تَقِى الْكَرِيهَةَ وَ تُعْطِى الْحَسَنَةَ وَ تَفْعَلُ
مَا تُرِيدُ وَ اَنْتَ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ. اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اِذَا ذُكِرَ الْاَبْرَارُ وَ صَلِّ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ مَا اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ
صَلٰوةً لَا يَنْقَطِعُ مَدَدُهَا وَ لَا يُحْصٰى عَدَدُهَا
صَلٰوةً تَشْحَنُ الْهَوَاءَ وَ تَمْلَأُ الْاَرْضَ وَ
السَّمَاءَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ حَتّٰى يَرْضٰى وَ صَلّٰى

/۱۲۳

اللّٰه علیه و آله بعدد الرضا صلوة لا حدّ
لها و لا منتهی یا ارحم الراحمین فصل
سنت است دانستن و ملاحظه کردن معنی هر چه در نماز
تلفظ میشود از ذکر و دعاها و آنچه میخوانند میشود از آیه
و سوره و باید که وارث نماز گذار حرکت دادن زبان
تنها بجا نیاورند بی ملاحظه معنیها پس حکم فارسی زبانی
[illegible] که عربی نداند و نفهمد و لفظی چند از
عربی بر زبان راند و حکم عربی که فارسی نفهمد و نداند
و لفظی چند فارسی بر زبان راند بی آنکه معنیها
آن را داند و کافی است برای تفسیر این معنی قول
حق تعالی یا ایها الذین آمنوا لا تقربوا
الصلوة و انتم سکاری حتی تعلموا ما تقولون
یعنی والله اعلم ای آنکسانی که ایمان آورده اید نزدیک

نزدیک مشوید بنماز در حالتی که نشاست باشید تا آنکه
بدانید آنچه میگویید و روایت کرده رئیس المحدثین
ابن بابویه که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده
کسی که دو رکعت نماز بگذارد و داند که چه میگوید
برگردد از نماز و حال آنکه نمانده باشد میانه او
و خدای تعالی گناهی مگر که خدای تعالی آمرزیده باشد او را
و ما این کتاب را ختم میکنیم بتفسیر سوره فاتحه
بسم الله الرحمن الرحیم با حرف جر است بمعنی
استعانت است یعنی طلب مدد از اسم خدای تعالی
یا برای مصاحبت است و همراهی و اول بهتر است
زیرا که مشعر است بانکه ذکر اسم خدای تعالی در ابتدای
کار وسیله بجا آمدن و تمام شدن آن کار است
بوجه اکمل و اتم گویا که کاری بی ذکر نام الهی تمام نشود

یعنی مصاحبت از این استعار عاریست واین جار
با مجرورش متعلق است بعامل مقدر واین عامل
مقدر یا اسم است یا فعل هر یکی از این دو عام است یا
خاص پس هر یکی از این چهار مقدم است یا موخر و برین
این هشت وجه خاص فعلی موخر است زیرا که فعل عام
مثل ابتدأ و اسم عام مثل ابتدا باعث توهم آن میشود
که طلب مدد از خدای تعالی مخصوص باشد بابتدای کار
و اسم خاص مثل قرائتی باعث زیادتی تقدیر است
در کلام زیرا که او مبتدا خواهد بود پس خبرش مقدر
خواهد بود زیرا که تعلق ظرف به و مانع است از آنکه او
خبر مبتدا محذوف باشد و فعل خاص مقدم اقرأ باسم الله
در مخصوص بودن یاری طلبیدن از اسم خدای تعالی
فوت میشود الله علم شخص ذات مقدس الهی است که جامع

جمیع صفات کمال است زیرا که اگر اسم مفهوم واجب
الوجود باشد لازم آید که لا اله الا الله افاده
توحید نکند زیرا که احتمال دارد که افراد آن مفهوم
متعدد باشد در اعتقاد گوینده این کلمه
و برین دلیل اعتراض کرده اند بآنکه بنا برین لازم
آید که قل هو الله احد دلالت بر توحید نکند زیرا که
جایز شده بود که علم یکی از افراد واجب باشد
بآنکه این سوره را دلیل می داشته اند بر توحید
و این اعتراض وارد نیست زیرا که میشده اند بود که
یکی بود لهذا ای تعالی از آخر این سوره معلوم شود
واما اول ش دلالت کند بر احدیت بمعنی عدم قبول
قسمت الرحمن الرحیم هر دو بمعنی رحمت کننده و مبالغه
در رحمت بیشتر است الحسب زیادتی لفظ و صفت

167

مشبهه اند مشتق از رحم بکسر عین بعد از انکه نقل کرده اند
او را به رحم بضم عین و مبالغه در رحمن بیشتر است زیرا
که زیادتی لفظ دلالت میکند بر زیادتی معنی و آن
زیادتی یا باعتبار کمیت است چنانکه در دعای
یا رحمن الدنیا و رحیم الاخره گفته اند زیرا که
رحمت دنیا زیادتر است بواسطه انکه شامل مومن و کافر است
و رحمت آخرت مخصوص است بمومن و یا انکه زیادتی باعتبار
کیفیت باشد چنانکه در دعای یا رحمن الدنیا
و الاخره و رحیم الدنیا گفته اند بواسطه انکه نعمت آخرت
عظیم و بی نهایت است بخلاف نعمت دنیا پس معنی رحمان
ذاتی است که رحمت او بغایت و نهایت باشد و
از اینجهت رحمن مخصوص است بخدای تعالی و اطلاق بر غیر
او نمیکنند زیرا که رحمت و احسان کننده و بخشنده

حقیقی بلا عوض اوست و رحمت و احسان غیر او یا برای
مدح و ثنای دنیاست یا برای ثواب آخرت یا برای
زایل کردن آزردگی و رقتی که دل او را بهم رسیده
بسبب جنسیت یا برای دور کردن بیسی بخل با خود
و با وجود اینها آن غیر مثل واسطه است زیرا که
دادن اصل نعمت و قدرت دادن بر دادن
و وصل ساختن همه از جانب خدای تعالی است و
تقدیم الرحمن بر الرحیم با آنکه ترقی از ادنی باید
با علی نه از اعلی با دنی برای آن است که رحمن
بسبب مخصوص بودن او بخدای تعالی گویا که واسطه است
میان اسم و صفت پس مناسب آن بود که واسطه بودن
میان علم ذات که الله است و میان صفت که رحیم است
و ذکر این نامهای شریف در بسم الله که ابتدای کتاب کریم است

برا

برای محکم کردن بنای جود و کرم و تقویت دادن معالم
عفو و رافت است و اشاره است بانکه رحمت الهی
سابق است بر غضبش و تنبیه است بر آنکه سزاوار است که
بسیار جستن اثر ذکر او در جمیع کارها زیرا تعالی است که
جامع جمیع صفات کمال است و رحمتش در غایت و
نهایت است و صاحب اصول جمیع نعمتهای دنیا و آخرت
و صاحب نعمتهای بزرگ و کوچک است الحمد لله
رب العالمین متن حمد ثنائی است بر جمیل اختیاری و حمد الهی
بر بعضی از صفاتش راجع است که بر آثاری که مترتب میشود
بر ذات مقدسش بنا بر آنکه صفات الهی عین ذات است
و آن آثار اختیاری الهی است والف و لام الحمد برای
جنس است یعنی جنس حقیقت حمد مخصوص است که الله تعالی
یا برای استغراق است یعنی جمیع افراد حمد یا برای عهد

خارجی است یعنی فرد کامل تر از افراد حمد که لایق حق تعالی
باشد ثابت و مخصوص است که او تعالی و رب یا مصدر است
بمعنی تربیت یعنی رسانیدن چیزها بکمالش کم کم و وصف
آنکه رب برای مبالغه است چنانکه در رجل عدل
یا صفت مشبهه است از ربه یربه بعد از آنکه نقل
کرده باشند بصیغه لازم چنانکه در رحیم مذکور شد
و چون اضافه رب به العالمین اضافه حقیقی است
مثل کریم البلد زیرا که عمل نصب اینجا نیست پس
جایز است که صفت الله که معرفه است واقع شود یا آنکه
مراد استمرار است نه حدوث و عالم اسم چیزیست
که بان علم بچیزی حاصل شود اما بحسب غلبه استعمال مراد
از او هر جنسی است از اجناس آنکه بان خدای تعالی را
توان دانست چنانکه عالم افلاک و عالم عناصر عالم گویند

برجوان

158

حیوان و عالم نبات الرحمن الرحیم ذکر رحمن این
اسمهای شریف در ابتدای کتاب مجید برای اشارت
بر آنکه اهتمام حضرت الهی برحمت بیشتر است از باقی صفات
و برای آنکه امید بندگان زیاده شود برحمت الهی چون دانند
که مالک روز جزا رحمن و رحیم است گویا که میفرماید که ای
گناهکاران مایوس مشوید از بخشش خدای تعالی گناهان شما را
روز قیامت که او رحمن و رحیم است مالک یوم
الدین قرائت عاصم و کسائی است یعنی صاحب روز جزا
و باقی قرا ملک یوم الدین خوانده اند یعنی پادشاه روز
جزا و موافق قول خدای تعالی یوم لا تملک نفس لنفس شیئا
والامر یومئذ لله موید قرائت اول است و مرجح قرائت
دویم پنج وجه است اول آنکه تعظیم در وی بیشتر است
دوم آنکه مناسب تر است باضافه روز جزا چنانکه

میگویند پادشاه عصر سیم انکه موافقت بیشتر دارد بقول
خدای تعالی که لمن الملک الیوم لله الواحد القهار
یعنی برای کیست پادشاهی روز قیامت برای خدا است
که یکی است و قهار است چهارم انکه مناسبت بیشتر دارد
با انچه در اخر کتاب است در سورهٔ قل اعوذ برب الناس
از وصف به پادشاهی بعد از وصف بربوبیت مناسب
باشد ابتدا با انتها پنجم انکه اضافه اسم بیوم الدین
حقیقی است پس معرفه باشد پس وصف الله که معرفه است
باو جایز است بی توجیهی و تکلفی زیرا که مثل کریم البلد است
بخلاف مالک که اضافه است لفظی است و کسب تعریف
نکرده وصف معرفه نتوانند مگر بتوجیهی و تکلفی که
گوییم اینجا بمعنی ماضی است زیرا که مضارع محقق الوقوع
را قایم مقام ماضی کرده ایم یا انکه اینجا مراد استمرار ثبوت است

در نز

118

و نیز اضافه اسم فاعل بظرف محتاج است بتوحید آنکه
مفعول به است مجاز او دین خبر جزا است چنانکه می‌گویند
کما تدین تدان یعنی چنانکه بوجه امیدی جزا خواهی
یافت و وجه تخصیص مالکیت و پادشاهی خدای تعالی
بروز قیامت با آنکه خدای تعالی پادشاه و مالک همه
چیزهاست در جمیع اوقات برای تعظیم روز قیامت است
و برای آنکه مالکیت و پادشاهی که در این دنیا غیر خدا را
هست در آن روز بالکلیه زایل و باطل میگردد و مخصوص
میشود بخدای تعالی و در ذکر این صفات بعد از ذکر
الله که دلالت میکند بر آنکه خدای تعالی جامع جمیع صفات
کمالات است اشارتست بآنکه حمد سزا کمال و تعظیم است
کسی را برای یکی از جمله چیزهاست یا برای کمال ذاتی و صفاتی
یا بواسطه آنکه امید دارند از او یا بیم بنعمتی چنانکه

رسد یا بواسطهٔ آنکه میترسند از کمال قهر و غضب کمال

قدرتش پس گویا که خدای تعالی میفرماید که ای مردمان اگر

کسی برای کمال ذاتی و صفاتی میکند پس نام من الله است

و من جامع همه ام و اگر برای احسان و نعمتی است که شما را

شده پس من رب یعنی پرورندهٔ عالمیانم و اگر برای امید

و طمع نعمتی که بعد ازین بشما رساند در دنیا یا در آخرت

پس من رحمن و رحیم و اگر برای ترس از کمال قدرت

و غضب است پس مالک روز قیامتم ایاک نعبد

و ایاک نستعین عبادت نهایت خضوع و خاکساریست و ازین جهت

است که لایق عبادت نیست مگر کسی که ولی و دهندهٔ

اعلی و اعظم مراتب باشد مثل وجود و حیات و هر چه لازم

و تابع اینها تابع اینها باشد و استعانت طلب یاری

دهندهٔ است در جمیع کارها یا در بعضی و او بجا آوردن

طلبه

عبادت و قیام بوظائف و شروطش از اخلاص تام
و حضور دل و در این کریمه پنج چیز است که نکته آن را
بیان باید کرد اول تقدیم عبادت بر استعانت
دوم تقدیم معمول که ایاک است بر عامل که نعبد است و نستعین
سیم مکرر ساختن لفظ ایاک چهارم اختیار صیغه متکلم مع الغیر
بر صیغه متکلم واحد پنجم التفات و توجه از غیبت بخطاب
اما سبب تقدیم عبادت بر استعانت پس شاید که
نکته آن هفت چیز باشد اول رعایت موافقت اواخر
آیات در حروف سابق بر حروف آخر آیه و این وجه
صحیح است اگر بسمله آیه علیحده باشد از الحمد دوم آنکه عبادت
مطلوب خدای تعالی است از بندگان و مدد مطلوب بندگان
است از خدای تعالی پس مناسب تقدیم مطلوب
الهی است بر مطلوب بندگان سیم آنکه عبادت مناسبتر است

بجزا و ثواب و استعانت بطلب هدایت پس مناسب
آن بود که هر یکی متصل باشند بانچه باو مناسب ترند
چهارم انکه یاری دهد یافتن بروجه اکمل اثر و ثمره
عبادت است چنانکه ظاهر میشود از حدیث قرب
نزدیک نمیشود بمن بنده من بچیزی که دوستر باشد
از انچه من برو واجب کرده ام و بدرستی که نزدیکی میجوید
بمن بنده من بنفلها تا انکه او را دوست دارم پس چون
او را دوست دارم باشم گوش او که بان میشنود
و چشم او که بان می بیند و دست او که بان غضب میکند
تا اخر حدیث پنجم انکه تخصیص خدا بعبادت اول چیزیست
که حاصل میشود باسلام اما تخصیص باستعانت پس بعد از
رسوخ تمام است در دین پس اینجا است تاخیر ششم
انکه عبادت وسیله است که حصول مطالب مدد یافتن است

ونقدیم وسیله بر طلب مطلب اقرب است باجابت
هشتم انکه چون متکلم نسبت عبادت بخود داد النفس او را
اندک عجبی و تکبری حاصل شد پس در عقب آن اقرار
کرد بانکه عبادت هم تمام نیست و صادر نمیشود از من
مگر بیاری و مدد خدای تعالی و اما تقدیم مفعول عبادت
و استعانت بر ایشان پس شاید که نکته در ان
سه چیز باشد اول انکه عبادت و استعانت مخصوص است
بخدای تعالی بقصر حقیقی یا اضافی افرادی دوم برای تقدیم
انچه در وجود مقدم است سیم اشارت بانکه عبادت
کننده و یاری طلبنده را باید که منظور و ملحوظ او اولاً
و بالذات خدای تعالی باشد بر روش ما رأیت شیئاً
الا رأیت الله قبله یعنی هیچ چیزی را ندیدم مگر انکه
خدای تعالی را ملاحظه کردم پس از و و بعد از ان ملحوظ

خودش باشد نه بالذات بلکه از آن حیثیت که منسوب است
بخدا بعد از آن ملاحظه عملش کنند از عبادت نه از آن
جهة که از او صادر شده بلکه از آنجهت که عبادت
نسبتی است شریف میانه او و میانه خدای تعالی واما
مکرر آوردن ایاک پس شاید که نکته آن چهار چیز باشد
اول تصریح کردن باینکه مخصوص باستعانت خداست
والا احتمال دارد که مفعولش را مؤخر تقدیر کنند
پس این تصریح فوت میشد دوم دفع توهم آنکه مجموع
عبادت و استعانت مخصوص است بخدا نه هر یک از آنها
سیم درک لذات خطاب با محبوب چهارم بسط کلام
با محبوب چنانکه در کلام موسی علی نبینا و علیه السلام که
هی عصای اتوکؤا علیها و اهش بها علی غنمی
تا آخر آیه و فرق میان این ... با آخر آن است که دو

چهارم

چهارم جاریست اگرچه بجای پاک ایاه می بود بخلاف
وجه اول و اما وجه اختیار صیغه متکلم مع الغیر که
نعبد و نستعین است بر متکلم واحد که اعبد
و استعین باشد پس شاید که بجهة چهار نکته باشد اول
تنبیه بنده برای انکه در حال عرض عبادت باید که ملاحظه
کند فرشتها را که با او می باشند یا جماعتی را که در آن
نماز جماعت حاضرند یا جمیع حواس و قوتهای ظاهری
و باطنی خودش را یا جمیع انچه شامل اوست دایره
امکان و علامت وجود بروست چنانکه خدای تعالی
میفرماید وَاِنْ مِنْ شَیْءٍ اِلَّا یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ یعنی اثر
اعلم هیچ چیزی نیست مگر که تسبیح خدای تعالی میکویند
و مشغول است بحمد خدا اعلام بنده بانکه خودش را
حقیرتر از آن داند که عبادت خودش را تنها عرض نماید

کرد و کوچکتر از آنکه تنها طلب یاری خود تواند نمود
بر درگاه عظمت و کبریای الهی بلکه باید که با عبادت
جمع دیگر چنانکه داب و قاعده است در عرض حاجتها
و هدیه‌ها بدرگاه پادشاهان سیم آنکه چون خطاب
شد با حضرت ربوبیت و عوض آنکه عبادت یعنی
نهایت خضوع و خشوع و تعظیم را بجا نمی‌آرد مگر برای
حضرت الهی و همه طلبهای او در کار ربانش منحصر است
از حضرت الهی یعنی از غیر خدا طلب نمیکند یا آنکه
خدای تبارک و تعالی دیده اند که بنده خضوع و خشوع برای
غیر خدا هم اجرا میکند و از غیر هم مددی طلبد خرابیست
عظیم و بیحیایی و دروغگویی ظاهر است پس بواسطه
این عدول کرد از تکلم واحد متکلم مع الغیر نعبد انکه
این خطاب از زبان انبیا و اولیا و اصفیا و فرشتها

که استغاثات و مناجات خضوع برای غیر خدای تعالی
نمیکنند و طلب مراد از غیر خدا نمی نمایند چهارم آنکه
چون در شرع الهی که بر زبان حضرت رسالت پناه
جاری شده آن است که اگر شخصی متاعی چند را یکبار
بفروشد بیک بیع و ظاهر شود که بعضی از آنها عیب دار
مشتری را نمیرسد که بی عیب را نگاه دارد و عیب دار را
پس دهد بلکه یا همه را پس دهد یا همه را نگاه دارد
و قبول کند پس گویا که عابد چون عبادات خود را
عیب دار دیده اند عبادت عیب دار خود را با عبادات
انبیا و اولیا و ملائکه متوجه که خالی از عیب است یکبار
بر حضرت صاحب عهد و بخشش عرض میکنند و حضرت
خدای تعالی کریمتر است از آنکه عیب دار را رد کند و باقی را
قبول نماید و حال آنکه بندگان را از این نهی کرده دیگر

اولا تو نیست که همه را رد کند پس همه را قبول خواهد کرد
و مطلوب بنده هم حاصل میشود و این وجه بعبادت
غیر معصومین ظاهر است و اما نسبت بعبادت ایشان
آن است که هم عبادت خود را ناقص میدانند فتامل
و اما نکته توجه از غیبت بخطاب پس حضرت استاد
دام ظله در تفسیر عروة الوثقی چهار وجه برای آن نکته
ذکر کرده اند و اینجا شش وجه از آنها بیان نموده اند
اول تنبیه بر آنکه بنده باید که عبادات و قرائت را
با توجه تمام و حضور دل بجا آورد چنانکه هر اسمی از
اسمای الهی را که بزبان گذراند معنی آن را در دل
نقش کند و او را قرب زیاده شود بدرگاه الهی
تا آنکه بمرتبه حضور و مشاهده رسد پس در این وقت دل
باید از غیبت بخطاب دوم آنکه بنده در روی

نحو

شخصی باعث شکست خاطر او میشود و خدای تعالی از آن
کریمتر است که شکست خاطر مؤمن کند خصوصا در او
پس عابد خواست که توبه با آنکه عیب پاک است
مشغول شود و خود بر درگاه ربوبیت جل و علا معروض
داشت تسلیم اشارت است بآنکه چون خدای تعالی همیشه
حاضر است و غایب نیست بلکه نزدیکتر است به بنده
از رگ گردن پس بایست که اول کلام بطریق خطاب باشد
اما چون بنده خود را از مقام قرب حضور دور دانسته
بواسطه رعایت قانون ادب که داب عاشقان است
چنانکه گفته اند طرق العشق کلها اداب پس چون عابد
اولا قیام باین نمود گویا که مستحق حضور است پس تکلم کرد
بمقتضای مقام می بایست چنانکه فرمود انا جلیس
من ذکرنی چنانچه تنبیه بر بزرگی رتبه قرآن مجید را نمود

شده، بلکه هرگاه اینقدر از قرآن را بر زبان جاری سازد
فائز میشود بسعادت قرب و نزدیکی حضور، پس اگر
مداومت نماید بر ذکر الهی و مواظبت کند بر تلاوت
قرآن و دانستن معنیهای آن در شبها و روزها، پس
البته حجاب از میانه برمیخیزد و میرسد بمقام حضور
و مشاهده حقیقی. روایت است که حضرت امام جعفر
صادق علیه السلم فرمود که خدای تعالی تجلی کرده برای بندگانش
در کلامش لیکن ایشان نمی بینند و هم از آنحضرت روایت است
در بعضی روزها نماز میکذارده، در اثنای نماز بیهوش
شده، واقتاده. بعد از آن سبب آن پرسیده اند
حضرت فرموده که چندان این آیه تکرار کردم که از گوینده اش
شنیده ام. بعضی از عارفان گفته اند که در آن وقت
زبان حضرت علیه السلم بجای طور موسی بوده که گفت انی

164

انا الله و در همین شیخ شبستری فرموده که رواست

انا الله از درختی چرا نبود روا از نیکبختی بخم

انکه چون در عبادت کلفتی و مشقتی هست و از داب

عاشق است که در حضور معشوق تحمل مشقت بیشتر میکند

از غیبت در حضور آن را مشقت نمیدانند حق تعالی

تبارک و تعالی خواست که شوق بنده را زیاده کند بعبادت

اشعار کرد بآنکه او حاضر است در جمیع احوال و واقف

و مطلع بابنده را نشاط زیاده شود و اتمام عبادت

از روی نشاط تمام و شوق تمام کند ششم آنکه چه

اظهار نیکیهای که در است نزد غیر او پس مادام که سالک از

مرتبه قرب و حضور دور است در نظرش غیر را وجود

هست اظهار کمالات محبوب نزد آن غیر میکند اما چون

بسبب ذکر و توجه در رکاه اله او را شهود واقع شود

از مرتبهٔ بعد بمرتبهٔ حضور در نگارش وجودی نماند

سوی معبود حق را بس بالعزه داده باد متوجه شده اورا

می طلبد اهل ساخت و بالاتر ازین مقام مقالات را

که از وی نشان نمیتوان داد و سخن را در بیان آن

راهی نیست بلکه از گفتگوی پنهان تر میشود و آن

قبحًا حیطه من نسج لیقه و عزتی خرفًا عنه

معالیه قاصر یعنی پیراهنی که از تار و پود صیت ذوق

بافته شده باشد بر بالای بلند انیمتر یه کوتاه است خدایا

یکی از دیدهای ما پردهای جسمانی را در بردار از دلها

ما پوششهای هیولانی تا بغیر تو منیدازیم نظر و نگشود در

دلها از ادعیه و اثر جمال تو بخشنده کریمی مهربان

رحیمی اهدنا الصراط المستقیم هدایت کن ارشاد و دلالت بر

بلطف خود ای لطیف برسانه و بفضل خود ما را مطلب باید

و ثانی متعدی شود بمفعول دویم بواسطهٔ حرف جر یا بی واسطه
و بعضی گفته اند اگر متعدی شود بواسطهٔ حرف جر پس بمعنی
بمطلب نمودن است و اگر بی واسطهٔ حرف متعدی شود بمعنی
رسانیدن بمطلب است و بعضی گفته اند که مطلقا بمعنی رسانیدن
بمطلوب است و دفع میکند این مذهب را قول حضرت
حق هدیناه النجدین و مذهب دویم را رد میکند قول
خدای تعالی فاستحبوا العمی علی الهدی و اما قول حضرت
انک لا تهدی من احببت مطلب ایشان را ثابت نمیکند
بلکه خلاف مقرر است از مطلوب ایشان و بدانکه هدایت
حق عز شانه اگرچه غیر متناهی است و حصر
و تعداد آن ممکن نیست اما داخل است در چهار نوع اول
راهنمایی بگرفتن منفعتها و دفع مضرتها بسبب دادن
حواس ظاهری از چشم و گوش و شامه و لامسه و ذائقه

و حواس ظاهره و فکر و فهم و غیر آن و قوت عاقله چنانکه
میفرماید اعطی کل شیء خلقه ثم هدی دوم نصب دلیلهای
عقلی که فرق کنند میان حق و باطل و صلاح و فساد چنانکه
میفرماید و هدیناه النجدین سیم هدایت بفرستادن پیغمبران
و کتابهای چنانکه میفرماید و اما ثمود فهدیناهم فا
ستحبوا العمی علی الهدی چهارم نمودن راه سلوک و طی
و به سیر حظیرهای قدس و فایز شدن بمقام انس
برانداختن آثار تعلقات بدنی و کشف پوششهای
جسمانی و غرق شدن در ملاحظه اسرار کمال و مطالعه
نورهای جمال و این نوع از هدایت مخصوص است بانبیا
و اولیا و تابعان ایشان هر گاه قاری در مرتبه سیم باشد
قصد کند باهدنا هدایت مرتبه چهارم را و اگر بمرتبه
چهارم رسیده باشد قصد کند باهدنا معنی ثبتنا یعنی

مارا

166

بار را ثابت دار بر همه دین راه هدایتی که کردی چنانکه در [تفسیرالکل]

آیت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده یا قصد کند

زیادتی را یعنی هدایت ما را زیاده گردان پس هدایت

بنابر اول مجاز است و بنابر دوم هم مجاز است اگر زنها

را در یکی معنی مستعمل نمیدانیم و الا حقیقت است

و صراط اینجا بمعنی جاده و راه است گویا که فرد میبرد

و ابن کثیر بسین خوانده و غیر حمزه از قراء صاد و حمزه

اشمام میکند بزاء و مراد صراط مستقیم یا راه [حجت] است

مطلقا یا دین اسلام صراط الذین انعمت علیهم

غیر المغضوب علیهم مجموع این یک آیه است نزد جمیع علماء

ما و هر که موافقست با ما در آنکه بسمله یک آیه است از

الحمد و اما بعضی مخالفین که بسمله را یک آیه از الحمد نمیدانند

صراط الذین انعمت علیهم را آیه ششم حساب کنند و باقی

[illegible]

را آیت هفتم زیراکه جمیع امت پیغمبر صلی الله علیه و آله
متفق اند در آنکه سوره فاتحه هفت آیه است پس اگر
کسی نذر کند که یک آیه از سوره فاتحه بخواند ذمت او
بری نمیشود بخواندن صراط الذین انعمت علیهم بی
غلطها چنانکه بی خلاف علما بری نمیشود بخواندن
بسمله و این آیت در حکم تفسیر صراط المستقیم است
و صراط بدل کل است از او و مراد بالذین انعمت علیهم
جماعتی اند که مذکور اند در آیه اُولئکَ الذین انعم الله
علیهم مِنَ النبیینَ والصدیقین والشهدا والصالحین
و بعضی گفته اند مراد مسلمانند زیراکه نعمت اسلام بر جمیع
نعمتهاست بدانکه نعمتهای الهی اگرچه که غیر متناهی است
و هیچ کسی را قدرت حصر و تعداد آن نیست هشت نوع است
زیراکه دنیویست یا اخروی و از این دو یا موهبی است

یا کسبی

یا کسبی در هر یک از این چهار یا روحانیست یا جسمانی
تفصیل دنیوی موهبی روحانیست داده عقل و علما
و فهم جسمانیست خلق اعضا دنیوی کسبی روحانیست داده
هران بهیات ثواب اخروی موهبی روحانیست بخشیدن
گناه بی توبه جسمانیست نهرهای شیر و عسل در بهشت اخروی
کسبی روحانیست بخشیدن گناه بعد از توبه جسمانیست لذات
جسمانیه که در آخرت شود در عوض اعمال داده
میشود و مراد اینجا چهار آخرست و آنکه از چهار اول
باشد برای تحصیل این چهار آخر و غضب بر آنکه مستحق نقمت است
برای انتقام و استعداد است که برای نعمتها باعتبار غایت است
مثل رحمت و ضلال عدول است از راه راست اگر
چه سهوا باشد و مشهور آن است که مراد مغضوب علیهم
را عاصیان در فروع و ضالین را مخطیان در اعتقادات

یهود اند و الضالین نصاری است
و بعضی تفسیر کرده اند مغضوب علیهم

167

زیرا که مصنف بیر کسی است که جمع کرده باشد بیان احکام علم
اعتقادیه و عمل شریعت مطهره پس مقابل او کسی است
که یکی از این دو ندانسته باشد و لفظ غیر بدل است
از الذین یا صفت مبینه اوست یا صفت مقیده است
ابر هر تقدیر غیر نکره صرف است و کسب تعریف از مضاف
الیه خود نمیکند مگر آنکه مضاف الیه را یک ضد باشد و ضد مشهور
معروف است و وصف معرفه بنکره جایز نیست پس
اینجا باید ارتکاب آن کرد که غیر چون مضاف است
بچیزی که او را ضد است پس کسب تعریف کرده با آنکه
چون مراد بالذین جماعتی اند که اهتمامی بشان ن
نیست پس قایم مقام معرف بلام جنس باشد که مراد بکیفیت
و غیر معین باشد و لفظ لا برای تاکید نفی است که
از او است و برای تصریح بانکه شامل هر یک از آن متعاطفین است
از دول

168

و چون اینجا غیر متضمن معنی منافیست یعنی نفی جایز است
ذکر لا و از آنچه جایز است گفتن انا زیدا غیر ضارب
برای رعایت جانب نفی پس اضافه بمنزله عدم میشود
پس جایز است تقدیم معمول مضاف الیه بر مضاف چنانکه
جایز است انا زیدا لا ضارب اگرچه جایز نیست در انا
مثل ضارب زیدا انا زیدا مثل ضارب زیرا که ممتنع است
واقع شدن معمول جائی که ممتنع است واقع شدن عامل
آنجا بدانکه مناسب آن بود که بعد از الذین انعمت
علیهم غیر الذین غضبت علیهم گفته شود در عدول کردن
صورت عبارت در اسناد غضب بخود اشاره است بسوی
محکم ساختن مبانی عفو و بخشش در دل بنده و اشارتست بانکه
جود و بخشش محبوب اوست نه غضب و گویا که آنچه از او
صادر میشود و مقتضای اوست در تصریح اسناد نعمت

معنی آنکه رحمت و عفو و غضبست از غضب جزا و صادر میشود

و تعریض در جانب عقاب قول خدای تعالی لئن شکرتم
لازیدنکم و لئن کفرتم ان عذابی لشدید زیرا که گفت
لاعذبنکم با آنکه مناسب مقابله این بود و همچنین قول
خدای تعالی یغفر لمن یشاء و یعذب من یشاء و کان الله غفورا
رحیما با آنکه مناسب مقابله و کان الله غفورا معذبا بود لکن
عدول از آن بتکرار رحمت بواسطه ترجیح جانب رحمت است
و چنانکه در قول خدای تعالی غافر الذنب قابل التوب
شدید العقاب ذی الطول که حضرت دو صفت رحمت ذکر
کرده و یک صفت انتقام و آنرا هم در میان صفات عفو
مستغرق گردانیده غفورا رحیما کریما گناه ما درماندگان
بیچاره را بمغفرت و رحمت بپوش و ما را از شر شیطان نگاه دار
و مسلط گردان ما را ابرو و ما رب اربعی ما را از خزینه کرم وجود
روا کن و ما را بغیر خود محتاج مساز و دعا را قبول کن

الحمد لله علی التوفیق للاتمام
تحریر ۱۸ م شهر جمادی الآخر

۱۵۳







